



همسران همراه

سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵-۶۸-۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۶۴۸۴
عنوان و نام پدیدآور: همسران همراه: همسران خانواده‌گی همسران علما و بزرگان دین / جمعی از نویسندگان؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی
تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه.
مشخصات نشر: قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص، ۱۴/۵۱، ۲۱/۵۴ س م.
موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- اخلاق
موضوع: 'Ethics' -- Iran -- Ulama
موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- روابط خانوادگی
موضوع: 'Family relationships' -- Iran -- Ulama
موضوع: همسران مجتهدان و علما
موضوع: 'Ulama' spouses
موضوع: همسران روحانیت -- زندگی مذهبی
موضوع: 'Spouses of clergy' -- Religious life
موضوع: زناشویی (اسلام)
موضوع: Marriage -- Islam -- Religious aspects
موضوع: خانواده‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Families -- Islam -- Religious aspects
موضوع: خانواده‌ها -- جنبه‌های اخلاقی
موضوع: Families -- Moral and ethical aspects
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۶۶
رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۵/۲/ه.۸
شناسنامه افزوده: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی
شناسنامه افزوده: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
وضعیت فهرست نویسی: فیبا

همسران همراه

سیره خانوادگی همسران علما و بزرگان دین

به سفارش و نظارت:

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

زیر نظر شورای کارشناسی:

مهدی محمدی صیفار، کاظم علی محمدی و هادی حسین خانی

مؤلف: جمعی از نویسندگان

ناشر: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

طراحی و صفحه آرایی: فرهود مقدم

نوبت چاپ: چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه محفوظ است *



نشانی: قم، انتهای بلوار پیامبر اعظم (ص) (جمکران)، مجتمع دارالولاية،

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکزپخش:

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: ۳۷۷۴۸۳۲۳-۰۲۵

فهرست

مقدمه..... ۱۱

فصل اول: ازدواج با طلبه

ارزش والای ازدواج..... ۱۵
ازدواج بی پیرایه و آسان..... ۱۶
آشنایی با واقعیت زندگی طلبگی..... ۱۸
آشنایی با محدودیت‌های ازدواج با طلبه..... ۲۲

فصل دوم: خودسازی

الف) ارتقای علمی و معرفتی..... ۳۲
تقویت مبانی اعتقادی..... ۳۵
رضا و تسلیم در برابر خداوند..... ۳۸
ب) ارتقای اخلاقی و معنوی..... ۴۲
۱. قرائت قرآن..... ۴۳
۲. اهتمام به نماز اول وقت..... ۴۵
۳. تقویت روحیه قناعت و توکل..... ۴۸
فنون دست‌یابی به قناعت در زندگی..... ۵۳
الف) مقایسه‌های خوش‌بینانه و پرهیز از مقایسه‌های بدبینانه..... ۵۳
ب) امیدواری به آینده..... ۵۴
ج) برنامه‌ریزی برای دخل و خرج زندگی..... ۵۵
د) توجه به الگوها و سرمشق گرفتن از آنها..... ۵۵

- ح) هم خوان سازی خواسته‌ها و انتظارات با واقعیت‌ها..... ۵۵.
۴. تقویت روحیه‌ی ایثار و فداکاری..... ۵۷.
۵. خویشتن داری در تغییرات..... ۶۲.
۶. توسل به اهل بیت علیهم‌السلام..... ۶۴.
۷. پرهیز از اسراف و تبذیر..... ۶۷.
۸. همّتِ بلند..... ۶۸.
۹. توجه به الگوهای اخلاقی و سبک زندگی اسلامی..... ۶۹.
- ج) فراگیری مهارت‌های زندگی..... ۷۰.
۱. یادگیری روش‌های درست آداب معاشرت..... ۷۱.
۲. یادگیری روش‌های حلّ تعارض..... ۷۲.
- شناسایی زمینه‌های بروز تعارض..... ۷۵.

فصل سوم: همسر داری

- الف) مدیریت منزل..... ۸۱.
- تقسیم کار..... ۸۱.
- تدبیر و درایت..... ۸۳.
- ب) آرامش بخشی..... ۸۵.
۱. سنگ صبور بودن..... ۸۶.
۲. شادی آفرینی و ایجاد نشاط در خانه..... ۸۷.
- ۱-۲. مثبت‌نگری..... ۸۷.
- ۲-۲. ایجاد فضای امن و شاد..... ۸۸.
- ۱-۲-۲. ابراز محبت و خوش اخلاقی..... ۸۹.
- ۲-۲-۲. زدودن تنش‌ها..... ۸۹.
- ۳-۲-۲. فضاسازی مناسب..... ۹۱.

- ۹۱..... ۴-۲-۲. شوخی کردن
- ۹۲..... ۳. آزرده نساختن همسر.
- ۹۳..... (ج) مهرورزی
- ۹۵..... (د) پرهیز از منت گذاشتن
- ۹۷..... (ه) پاسداشت حقوق و اخلاق
- ۹۷..... ۱. پاسداشت حقوق
- ۹۷..... ۱-۱. اطاعت
- ۹۹..... ۱-۲. تمکین
- ۱۰۰..... ۱-۳. رعایت عفاف و حیا در معاشرت با نامحرم
- ۱۰۴..... ۱-۴. امانت داری و حفظ اموال شوهر.
- ۱۰۴..... ۲. پاس داشت اخلاق
- ۱۰۵..... ۲-۱. احترام متقابل
- ۱۰۶..... ۲-۲. ابراز عملی محبت
- ۱۰۷..... ۲-۳. آراستگی
- ۱۱۰..... ۲-۴. عیب پوشی
- ۱۱۲..... ۲-۵. قدرشناسی و پرهیز از مقایسه‌ی شوهر با دیگران
- ۱۱۵..... ۲-۶. صداقت و پرهیز از دروغ‌گویی
- ۱۱۶..... ۲-۷. خوش خلقی و معاشرت پسندیده
- ۱۱۸..... ۲-۸. وفاداری
- ۱۲۰..... (و) همدلی و همراهی
- ۱۲۰..... ۱. درک و پذیرش شرایط همسر.
- ۱۲۶..... ۱-۱. درک متقابل، عامل محبت
- ۱۲۷..... ۱-۲. پذیرش لباس روحانیت
- ۱۲۹..... ۱-۳. مسئولیت‌پذیری

۲. یاری و همراهی..... ۱۳۰
- ۲-۱. داشتن انتظارات متناسب با موقعیت..... ۱۳۱
- ۲-۲. همکاری روحی و معنوی..... ۱۳۱
- ۲-۳. مشورت و هم فکری..... ۱۳۴
- ۲-۴. رازداری..... ۱۳۴
- ۲-۵. صبر و تحمل در مشکلات مادی..... ۱۳۵
- ۲-۶. مهاجرت..... ۱۳۶
- ۲-۷. مجاهدت و دفاع..... ۱۳۸
- ۲-۷-۱. همراهی در مجاهدت علمی..... ۱۳۸
- ۲-۷-۲. همراهی در تبلیغ..... ۱۴۰
- ۲-۷-۳. همراهی در مبارزه..... ۱۴۳

فصل چهارم: فرزندپروری

۱. استمداد از خداوند در تربیت..... ۱۵۳
۲. تربیت فرزند، بهترین عبادت مادر..... ۱۵۴
۳. نقش مادر در تربیت انسان‌های والا..... ۱۵۵
۴. اثر روحیات و معنویت مادر بر فرزند..... ۱۵۶
۵. دقت در لقمه‌ی حلال..... ۱۵۷
۶. آموزش احکام اسلامی..... ۱۵۹
۷. دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند..... ۱۶۰
۸. تقویت روحیه‌ی انقلابی و جهادی فرزندان..... ۱۶۳
- منابع..... ۱۶۵

تقریم بہ

یگانہ بانومی دو عالم، سرور زنان اہل بہشت،

صدیقہ طاہرہ حضرت فاطمہ زہرا علیہا السلام

مقدمه

در مکتب والای اسلام، خانواده محبوب‌ترین و گرمی‌ترین بنیان اجتماعی نزد خداوند متعال است و خانواده بیشترین تأثیر و مهم‌ترین مسئولیت را در باب تربیت برعهده دارد.

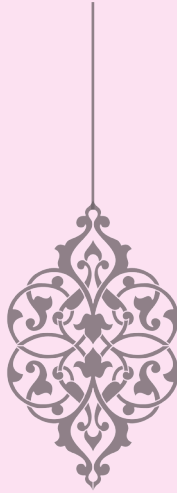
بنیان خانواده به وجود مرد و زنی بنا نهاده شده است که هر کدام نقش بسیار مهم و قابل توجهی در آن ایفا می‌کنند. ایفای نقش‌ها نیازمند مهارت، معرفت و دانشی است که بتوان به وسیله‌ی آن، روابط درون خانواده را بهبود بخشید و خانواده را به سوی کمال هدایت نمود. این تلقی که مردان دانش یا مهارت‌های خود را ارتقا دهند؛ ولی زنان هم چنان بی بهره بمانند، تصور نادرست و اشتباه بزرگی است. همراهی همسران در زندگی زناشویی، همواره بر درک متقابل استوار است و هنگامی توازن برقرار می‌گردد که دانش، معرفت یا مهارت‌های زندگی مشترک در هر دو موجود باشد و به اصطلاح، زن و شوهر از لحاظ فکری، همتا بوده و افق فکری‌شان به هم نزدیک باشد. اگر مرد خانه تنها به فکر تقویت و ارتقای دانش و مهارت‌های خود باشد و روز به روز فاصله‌ی دانشی و مهارتی خود را از همسرش زیاد کند، به تدریج رابطه‌ها به عدم درک متقابل می‌انجامد و این جاست که اختلاف‌ها و عدم تفاهم‌ها خود را نشان خواهد داد. از این رو، زن خانواده نیز لازم است هم‌زمان، بردانش و مهارت‌های زندگی خود بیفزاید و خود را از لحاظ معنوی

و اخلاقی بالا بکشد تا بتواند در وظایف اصلی خود که همسررداری و تربیت فرزندان صالح است، موفق باشد.

طلاب و روحانیان که به عنوان الگوی اخلاقی، معنوی و رفتاری در جامعه نگریسته می‌شوند، افزون بر خود باید به همسران خود نیز توجه کرده و زمینه‌های رشد آنان را فراهم سازند؛ چرا که رشد و کمال معنوی همسر، موجب استحکام، پویایی و تعالی خانواده گشته و تربیت نسلی پاک و صالح را در پی دارد.

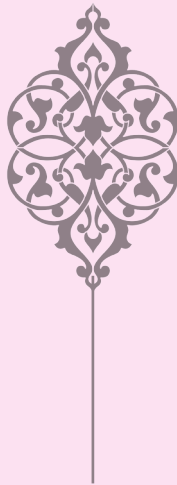
از سوی دیگر، بهره‌گیری از توان و ظرفیت همسران برای تبلیغ دین نیز وابسته به آن است و البته بر خود همسران لازم است به نقش الگویی خود در جامعه توجه داشته و همواره بکوشند توانایی‌هایشان را افزایش دهند تا بتوانند عضوی مؤثر، فعال و سازنده باشند.

کتاب «همسران همراه» می‌کوشد فضاهایی از دانش و مهارت‌ها را در برابر دیدگان همسران طلاب و روحانیان با استفاده از زندگی همسران موفق علما و بزرگان دین ترسیم کند تا بدان وسیله بتوانند به اهمیت نقش خود در خانواده، تربیت نسل و نیز در جامعه پی برده و برای رسیدن به جایگاه الگویی تلاش کنند. در پایان، از پژوهش‌گران بزرگواری که در تهیه‌ی اثر حاضر ما را یاری کردند، به ویژه حجج الاسلام والمسلمین آقایان مهدی محمدی صیفار و کاظم علی محمدی که اصلاح و ویرایش و تدوین نهایی کتاب را بر عهده داشتند و نیز حجج الاسلام والمسلمین هادی حسین‌خانی که زحمت نظارت و ارزیابی پژوهش را کشیدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماییم.



فصل اول:

ازدواج با طلبه



ارزش والای ازدواج

در آیین حیات بخش اسلام بر ازدواج و تشکیل خانواده، بسیار اهمیت داده شده و تأکید شده هیچ بنایی، دوست داشتنی تر از ازدواج نزد خداوند متعال نیست.^۱ در روایات متعددی آمده که ازدواج از سنت پیامبر اکرم ﷺ است.^۲ از سوی دیگر، مجرد ماندن ناپسند شمرده شده و حتی به کسانی که توانایی مالی دارند، سفارش شده که به ازدواج جوانان کمک کنند^۳ و بر اساس روایات یکی از وظایف پدر، همسر دادن فرزند است.^۴

ارزش ازدواج آن قدر والا دانسته شده که در زندگی دنیوی موجب رشد معنوی^۵ و در آخرت به ارتقای درجه‌ی بهشتی فرد منجر می‌شود.

بانوی مجتهد نصرت امین^۶ در ضمن خاطره‌های خود می‌گوید:

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ما بُنِيَ بِنَاءُ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام، هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای بزرگ، محبوب‌تر از [بنای] ازدواج باشد. (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳)
۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِيَسْتَنْ بِيَسْتَنْ، وَ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ؛ هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، ازدواج کردن است. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۹۴)
۳. مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و هم چنین غلامان و کنیزان صالح را، اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. (نور، آیه ۳۲)
۴. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَةِ ثَلَاثَةٌ: يُحَيِّنُ اسْمَهُ، وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ از حقوق فرزند بر پدرش، این سه چیز است: نام نیکو بر او بنهد، به او سواد بیاموزد و هنگامی که بالغ شد، او را همسر بدهد. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۴)
۵. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: رُكْعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبٌ؛ دو رکعت نمازی که انسان متأهل می‌خواند، برتر از هفتاد رکعتی است که مجرد می‌خواند. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸)
۶. از بانوان تحصیل‌کرده حوزوی و مجتهده و از شاگردهای مرحوم آیت‌الله سید محمد باقر دُرُجَه‌ای، آیت‌الله آخوند محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی بوده‌اند.

روزی آمدم بر سر مزار آقای کاشی رحمته الله علیه و برای مرحوم کاشی هدایایی آورده بودم؛ یک ختم قرآن و صد مرتبه قرائت سوره ی قدر. به او گفتم: جناب آخوند! دوست دارم که پاداش خوبی به من بدهی.

پس از اتمام زیارتان به خانه بازگشتم و شب، خواب مرحوم آخوند کاشی رحمته الله علیه را دیدم. در خواب دیدم که یک باغ بسیار وسیع و بزرگ در اختیار اوست. پرسیدم این جا کجاست و این باغ متعلق به کیست؟ ایشان در پاسخ فرمود: متعلق به من است. دیدم که درخت‌های زیبا، قصرهای باشکوه و مناظر دیدنی فراوانی دارد؛ اما ناگهان متوجه شدم که بالاتر از این باغ، باغ دیگری است که به مراتب، عالی‌تر و زیباتر است.

از جناب آخوند پرسیدم: آن باغ متعلق به کیست؟ فرمود: آن باغ برای آیت‌الله خانی است. بانو امین پرسیده بودند که جناب آقای خانی! این بزرگوار که ما دیده بودیم، درستان خیلی شلوغ نبود؛ اما پاداش بیشتری برده‌اند؟ مرحوم آخوند کاشی در پاسخ فرموده بودند: آری، اما او دو امتیاز بر من داشت: نخست این که او ازدواج کرده بود و من ازدواج نکردم و دیگری این که او از سادات و ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و من نیستم.^۱

ازدواج بی‌پیرایه و آسان

متأسفانه با وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی که امروزه دامن‌گیر جامعه شده، امر ازدواج و تشکیل خانواده بر بسیاری از جوانان دشوار گردیده و سبب بالا رفتن سن ازدواج و بروز ناهنجاری‌های مختلف در بین آنان گشته است. سیره‌ی پسندیده‌ی علما و گذشتگان ما بر این بوده که با تسهیل شرایط و سخت نگرفتن بر جوانان، زمینه‌ی ازدواج آسان و به‌هنگام آنان را فراهم می‌کردند.

۱. «ازدواج، جهت‌یابی افکار انسان»، پایگاه اطلاع‌رسانی مرتضی‌آفانهرانی، شناسه: ۱۰۹۸۷، ۱۳۹۴/۲/۵.

علامه محمدتقی مجلسی رحمته الله علیه از افرادی است که دخترش را به سادگی به ازدواج شاگردش ملاصالح که در نهایت فقر زندگی می‌کرد، درآورد و در این مسأله، تنها ایمان و دیانت او را ملاک قرار داد.

ملاصالح رحمته الله علیه از شاگردان ملا محمدتقی مجلسی رحمته الله علیه بود و در فضل و کمال، شایستگی فراوان داشت. پیوسته در درس شرکت می‌کرد و به پیشرفت زیادی در علم و تقوا دست یافت، تا این که میل به ازدواج پیدا کرد. استادش، از او پرسید که آیا مایل است برایش همسری شایسته پیدا کند؟ و ملا صالح قبول کرد.

ملا محمدتقی وارد منزل شده و دخترش آمنه بیگم - را که در علم و فضیلت و تقوا به حد کمال رسیده بود - خواست و فرمود: ای دختر! برای تو شوهری فقیر، ولی با کفایت و فضل و صلاح در نظر دارم، نظر شما چیست؟ دختر در جواب پدر گفت: فقر عیب مرد نیست. مرحوم مجلسی مراسمی گرفت و دختر خود را به عقد ملا صالح درآورد... .

آمنه بیگم زنی پرهیزکار و مجتهده بوده است. او کتابی در فقه و احکام دینی تألیف کرد. وی در جمع‌آوری اخبار بعضی از مجلدات بحارالانوار، به برادرش، علامه محمدباقر مجلسی کمک کرد. بعدها نیز شوهرش با همه علم و فضلی که داشت، در حل بعضی از مسائل علمی با وی مباحثه و مذاکره می‌نمود.^۱

ازدواج آسان و ساده، سنت علمای بزرگ دین است؛ به طوری که همواره می‌کوشیدند هم در ازدواج خود و هم در ازواج فرزندانشان، آن را مراعات کنند. برای دخترها که خواستگار می‌آمد، شهید آیت‌الله مدنی رحمته الله علیه سه تا نکته را دقت می‌کردند: یکی تقوای داماد، دیگر اخلاق او و سوم این که خسیس نباشد. تحقیق می‌کردند و با خانم مشورت می‌کردند و بعد با مهریه‌ای اندک،

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹.

سنت پیامبر را جاری می‌کردند.^۱

مقام معظم رهبری دامت‌الله، با تأکید بر ازدواج آسان، جوان‌ها را به آن سفارش کرده و می‌فرماید:

جوان‌ها وقتی صحبت می‌شود، می‌گویند اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ این‌ها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: «ان یَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛^۲ یعنی خدای متعال این‌ها را کفایت خواهد کرد. ازدواج بکنید. ازدواج در معیشت آن‌ها دشواری خاصی به وجود نمی‌آورد، بلکه به عکس، خداوند آن‌ها را از فضلش غنی هم می‌کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف، به جای خَرَج، بَرَج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول، تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند، سطوح خواهش‌ها و توقعات و نیازهای کاذب را بالا می‌برند. ... این‌که دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرف‌های منطقی آن‌چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می‌بینیم که نه، جوان‌ها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند، می‌فهمند؛ منتهی این ازدواج یک مسئولیت‌پذیری هم هست. این حس گریزاز مسئولیت، مقداری مانع می‌شود از این‌که این کار انجام شود.^۳

آشنایی با واقعیت زندگی طلبگی

طلبه، محصل علوم اسلامی است و علاوه بر این که باید به آموخته‌ها و دانسته‌های خود عمل کند، وظیفه دارد آن‌چه را که آموخته به مردم منتقل

۱. نکته‌هایی از زندگی حضرت آیت‌الله مدنی، ماهنامه امتداد، ش ۳۶، ص ۱۰-۱۴.

۲. اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد. (نور، آیه ۳۲)

۳. بیانات در اجرای خطبه عقد، ۱۳۷۹/۶/۲۸، به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

کند. طلبه پس از سال‌ها تحصیل، یا باید به پژوهش و تفقه در علوم اسلامی و انسانی بپردازد و دانشمند و مجتهد شده، از مرزهای اندیشه اسلامی محافظت کند؛ یا به کار تبلیغ و تربیت مشغول شود و مردم را با احکام و معارف اسلامی آشنا سازد و یا در یکی از ارگان‌ها و نهادهای حکومتی به فعالیت‌های اجرایی فرهنگی بپردازد.

در هر حال، تحصیل بخش مهمی از زندگی طلبگی را تشکیل می‌دهد که چندین سال طول می‌کشد و طلاب غالباً پس از طی سطح یک؛ یعنی پس از شش هفت سال از آغاز تحصیل، اقدام به ازدواج می‌کنند. مهم‌ترین معیار طلبه‌ها در انتخاب همسر، تدین و ایمان فرد است و ملاک‌های دیگر در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. طلبه‌ای که ازدواج می‌کند، می‌کوشد موارد ذیل را در زندگی خانوادگی خود مراعات کند و برای به دست آوردن و ایجاد آنها سخت به تلاش می‌پردازد و انتظار دارد همسرش نیز در این راه هم‌گام گردد:

۱. مبنای زندگی طلاب، بر اساس اخلاق و دین‌محوری، تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌مداری است و البته خانواده‌های ایشان به رعایت این موارد از همه سزاوارتر هستند.

البته معنای این سخن آن نیست که همه‌ی طلبه‌ها به طور کامل به تمام خواسته‌های دین در همه‌ی عرصه‌ها از جمله زندگی خانوادگی عمل می‌کنند، بلکه آنها نیز از جنس همین مردم هستند و مثل همه‌ی افراد و اقشار جامعه دارای نقاط قوت و ضعف‌هایی در ایمان، اخلاق و رفتار هستند و به فراخور زحمتی که در کسب معارف دینی و یادگیری علوم اسلامی و تربیت نفس خود

می‌کشند، دارای مراتب و سطوح مختلف ایمانی و رفتاری هستند و میزان پایبندی شان به دین و رفتار براساس آن، می‌تواند متفاوت باشد.

۲. زندگی ساده و بدون تجملات، خواسته اکثر طلبه‌هاست. بنابراین برای کسی که با طلبه ازدواج می‌کند، توقع داشتن زندگی اشرافی، خانه‌ی مجلل، لباس‌های فاخر و گران‌قیمت و... نابجا است.

۳. طلاب عمدتاً به خانواده، همسر و فرزندان اهمیت می‌دهند و به اصطلاح، خانواده دوست هستند. خانواده از نظر آنان بر خویشان و دوستان اولویت دارد و به همین منظور، هرگاه بخواهند به مسافرت تفریحی یا زیارتی بروند، همسر و فرزندان را نیز با خود می‌برند. اگر پیش از ازدواج، گعده‌های دوستانه داشته‌اند، پس از ازدواج، گعده‌های دوستانه را به گعده‌های خانوادگی تبدیل می‌کنند.

۴. نشاط و شادابی و تفریح سالم برای خانواده، موجب تمدد اعصاب، همبستگی اعضای خانواده، تولید خاطره‌های مشترک و استحکام خانواده می‌شود؛ البته طلبه‌ها برخلاف بعضی از خانواده‌ها، ضمن این‌که می‌کوشند شادابی و تفریح را در خانواده ایجاد کنند، آن‌ها را از تفریح‌های ناسالم و گناه‌آلود دور می‌سازند.

۵. تلاش طلبه‌ها آن است که از لحاظ روحی و جسمی، یک زندگی سالم برای اعضای خانواده فراهم سازند. از این‌رو می‌کوشند همسر و فرزندان را از محیط‌های ناسالم دور سازند تا گرفتار آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی نگردند.

۶. برقراری یک رابطه خوب، مؤثر و سازنده با همسر، فرزندان و خویشان به سبب آثار و برکات زیاد آن، از اولویت‌های زندگی طلبگی است. احترام، ادب، محبت و دوست داشتن متقابل نیز به شدت ارزشمند محسوب می‌شود.

نتیجه سخن این‌که، ازدواج و زندگی با طلبه از جهاتی با سایر اقشار جامعه متفاوت است و روشن است که این تفاوت ناشی از انتساب آنان به دین، انتظارهای مردم و هم‌چنین به سبب جایگاهی است که در جامعه دارند. بنابراین، کسانی که مشتاق ازدواج با طلبه و در پی زندگی ایمانی هستند، باید پیش از ازدواج، مانند همه‌ی مردم، تحقیق کنند و تمام جوانب زندگی با طلبه را از جهت مزایا و محدودیت‌های آن، خوب بسنجند و با چشمی باز و ناظر به واقعیت‌های زندگی طلبگی، تصمیم بگیرند.

آقای دکتر غلامعلی حداد عادل در نقل خاطره‌ای از مقام معظم رهبری دام‌ظله می‌گوید:

چند روز پس از خواستگاری خانواده‌ی بزرگوار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله از دختربنده، خدمت مقام معظم رهبری رسیدم. ایشان فرمودند: آقای دکتر! اگر خدا بخواهد با هم خویشاوند می‌شویم. عرض کردم چطور؟ فرمودند: آقامجتبی و دخترخانم شما ظاهراً یک‌دیگر را پسندیده‌اند و در گفت‌وگو به نتیجه رسیده‌اند. حالا نظر شما چیست؟ عرض کردم: آقا اختیار ما هم دست شماست! آقا فرمودند: شما و همسران استاد دانشگاه هستید و زندگی شما با زندگی ما متفاوت است. تمام زندگی ما غیر از کتاب‌هایم، یک وانت لوازم کهنه است. خانه ما هم دو اتاق اندرونی دارد و یک اتاق بیرونی که مسئولان می‌آیند و با من دیدار می‌کنند. من پولی برای خرید خانه ندارم. خانه‌ای اجاره کرده‌ایم که قرار است، در یک طبقه‌ی آن آقامصطفی و در طبقه‌ی دیگر آقامجتبی زندگی کنند. ما زندگی معمولی داریم و شما زندگی خوبی دارید. مثل ما زندگی نکرده‌اید. آیا دختر شما حاضر است با این وجود زندگی کند؟! زیبایی و دقت سخن رهبر معظم انقلاب برای من بسیار جالب بود. موضوع را به دخترم گفتم و او با روی باز استقبال کرد!

۱. «نگاهی به سلوک و ساده‌زیستی مقام معظم رهبری»؛ خبرگزاری تسنیم، شناسه خبر: ۳۹۰۶۲۳، ۱۳/۳/۱۳۹۳.

آشنایی با محدودیت‌های ازدواج با طلبه

همان‌طور که افراد مشهور در جامعه، دارای محدودیت‌هایی هستند و به سبب موقعیت‌های اجتماعی‌شان، هر جایی نمی‌توانند بروند، هر کاری نمی‌توانند بکنند و هر حرفی را نمی‌توانند بزنند؛ طلبه‌ها و روحانیان و خانواده‌های ایشان نیز با توجه به موقعیت خاص اجتماعی‌شان و به اقتضای مسئولیت و رسالتی که بردوش دارند، محدودیت‌هایی دارند. طلبه‌ها و روحانیان، از آن جهت که نماینده و نمایاننده دین هستند، باید بیشتر زندگی خود را با آموزه‌های دین تطبیق دهند. طبیعی است این انتساب، محدودیت‌هایی را برای آنها و خانواده‌شان در جامعه تحمیل می‌کند.

خداوند متعال همه‌ی مردم را به زندگی دین‌مدارانه دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که زندگی خود را با آموزه‌های دین وفق دهند. این انطباق و عمل به دستوره‌های دین، به طور طبیعی محدودیت‌هایی را در پی دارد؛ ولی از طلبه و روحانی که شدت انتسابشان به دین بیشتر است، بیشتر انتظار می‌رود که به آموزه‌های دین تعهد و التزام داشته باشند. این مسأله، خانواده‌ی آنان را نیز شامل می‌شود. از این روست که خداوند متعال همسران پیامبر اکرم ﷺ را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...؛ ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید.

سپس در این آیه و آیه‌های دیگر، محدودیت‌هایی را برای زنان پیامبر برمی‌شمارد که یا باید آن‌ها را مراعات کنند یا از پیامبر طلاق گیرند و دنبال

زندگی دنیایی خود برونند. همسران طلاب و روحانیان به سبب موقعیت اجتماعی شان، شباهت‌هایی با زنان پیامبر دارند. همان طور که موقعیت اجتماعی پیامبر برای زنانش محدودیت ایجاد می‌کند، موقعیت روحانیان نیز برای همسرانشان محدودیت آور است.^۱

البته آن طرف قضیه هم همین طور است:
 وَمَنْ يَفْتُنْ مِنْكُنَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا^۲ و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرازشی برای او آماده کرده‌ایم.

یعنی نماز زن پیامبر به طور معمولی دو برابر نماز دیگران اجر دارد و عبادتش دو برابر عبادت دیگران پاداش دارد.

مقام معظم رهبری دامنه‌الله‌عنه در ذیل این آیه ی شریفه می‌فرماید:
 این، خطاب به زن‌های پیغمبر است. اما زن‌های پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زن‌های پیغمبر، انتصاب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتصاب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست. البته نمی‌گویم دو برابر - این را ادعا نمی‌کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است. اگر ما خطای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه

۱. البته تمام کسانی که در جامعه دارای موقعیت اجتماعی هستند، ملزم به پذیرفتن محدودیت‌ها می‌باشند و میان روحانی، استاد دانشگاه، نظامی، پزشک و ... فرقی وجود ندارد. هر کسی به تناسب شغلش، محدودیت‌هایی دارد؛ ولی بعضی از موقعیت‌ها حساس بوده و انتظارات زیادی از آن‌ها وجود دارد.

۲. احزاب، آیه ۳۱.

دیگری تفاوت دارد.^۱

بعضی از محدودیت‌ها که در زندگی با یک طلبه ممکن است وجود داشته باشد، با استفاده از چند آیه به صورت مختصر توضیح داده می‌شوند.

۱. پرهیز از دنیاگرایی: خداوند زنان پیامبر ﷺ را از دنیاگرایی پرهیز می‌دهد و می‌فرماید اگر خواهان دنیا و زینت‌های آن هستید، از پیامبر جدا شوید. جدایی از پیامبر، به معنای جدا شدن از موقعیت اجتماعی پیامبر و قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی دیگر است. چون در موقعیت دیگر، انتساب به پیامبر از بین رفته، آن محدودیت نیز وجود ندارد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرِحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا^۲ ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مهتران را بدهم [خوش و] خرم شما را رها کنم.

به دنبال کسب غنایم جنگی به وسیله‌ی مسلمانان، همسران پیامبر اکرم ﷺ به توسعه‌ی زندگی رو آوردند و از آن حضرت، وسایل و امکانات رفاهی طلب کردند. رسول خدا با خواسته‌ی آنان مخالفت کرد و به مدت یک ماه از آنان فاصله گرفت تا آیات مورد بحث نازل شد.

این آیه بیان می‌دارد که رهبران جامعه، حتی در صورت داشتن امکانات رفاهی، باید ساده زندگی کنند و الگوی تهی‌دستان باشند. همسر مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌گوید:

سال‌هاست که ما اشیای تجملاتی را به خانه‌مان راه نداده‌ایم. زیبایی خوب است؛ اما نباید خودمان را درگیر زندگی تجملاتی بکنیم. ما در خانه‌مان

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۲. احزاب، آیه ۲۸.

دکوراسیون به معنای متداول آن، فرش‌ها و پرده‌های قیمتی، مبلمان و غیره نداریم. سال‌ها پیش خودمان را از این چیزها رها کرده‌ایم. والدین آقای خامنه‌ای در این رابطه سرمشق ما بوده‌اند و مادر ایشان چنین تجملاتی را مورد انتقاد قرار می‌دادند و من نیز همین عقیده را دارم. همیشه به فرزندانمان توصیه می‌کنم که آن‌ها هم باید در رفتار شخصی‌شان این‌گونه باشند؛ زیرا اشیای لوکس، غیر ضروری می‌باشد.^۱

۲. پرهیز از رفتارهای نامتناسب با جایگاه: مناسب است همسران طلاب و روحانیان در ارتباط با نامحرمان و در انظار عمومی، از صحبت غیر ضروری، آشکار کردن زینت‌ها، آرایش کردن، پوشیدن لباس‌های تنگ و نامناسب و براساس مد روز و امثال این‌ها بیش از سایر زنان پرهیزند و به طور کلی از رفتارهایی که خلاف شأن روحانیت است، دوری کنند.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...؛ ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید. اگر سرپروا دارید، پس به ناز سخن مگویید.

احتمال دارد بعضی از روحانیان، به سبب موقعیت‌های علمی، شغلی و خانوادگی، از امکانات رفاهی خوبی برخوردار باشند و همسران آنها بخواهند اشرافی زندگی کنند؛ ولی این کار آنها به دلیل توصیه‌های دین به زندگی ساده، سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام، رعایت حال عموم مردم و به‌ویژه تهی‌دستان و انتظارهای مردم از روحانیت، توجیه‌ناپذیر است.

زندگی در خانه‌های مجلل، تعویض سالانه اثاث و مبلمان منزل، خرید

۱. تبریزی، «خانواده و وظایف مبلغان دینی»، مجله مبلغان، ۱۳۸۲، ص ۹۸؛ برگرفته از مجله محجوبه (نشریه‌ای به زبان انگلیسی برای خارج از کشور)، ۱۳۷۲.

۲. احزاب، آیه ۳۲.

بیش از اندازه‌ی لباس‌های نو، گران‌قیمت و مد روز و تعویض زود هنگام آنها، اهمیت دادن بیش از حد به لوازم دکوری خانه، خرید ماشین‌های گران‌قیمت و سایر موارد، از زی‌طلبگی به دور است و پیامدهای منفی جبران‌ناپذیری دارد.

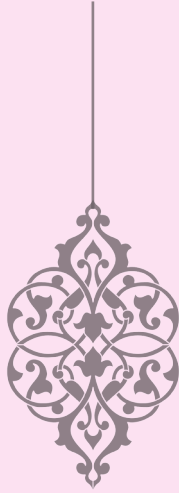
۳. اولویت داشتن در رعایت آداب و اخلاق اسلامی: همسران روحانیان نسبت به انجام رفتارهای اخلاقی و آداب اسلامی و مناسب شأن روحانیت اولویت دارند. رعایت احکام اسلامی، اهمیت دادن به نماز اول وقت، احترام به همسر، بزرگ‌ترها و خویشان، رعایت نظافت و تمیزی، خیرخواهی و... از جمله‌ی این رفتارها است. مردم، نه تنها از روحانیان، بلکه از خانواده‌ی آنان به‌ویژه همسرانشان انتظار دارند الگوی زنان جامعه باشند. همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ نخست خانواده و نزدیکان خود را به اسلام دعوت کرد، یا دخترشان حضرت فاطمه رضی الله عنها وقتی برای درخواست کنیز به پدرشان رجوع کرد تا کمک حال او در خانه باشد؛ ولی پیامبر توجه او را به آخرت جلب نمود؛ روحانیان و همسران آنان نیز چنین وظیفه‌ای دارند.

۴. برخلاف دیدگاه نادرست بعضی از مردم، اکثر طلبه‌ها و روحانیان، زندگی ساده و زاهدانه دارند و به علت تحصیل و به‌ویژه در اوایل زندگی مشترک از مشکلات مالی رنج می‌برند؛ ولی این مشکلات به تدریج با انجام دادن فعالیت‌های علمی، تبلیغی و اجرایی کمتر می‌شود.

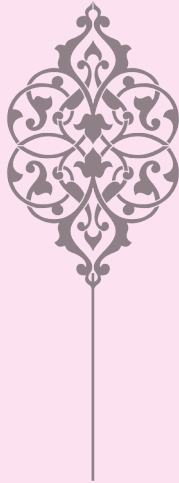
۵. محدودیت دیگر، مربوط به هجرت تحصیلی یا تبلیغی طلبه‌ها است که گاهی همسران آنان را رنج می‌دهد. اگر طلبه‌ای به دور از شهر خود به

تحصیل می‌پردازد و پس از ازدواج، همسرش را نیز به آن شهر می‌برد؛ ممکن است غم غربت و دوری از پدر و مادر و بستگان، همسر را اذیت کند یا سفرهای تبلیغی کوتاه مدت چند روزه تا یکی دو ماهه به بعضی از مناطق شهری و روستایی دوردست، موجب دوری از خانواده و همسر گردد. البته اگر همسر طلبه، همه‌ی این سختی‌ها را در راه خدا تحمل کند، اجر و پاداش زیادی نزد خداوند خواهد داشت و در اجر فعالیت‌های علمی و فرهنگی همسرش شریک خواهد بود.

۶. همسر طلبه همانند خود طلبه، باید بپذیرد که جزئی از خانواده‌ی بزرگ روحانیت شده و احتمال دارد بر اثر سختی‌های زمانه و تبلیغات سوء و ناروای دشمنان، در تیررس نیش و کنایه‌ها، ناسزاها، نگاه‌های بدبینانه و رفتارهای زشت دیگران قرار گیرد. تحمل این سختی‌ها در راه خدا، پذیرش همسری طلبه را آسان کرده و از او شیرزنی خواهد ساخت که همانند زنان صدر اسلام و انقلاب اسلامی، در راه اسلام و انقلاب جان فشانی کنند و روشنگر راه برای سایر دختران و زنان باشند.



فصل دوم:
خودسازی



انسان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعداد‌های فراوانی است که در طول زندگی باید به فعلیت و شکوفایی برسند. خودسازی، فراهم آوردن زمینه‌های پرورش استعداد‌های درونی و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه‌ای است که خدای متعال در فطرت انسان قرار داده است تا در نتیجه‌ی آن، به کمال حقیقی نایل و از لذت سعادت در دنیا و آخرت برخوردار گردد.

منظور از خودسازی و به طور کلی پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت‌بخشی به فعالیت‌های حیاتی و تصحیح و تقویت انگیزه‌ها، در نظر گرفتن مقصد نهایی و سوگیری فعالیت‌ها برای قرب به خداوند است.^۱

پرورش استعدادها از طریق علم‌آموزی و کسب معارف و نیز تربیت معنوی خود (با عبادت و پرستش) به دست می‌آید. وظیفه‌ی هرکسی است که با کسب معارف الهی و رشد معنوی خود، برای رسیدن به سعادت حقیقی تلاش کند و ضرورت این امر برای همسران طلبه‌ها و روحانیان از هر قشر دیگری آشکارتر است. بنابراین آنان برای هم‌گامی با شوهرانشان، لازم است به ارتقای علمی و معرفتی، اخلاقی و معنوی و مهارت‌های زندگی اقدام کنند.

۱. مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص ۲۱.

الف) ارتقای علمی و معرفتی

طلبه‌ها پس از سال‌ها تحصیل در حوزه و بهره‌گیری از اساتید و از جمله اساتید اخلاق، خود را از لحاظ علمی و معنوی رشد می‌دهند و سپس به ازدواج اقدام می‌کنند. برای داشتن زندگی مشترک موفق، تناسب سطح فکری زوجین ضروری است و تا افق فکری آنها به هم نزدیک نباشد، خانواده از استحکام و پایداری لازم برخوردار نخواهد شد تا چه رسد به این‌که چنین خانواده‌ای بتواند در سطح جامعه، برای دیگران الگونیز باشد یا فرزندان صالح و مؤمن تربیت کرده و به جامعه تحویل دهد.

ارتقای سطح فکری، مستلزم علم‌آموزی^۱ و کسب معرفت^۲ می‌باشد. اگر همسر طلبه، چه پیش از ازدواج یا پس از آن نتواند خود را از لحاظ فکری ارتقا دهد، به تدریج زبان هم‌دیگر را درک نخواهند کرد و میان آن‌ها فاصله عاطفی و آنگاه جدایی ایجاد خواهد شد. بنابراین همسر طلبه اگر از لحاظ علمی و معرفتی در سطح پایینی قرار دارد، باید بکوشد از راه‌های ممکن، علم و معرفت خود را ارتقا داده و هم‌افق همسر خویش گردد یا این‌که خود طلبه، آموزش‌های دینی را به همسر یاد دهد. همسر حضرت امام خمینی قدس سره در خاطرات خویش می‌گوید: یک سال بعد از گرفتن تصدیق ششم، به دبیرستان بدریه رفتم و کلاس هفتم را خواندم. دو ماه بعد از این‌که کلاس هشتم را شروع کردم، برای فرانسه معلم گرفتم. ... پدرم که از قم به تهران آمدند، «جامع المقدمات»^۳ را مدتی پیش

۱. علم در این‌جا به معنای داشتن تحصیلات رسمی و کسب آگاهی‌ها و مهارت‌های مربوط به زندگی است.

۲. به معنای داشتن آگاهی و شعور و فهم لازم از طریق تجربه‌های زیستی است.

۳. جامع المقدمات شامل چند کتاب درباره صرف و نحو عربی است که طلاب در سال اول طلبگی، شروع به خواندن آن می‌کنند.

ایشان خواندم. بعد از ازدوایم، امام به من تعلیم می‌دادند. پس از مدتی به من گفتند که چون با استعدادم، احتیاج به تعلیم ندارم و شروع کردند به تدریس جامع المقدمات. همه درس‌های جامع المقدمات را خواندم. البته سال اول «هیئت» خواندم و بعد از آن، شروع به خواندن جامع المقدمات کردم. دو بیچه داشتم که «سیوطی»^۱ را شروع کردم و وقتی سیوطی تمام شد، چهار بیچه داشتم. وقتی بیچه چهارم... به دنیا آمد، دیگر وقت مطالعه و درس خواندن نداشتم؛ ولی ایشان «شرح لمعه»^۲ را شروع کردند.^۳

از امور ضروری که همسران طلاب باید به آن‌ها اهتمام بورزند و آگاهی و دانش خود را افزایش دهند، عقاید، احکام (به ویژه احکام ویژه بانوان) و معارف اسلامی است. امروزه با وجود اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، لوح‌های فشرده، کتاب‌های متعدد و روش‌های گوناگون دیگر، بهانه‌ای برای ندانستن عقاید و احکام وجود ندارد. کسب آگاهی‌های لازم، نخست برای خود همسران سودمند است و در مرحله‌ی بعد، سایر بانوان می‌توانند پرسش‌های خود را از آنان بپرسند.

۱. کتاب «البهجة المرضیه فی شرح الفیہ بن مالک»، نوشته عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی مشهور به کتاب «سیوطی»، درباره علم نحویه زبان عربی است. این کتاب در سال دوم طلبگی خوانده می‌شود.

۲. کتاب فقهی «الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة»، نوشته زین الدین جبل عاملی (۹۱۱-۹۶۶ ق) معروف به شهید ثانی که هم اکنون یکی از کتاب‌های درسی حوزه است.

۳. ستوده، پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۵۱.

شهادت آیت الله قدوسی رحمته الله چنین دیدگاهی داشته است. همسرایشان می گوید: شهید قدوسی نخستین کسی بود که مکتب توحید را علی رغم مخالفت بسیاری از بزرگان حوزه راه اندازی کرد و معتقد بود زنان برای رشد بهتر آینده ی جامعه، باید به مسائل دینی خصوصاً نهج البلاغه اشرف داشته باشند.^۱

مقام معظم رهبری دامت باریکاته نیز درباره ی اهمیت توجه به رشد معرفتی و اخلاقی بانوان می فرماید:

اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکرایچ در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسأله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجملات، زینت های بی خودی، تبرّج و خودنمایی تمایل پیدا کنند؛ که این هم از نشانه های مردسالاری است. یکی از نشانه های مردسالاری غربی ها همین است که زن را برای مرد می خواهند؛ لذا می گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است؛ این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در مقابل مرد تشویق می کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره مند نبودند، از دوران های قدیم هم داشتند، امروز هم دارند. غربی ها هم مظهر اعلای این بودند. پس، این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته

۱. از فعالیت های آیت الله قدوسی برای آشنایی بانوان با اعتقادات و مبانی فکری اسلام، تأسیس «مکتب توحید» در سال ۱۳۵۲ش بود. مکتب توحید در طول سال های پیش از انقلاب با آموزش اسلامی به زنان توانست نیروهایی را تربیت کند که در بسیج زنان برای تحقق انقلاب نقش داشتند. بعد از انقلاب این مرکز تبدیل به حوزه علمیه خواهران شد. (گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۳۳)

۲. خبرگزاری رسمی حوزه، شناسه خبر: ۳۵۵۸۱۶، ۱۳۹۴/۰۵/۱۵.

شود و به آن اهمیت بدهند.

اگر کشور بتواند جامعه‌ی زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است - درحقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است.^۱

تقویت مبانی اعتقادی

نخستین گام در تقویت دین‌داری و مؤمن شدن، ارتقای سطح مبانی اعتقادی است. منظور از مبانی اعتقادی، همان اصول دین (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) است که هرکسی باید با دلیل آن‌ها را بپذیرد و ایمان داشته باشد. توحید پایه‌ی تمام مسائل اعتقادی است و تا این مشکل حل نشود، رفتار انسان‌ها مشرکانه خواهد بود.

زنانی که از هویت فکری مستقل خویش آگاهند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه‌ی آگاهی و تحقیق بنا نموده‌اند، در یافتن حقیقت از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند و پس از رسیدن به آن، بی‌درنگ قلب و دل را به آن می‌سپارند، به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی‌شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش، از خطرهای استقبال می‌کنند و تا پای جان از آن دست بر نمی‌دارند.

۱. بیانات در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

نمونه بارز این استقامت، آسیه همسر فرعون است که وقتی فرعون از ایمان او آگاه شد، بارها او را نهی کرده و اصرار داشت تا از آیین موسی علیه السلام دست بردارد و خدای او را رها کند؛ ولی این زن با اعتقادی راسخ، هرگز تسلیم خواسته‌ی فرعون نشد تا سرانجام فرعون دستور داد در زیر آفتاب سوزان، دست و پای او را با میخ‌ها ببندند و سنگ عظیمی برسینه‌اش بیفکنند. اما این زن راست قامت و مقاوم، هنگامی که آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند، دعایش این بود:

«رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۱ پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت در جوار خودت بنا کن؛ و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و از قوم ستمگرهایی بخش.»^۲

وقتی انسان در عمل، خود را به خدا سپرد و هر چیزی را از او دانست، آن‌گاه تحمل سختی‌ها بسیار آسان خواهد شد؛ چراکه می‌داند همه چیز نزد اوست و از بین نخواهد رفت.^۳ تسلیم محض در برابر خداوند، همان بنده‌ی او شدن است و حضرت خدیجه رضی الله عنها چنین بینش توحیدی داشت و در عمل آن را به ظهور رساند؛ به طوری که سال‌ها پس از رحلت حضرت خدیجه رضی الله عنها، زمانی که می‌خواستند خبر خواستگاری علی رضی الله عنه از فاطمه رضی الله عنها را به پیامبر صلی الله علیه و آله بدهند و یادی از حضرت خدیجه شد، چشمان حضرت پراز اشک شد و زمانی که ام سلمه از علت گریه‌اش پرسید، فرمود:

حَدِيحَةٌ وَ آيِنٌ مِثْلَ حَدِيحَةٍ؟ صَدَّقْتَنِي حِينَ يُكْذِبُنِي النَّاسُ وَ آيَدَتْنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ

۱. تحریم، آیه ۱۱.

۲. حسین‌خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص ۳۴-۳۵.

۳. مَا عِنْدَكُمْ تَنْفَعُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ تَبَاقٍ...؟ آن چه پیش شماست، تمام می‌شود و آن چه پیش خداست، پایدار است. (نحل، آیه ۹۶)

وَ اعَاتِنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصْرِ الزُّمُرْدِ لَا صَعَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ؛^۱ خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیم کردند، مرا تصدیق کرد. بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.

و دلیل این همه عشق و محبت پیامبر اکرم ﷺ به حضرت خدیجه رضی الله عنها را در نوع نگرش وی به ازدواج با پیامبر ﷺ می توان یافت، آن جا که می گوید:

يَا بِنَّ عَمِّ إِنِّي رَغَبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَ سَعَلْتِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛^۲ ای پسرعمو! من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راست گویی ات به تو تمایل پیدا کردم.

نگرش توحیدی، چه در زندگی و چه در از دست دادن عزیزان می تواند خود را نشان دهد. همسر شهید قدوسی رحمته الله درباره ی شهادت همسرش آیت الله شهید قدوسی و فرزند شهیدش محمد حسن قدوسی چنین بیان می دارد:

تحمل فقدان چنین کسی [شهید قدوسی]، خاصه پس از ۲۶ سال زندگی مشترک، برای انسان دشوار است. لکن من از همان ابتدا از خدا صبر و شکیبایی خواستم و خدای بزرگ نیز در این مورد کمک و لطف خود را از من دریغ نکرد و واقعاً صبر به من عطا کرد. من به راستی احساس می کنم که در این مدت، به خدا بیش از پیش نزدیک شده ام. اکنون نه تنها از فقدان این دو ناراحت و پشیمان نیستم، بلکه از این که بهترین چیزهایم را در راه خدا داده ام، خوشحالم؛ و اگر این ها دوباره زنده شوند و بخواهند به این راه بروند و دوباره شهید شوند، برایم کوچک ترین ناگواری و ناراحتی نخواهد بود.^۳

۱. قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۰۱ و طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱.

۳. گفت و گویا نجمه السادات طباطبایی (همسر شهید آیت الله قدوسی)، نشریه شاهد یاران، ش ۳۸، ص ۷۶.

رضا و تسلیم در برابر خداوند

کسی که به خداوند ایمان دارد و در برابر او امر الهی تسلیم است و اراده‌ی خود را به اراده‌ی او گره زده و هرآن چه می‌خواهد، به آن عمل می‌کند، دارای مقام رضا است. این مقام ناشی از معرفتی است که فرد نسبت به پروردگار خود دارد و رضایت الهی را بر رضایت خود ترجیح می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مادر حضرت موسی علیه السلام، تسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی‌چون و چرا از دستورهای الهی است. او هنگامی که با الهام از سوی خداوند، دریافت که باید موسی را در صندوقی قرار داده و به دریا افکند، با دلی آرام و اعتمادی کامل به خدا، دست به این کار خطرناک زد، با این که خدا به او گفته بود که کسی او را از آب می‌گیرد که دشمن خدا و آن طفل است و این احتمال بسیار قوی بود که حتی اگر در دریا غرق نشود، گرفتار فرمانروای ستمگری شود که هزاران نوزاد بی‌گناه را برای نابود ساختن او از بین برده است؛ ولی این زن، مطمئن به وعده‌ی الهی، بدون هیچ‌گونه اضطرابی، به فرمان خدا عمل نمود و فرزند دلبنده‌اش را به دریا افکند و با دلی سرشار از سکینه و آرامش، منتظر ماند تا وعده‌ی الهی به تدریج تحقق پذیرد.^۱

این حالت، شبیه اطاعت حضرت ابراهیم علیه السلام از فرمان الهی در ذبح کردن فرزندش اسماعیل است که با دلی مطمئن و ایمانی سرشار، اقدام به قربانی کردن

۱. بقره، آیه ۴۹.

۲. «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَيَّ قَلْبُهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و دل مادر موسی [از هر چیز جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند. (قصص، آیه ۱۰)

او نمود و در واقع، نفس خود را در برابر رضای الهی به قربانگاه عشق برد.^۱

همسر شهید آیت الله محمد باقر صدر رحمته الله علیه می گوید:

شهید صدر برای درس و نوشتن و مباحثه پشتکار فراوانی داشت. یک مدّت، هر شب شهید به منزل آیت الله خویی می رفت. یکی از شب ها هوا بسیار سرد بود و سید نیز مریض شده بود. من از ایشان خواهش کردم که آن شب به مباحثه نرود و در خانه استراحت کند تا بهبود یابد؛ اما در جواب خواسته ی من گفت: قرآنی بیاور تا استخاره کنم. [وقتی استخاره گرفت] آیه شریفه ی «إِذْ زَا نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَيَّ النَّارِ هُدًى»^۲ آمد؛ رو به من کرد و گفت: حالا چی بروم یا نروم؟! من جواب دادم: بروید، خدا نگهدارتان باشد!^۳

همسر شهید آیت الله سعیدی رحمته الله علیه نیز می گوید:

... يك وقت می دیدی شب، نصفه شب، مأموران می ریختند توی خانه. من گلایه کردم که چندتا بچه داریم، شما هم يك کمی رعایت کنید و خلاصه حسابی درد دل کردم. خدا رحمت کند آقای سعیدی هیچ چی نگفتند. فردا صبح آمدم صبحانه درست کنم، دیدم آقای سعیدی دارند لبخند می زنند. پرسیدم: قضیه از چه قرار است؟ گفتند: شما که می گویید چرا این کارها را می کنی، دیشب خواب دیدم مجلسی برگزار شده. اسم يك آقای را هم گفتند که الآن یادم نمی آید. خلاصه ایشان گفت که: این آقا گفت: سعیدی! بیا پهلوی من بنشین. من رفتم پهلویشان نشستم و ایشان گفتند: سعیدی! من دیشب حضرت امام حسین را در خواب دیدم که به من فرمودند به سعیدی پیغام بده که با ما باش، ما از تو نگهداری می کنیم. آقای سعیدی گفتند:

۱. ابراهیم هلال، من بطولات المرأة فی القرآن الکریم، ص ۲۳.

۲. هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده خود گفت درنگ کنید؛ زیرا من آتشی دیدم. امید که پاره ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم. (طه، آیه ۱۰)

۳. گفت وگویا سیده فاطمه صدر (همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر)، شاهد یاران، ش ۱۸، ۱۳۸۶، ص ۳۵.

ببینید! امام حسین به من بی‌لیاقت بگویند از تو نگه‌داری می‌کنیم و من کاری نکنم؟ من گفتم: دیگر حرفی نمی‌زنم و هرکاری را که صلاح می‌دانید، بکنید.» از آن روز به بعد دیگر هیچ‌چی نگفتم.^۱

مجاهد نستوه سید حسن نصرالله در جریان شهادت فرزندش سید هادی، می‌گوید: صبح فردای آن روز، من به مادرش گفتم: «سید هادی در عملیاتی شرکت کرده و تماس ما با او قطع است. ممکن است به شهادت رسیده باشد یا اسیر شده باشد؛ البته شاید هم برگردد. شما در جریان باشید. ایشان هم وقتی این را شنید، گفت: بسیار خوب. من دعا می‌کنم که یا برگردد، یا شهید شود؛ ولی به دست صهیونیست‌ها نیفتد؛ چرا که اسارت او پیروزی بزرگی برای دشمن خواهد بود و ممکن است از آن برای تخریب روحیه‌ی حزب‌الله و مجاهدان سوء استفاده کنند. البته من برای شهادت فرزندم دعا می‌کنم. دو سه ساعت بعد، خبر شهادت سید هادی را به او دادم.^۲

مادر سید محمد هادی در پاسخ به این سؤال که آیا به هنگام تنهایی در خانه، برای فرزندش گریه می‌کند یا نه؟ می‌خندد و می‌گوید: «تاکنون گریه نکرده‌ام و تظاهر به گریه هم نمی‌کنم. صبر و شکیبایی نعمتی ارزش‌مند است که خداوند به من ارزانی داشته است. از خدا می‌خواهم که این نعمت را از من دریغ نکند.»

فاطمه یاسین، همسر سید حسن نصرالله با افتخار چنین بیان می‌کند: گمان می‌کنم در تربیت فرزندم موفق بوده‌ام. با شهادت او بهره‌مند شدم. زیان نکرده‌ام و بی‌تردید روز قیامت، نزد اهل بیت علیهم‌السلام از من شفاعت خواهد کرد. این دنیا گذرگاه آخرت است و هادی راه را کوتاه کرد.

امّ هادی در برابر نگاه‌های خیره و پراسطفهام دیگران می‌کوشد آنان را متقاعد کند که به احساسات و عواطف خود اجازه نمی‌دهد براو چیره شوند. او چنین می‌گوید:

۱. گفت‌و شنود با خدیجه طباطبایی (همسر شهید آیت‌الله سعیدی)، شاهد یاران، ش ۳۲، ص ۶۲.
۲. روایت سید حسن نصرالله از شهادت پسرش؛ خبرگزاری فارس، شناسه خبر: ۷۹۷، ۲۴/۰۶/۱۳۹۳.

هنگامی که احساسات بر من هجوم می‌آورند، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و صحنه‌ی وداع حضرت زینب علیها السلام در کربلا را به یاد می‌آورم. حضرت زینب با از دست دادن برادران و اهل بیتش، اراده‌اش را از دست نداد. او در برابر فاجعه‌ی کربلا صبر و شکیبایی نشان داد. من فقط یک فرزندم را از دست داده‌ام و در مقابل این بزرگان چیزی نیستم. باید از این عزیزان الگو بگیریم. وی در واکنش به اسارت پیکر فرزندش سیدهادی توسط نظامیان صهیونیست می‌گوید:

این پیکر هم مانند اجساد سایر شهیدان مقاومت است. تفاوتی میان آنان نیست. من نیز مادری چون مادر سایر شهیدان هستم. در اخبار شنیده‌ام که دشمن پیشنهاد مبادله پیکر فرزندم با اجساد نظامیان صهیونیست را کرده که در جریان عملیات ناکام «انصاریه» در لبنان مانده‌اند. او کور خوانده است و باید پیکر همه شهیدان را بدهد و اسیران را آزاد کند. تنها یک پیکر را قبول نداریم و تسلیم پیشنهادات و قیحانه اشغالگران نمی‌شویم.

بانو فاطمه یاسین بر تصمیم خویش برای ادامه‌ی راه شهید سیدهادی نصرالله و فراهم نمودن زمینه‌ی پیوستن پسر دوم خود سیدمحمدجواد نصرالله به گروه‌های مقاومت تأکید دارد.^۱

فاطمه دختر شهید عماد مغنیه در مورد مادرش می‌گوید:

مادر من یک زن فوق‌العاده است. خبر شهادت بابا که رسید، رفت و دو رکعت نماز خواند. همه‌ی ما را مامان آرام کرد. بدون این که حرفی مستقیم به ما بزند، وقتی دید در مواجهه با پیکر بابا بی‌تاب شده‌ایم، خطاب به بابا گفت: «الحمد لله که وقتی شهید شدی، کسی خانواده‌ات را به اسارت نگرفت و به ما جسارت نمی‌کند!» همین یک جمله ما را آن قدر خجالت داد که آرام شدیم.

۱. نگاهی به منش فکری و عملی شهید سید هادی نصرالله؛ خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۰۵/۲۱.

بعد خودش رفت و وقتی مراسم تشییع برگزار می‌شد، یک ساعت در قبری که برای بابا آماده کرده بودند، ماند و قرآن و زیارت عاشورا خواند. خبر شهادت [برادرم] «جهاد» را هم که شنید، همین طور. دلم سوخت وقتی دیدمش؛ مثل بابا شده بود. خون‌ها را شسته بودند، ولی جای زخم‌ها و پارگی‌ها بود؛ جای کبودی و خون‌مردگی‌ها. تصاویر شهادت بابا و «جهاد» با هم یکی شده بودند و یک لحظه به نظر رسید من دیگر نمی‌توانم تحمل کنم. باز مادر غیر مستقیم من و مصطفی را آرام کرد. وقتی صورت جهاد را بوسید و گفت: «بین دشمن چه بلایی سر جهادم آورده. البته هنوز به ارباب‌اربا نرسیده.» باز خجالت آرامان کرد.^۱

ب) ارتقای اخلاقی و معنوی

در زمینه‌ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسان‌های مؤمن مثال بزند، از یک زن مثال می‌زند و می‌فرماید: «وَصَبْرَ اللَّهِ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ».^۲ آن جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزش‌های انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ».^۳ در این آیه، ده عنوان برای ارزش‌های معنوی ذکر می‌شود: اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و ... که زن و مرد در این میدان، دوش به دوش هم حرکت می‌کنند و پیش می‌روند.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی افسران، شناسه خبر: ۱۰۰۹۸۳۲، ۲۷/۴/۱۳۹۴.

۲. و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده... (تحریم، آیه ۱۱)

۳. مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا... (احزاب، آیه ۳۵)

این بتِ مردگرایی را که در جاهلیت همیشه به وسیله‌ی مردان و حتی به وسیله‌ی زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله‌ی زنده معرفی می‌کند.^۱

زنان در کسب ارزش‌های انسانی و اسلامی، هم‌دوش مردان هستند و از این جهت، هیچ تمایزی میان آنان نیست و هر که از زن و مرد، باتقواتر باشد، نزد خداوند کرامت و ارزش بیشتری دارد. بنابراین همسران طلاب نسبت به خطاب آیه، نزدیک‌تر از زنان دیگر هستند و لازم است در نسبت به کسب ارزش‌های اخلاقی و معنوی اقدام کرده و در زندگی خود به کار برند. برای کسب ارزش‌های اخلاقی و معنوی، انجام دادن امور زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. قرائت قرآن

سبک زندگی اسلامی اقتضا دارد که یک مسلمان در زندگی خود، روزانه با قرآن مانوس شود و درمان دردهای اخلاقی و معنوی خود را در آن بیابد؛ چرا که خود قرآن فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ^۲؛ ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آن چه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. انس با قرآن مسأله‌ای است که بزرگان دین، همواره به آن اهتمام داشته‌اند

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهره علیها السلام، ۳۰/۰۶/۱۳۷۹؛ به

نقل از زن و بازیابی هویت حقیقی، ص ۶۰.

۲. یونس، آیه ۵۷.

و توصیه می‌کردند که به طور حتم، روزانه آیه‌هایی از آن قرائت شود. امروزه با وجود گوشی‌های همراه و شیوع فراگیر آن میان مردم، وقت زیادی صرف گشت‌وگذار در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌شود؛ ولی با این حال، امکاناتی نیز برای خواندن قرآن فراهم آمده است و بهتر است در طول روز، زمانی برای قرائت قرآن اختصاص داده شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

قرآن، پیمان خدا با بندگانش است؛ پس برای انسان مسلمان سزاوار است که در پیمانش نظرافکنده و در هر روز پنجاه آیه از آن بخواند.^۱

انس با قرآن و خواندن آن، تأثیرهای زیادی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد. این تأثیر در قلب و روح فرد، در تربیت فرزندان و در زندگی خانوادگی ملموس و مشهود می‌باشد. بر اساس روایاتی، خواندن قرآن، کفاره گناهان^۲، بارور شدن ایمان^۳، گفت‌وگو با خداوند^۴، نورانی شدن منزل^۵، زدودن زنگار از قلب^۶ و... را در پی دارد.

مقام معظم رهبری دامت‌برکاته درباره‌ی مادر مکرمه‌شان می‌فرمایند:

پدر و مادرم، پدر و مادر خیلی خوبی بودند. مادرم یک خانم بسیار فهمیده،

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۵۹۰.

۲. همان، ص ۵۹۲.

۳. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: بارور شدن ایمان به خواندن قرآن است. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۵۲، ح ۸۱۹۳)

۴. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد با خدایش سخن بگوید، قرآن بخواند. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۲۱، ص ۵۱۰، ح ۲۲۵۷)

۵. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید... (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۰)

۶. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بدون شك این دل‌ها زنگار می‌گیرند، هم‌چنان که آهن زنگ می‌زند. عرض شد: صیقل آن به چیست؟ فرمود: قرائت قرآن. (راوندی، الدعوات، ص ۲۳۷)

با سواد، کتاب‌خوان، دارای ذوق شعری و هنری، حافظ‌شناس - البته حافظ‌شناس که می‌گویم، نه به معنای علمی و این‌ها؛ به معنای مأنوس بودن با دیوان حافظ - با قرآن کاملاً آشنا بود و صدای خوشی هم داشت. ما وقتی بچه بودیم، همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند. خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ می‌خواند. ماها دورش جمع می‌شدیم و برای ما به مناسبت، آیه‌هایی را که در مورد زندگی پیامبران هست، می‌گفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی، زندگی حضرت ابراهیم و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم شنیدم. قرآن که می‌خواند، به این جا که می‌رسید، بنا می‌کرد به شرح دادن بعضی از شعرهای حافظ که الآن هنوز یادم هست - بعد از سنین نزدیک شصت سالگی - از شعرهایی است که آن وقت از مادرم شنیدم؛ از جمله، این یک بیت یادم هست:

سحر چون خسرو خاور عَلم در کوه‌ساران زد
به دست مرحمت یارم در امیدوارن زد

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند
گِل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند
غرض، خانمی بود خیلی مهربان، خیلی فهمیده و فرزندانش را هم - البته [مثل] همه‌ی مادران - دوست می‌داشت و رعایت آن‌ها را می‌کرد...^۱

۲. اهتمام به نماز اول وقت

تأثیر نماز در رشد معنوی انسان، بیش از آن است که به توصیف درآید. سیره‌ی علما و بزرگان دین، علاوه بر اهتمام به اصل نماز، اقامه‌ی آن در اول وقت بود. طلبه و همسر او برای آن که بتوانند با سختی‌ها مبارزه کنند

۱. محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۱۳۸-۱۳۹.

و تسلیم ناملایمات روزگار نشوند، نیازمند عنایت ویژه‌ی خداوند مهربان هستند. برای دست‌یابی به عنایت خاص، باید بتوانند به درگاه الهی تقرب جویند و هیچ عملی چون نماز، آن هم نماز اول وقت آنها را محبوب خداوند نمی‌سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر که نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند، فرشته آن را پاک و درخشان به آسمان رساند و آن نماز فریاد زند: خدا تو را حفظ کند، چنان چه حفظ کردی و تو را به خدا سپارم، چنان چه مرا به فرشته‌ای کریم سپردی و هر که بدون عذر بعد از وقتش، آن را بدون دقت و ارتباط معنوی لازم بخواند، فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد: خدا ضایعت کند، چنان چه ضایع کردی و رعایت نکند، چنان چه رعایت نکردی.^۱

همسر امام خمینی قدس سره درباره توصیه‌های امام در اوایل زندگی می‌گوید: اوایل زندگی‌مان، یادم نیست هفته‌ی اول یا ماه اول، به من گفت: من کاری به کار تو ندارم. به هر صورت که میل داری، لباس بخو و بپوش؛ اما آن چه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک بکنی؛ یعنی گناه نکنی.^۲

نمازیکی از واجبات الهی است که اهمیت و شأنی بسیار ارزشمند میان سایر واجبات دارد. یکی از نوه‌های امام خمینی قدس سره تعریف می‌کند: امام قدس سره همیشه می‌فرمودند: در مورد نمازتان اهمال نکنید. و به ما می‌گفتند: همین که شما می‌گویید اول این کار را بکنم، بعد نماز بخوانم، این خلاف است. نگویند این حرف را. به نمازتان اهمیت دهید. اول نماز.^۳

۱. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. ستوده، پایه‌های آفتاب، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.

۳. رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۷۰، به نقل از خانم فریده مصطفوی (دختر امام).

علامه جعفری در سال ۱۳۲۶ شمسی با خانم «جمیله فرشباف انتظار» ازدواج کرد. جمیله درس نخوانده بود؛ اما قدر درس و اهل علم و فضیلت را می دانست. او مدرک نداشت؛ اما ارزش های متعالی را به درستی درک کرده بود. خانم فرشباف انتظار در زندگی با استاد، در نجف، کربلا، کاظمین، تبریز، قم، مشهد و تهران، سختی ها و مشکلات بسیاری کشید؛ اما هیچگاه از این بابت گله نکرد. جمیله خانم کمالاتی داشت؛ از جمله آن که استاد جعفری به فرزندان و اقوامش توصیه می کرد که: «از جمیله خانم نماز اول وقت را یاد بگیرید!»^۱

مرحوم شیخ محمدتقی بُهلول با بیان خاطره ای از شدت تقیّد مادر در رعایت نماز اول وقت و تأثیر آن در جلب عنایات الهی می گوید:

ما با کاروان و کجاوه به «گناباد» می رفتیم. وقت نماز شد. مادرم کاروان دار را صدا کرد و گفت: کاروان را نگه دار، می خواهم اول وقت نماز بخوانم. کاروان دار گفت: بی بی! دو ساعت دیگر به فلان روستا می رسیم، آن جا نگه می دارم تا نماز بخوانید. مادرم گفت که: نه! می خواهم اول وقت نماز بخوانم. کاروان دار گفت: نه مادر، الآن نگه نمی دارم. مادرم گفت: نگه دار. او گفت: اگر پیاده شوید، شما را می گذارم و می روم. مادرم گفت: بگذار و برو! می خواهم نماز را اول وقت بخوانم. من و مادرم پیاده شدیم. کاروان حرکت کرد. وقتی کاروان دور شد، رُعب و وحشتی به دل من نشست که چه خواهد شد؟! من هستم و مادرم! دیگر کاروانی نیست! شب دارد فرا می رسد و ممکن است حیوانات حمله کنند؛ ولی مادرم با خیال راحت، با کوزه ی آبی که داشت، وضو گرفت و نگاهی به آسمان کرد، رو به قبله ایستاد و نمازش را خواند. لحظه به لحظه رُعب و وحشت، در دل من شش هفت ساله افزون می شد. در همین فکر بودم

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۲۲.

که صدای سُم اسبی را شنیدم و دیدم یک دُرشکه خیلی مجلل پشت سرمان می‌آید. کنار جاده ایستاد و گفت: بی‌بی! کجا می‌روی؟ مادرم گفت: گناباد. او گفت: ما هم به گناباد می‌رویم، بیا سوار شو. یک نفس راحتی کشیدم. گفتم: خدایا شکر! مادرم نگاهی کرد و دید که یک نفر در قسمت مسافر درشکه نشسته و تکیه داده است. به سورچی گفت: من پهلوی مرد نامحرم نمی‌نشینم. سورچی گفت: خانم! فرماندار گناباد است، بیا بالا! ماندن شما این‌جا خطر دارد! کسی نیست که شما را ببرد. مادرم گفت: من پهلوی مرد نامحرم نمی‌نشینم. در دلم می‌گفتم: مادر بلند شو برویم. خدا برایمان درشکه فرستاده است؛ ولی مادرم راحت، رو به قبله نشسته بود و تسبیح می‌گفت! آقای فرماندار رفت کنار سورچی نشست، گفت: مادر! بیا بالا. این‌جا دیگر کسی نشسته است. مادرم بالای درشکه نشست و من هم کنار او نشستم و رفتیم. در بین راه از کاروان سبقت گرفتیم و زودتر به گناباد رسیدیم!

آیت‌الله مصباح یزدی فرمودند:

مرحوم علامه [طباطبایی] و [آیت‌الله العظمی] آقای بهجت از مرحوم آقای قاضی نقل می‌کردند که ایشان می‌فرمودند: اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالی‌تر نرسد، مرا لعن کند (و یا فرمودند: به صورت من تُف بیندازد)!^۱

۳. تقویت روحیه‌ی قناعت و توکل

قناعت مربوط به استفاده‌ی بهینه از امکانات زندگی و اجتناب از زیاده‌روی در هزینه‌ها و مصارف و رضایت به نعمت‌های الهی است، اگرچه اندک باشد. قناعت ثمود مناعت طبع و بزرگواری و زهد و تحمل آدمی است.

۱. حسینی، «حریم نامحرمان: سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی»، شماره ۴۴، مدیریت تربیتی مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۱۱-۱۰.

۲. حسن‌زاده، اسوه عارفان، ص ۸۷.

مقام معظم رهبری دامت برکاته در توصیه‌ای که به زوج‌های جوان دارند، می‌فرمایند: قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مالِ آدم‌های تهی دست و فقیراست و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.^۱ توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود. اگر انسان توقع خودش را از زندگی، توقع کمی قرار دهد، این مایه‌ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است.^۲

در روایت آمده است که فردی به نام ابراهیم گرخی^۳ به حضور امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «همسر موفقی داشتم که از دنیا رفت و اینک قصد ازدواج دارم. حضرت فرمودند: بین خود را کجا قرار می‌دهی... زنان سه دسته‌اند: زن زایای مهربان که شوهر خود را در کار دنیا و آخرتش یاری می‌رساند و روزگار را بر او سخت نمی‌کند. زن نازا و بی‌بهره از زیبایی که شوهرش را در امور خیریاری نمی‌رساند و زن پرسروصدا، پا به در و عیب‌جو که زیاد را اندک می‌شمارد و کم را نمی‌پذیرد.»^۳

فراز آخر روایت اخیر تصریح می‌کند، زنی که خدمات زیاد همسر را کم به شمار آورد و خدمات کم او را نپذیرد، شایسته‌ی همسری نیست. در روایتی آمده است:

يك روز صبح علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا غذایی نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه علیها السلام گفتند: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت

۱. بیانات در اجرای خطبه‌ی عقد زوج‌های جوان، ۱۳۷۶/۱/۱.

۲. همان، ۱۳۷۹/۱۲/۲۱.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۷.

و تورا به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آن چه داشته‌ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم، به دیگران داده‌ایم. پس علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای ابا الحسن! من از خدای خود حیا دارم که تورا برکاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی.^۱

کتمان نیازها و بازگونکردن آن نزد همسر، به ویژه هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست و عدم مقایسه سطح زندگی خود با دیگران از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود.

همسر شهید مطهری رحمته الله درباره‌ی قناعت همسر علامه طباطبایی رحمته الله می‌گوید: همسر علامه، خانم قمرالسادات مهدوی با این‌که در خانواده‌ی متمولی بزرگ شده بود و ظاهراً دختریکی از تجار تبریز بود، بسیار زن فهیم و قانعی بود. یادم است همسر علامه، که از بستگان ایشان هم بودند، برای من تعریف می‌کردند که ما در تبریز، سالی چند من روغن حیوانی مصرف می‌کردیم. به قم که آمدیم، در منزل کوچکی ساکن شدیم که امکانات زیادی هم نداشت. حداکثر می‌توانستیم روزی پنج سیر گوشت بخریم. من دنبه‌های گوشت را جدا می‌کردم و داخل سیدی که از سقف آشپزخانه آویزان کرده بودم، می‌انداختم. هر چند روز یک‌بار دنبه‌ها را آب می‌کردم و از آن به عنوان روغن استفاده می‌کردم. هیچ وقت هم به علامه نمی‌گفتم ما روغن نداریم که ایشان ناراحت شود و از کار و مطالعه باز بماند. می‌خواستم فکرش آزاد باشد.^۲

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۹.

۲. سایت بنیاد علمی و فرهنگی شهید مرتضی مطهری، شناسه مطلب: ۱۳۰۹، ۱۳۹۲/۰۸/۲۴.

هم چنین وقتی می بینند که علامه برای تحصیل در نجف اشرف، خرج سفر را ندارند و ناراحت هستند، می گوید:

شما چرا این قدر ناراحت می کنید خودتان را؟ پول نمی دهند، خب ندهند. بالاخره يك مقدار اثاثیه داریم. این ها را می فروشیم، خرج سفرمان درمی آید.

اثاثیه، همان جهازیه بود که بعد از فروش، حالا چند صد تومان پول داشتند که می توانستند بدهند خرج کجاوه و کاروان و خورد و خوراک تا برسند به نجف.^۱

آیت الله بنابی در پاسخ به سؤالی درباره‌ی مشکلات معیشتی طلاب می گویند: همسر طلبه‌ای که در فشار مادی و محرومیت به سر می برد، با نگاه کردن به دوستان و آشنایان خود می بیند که زندگی اش يك دوم زندگی آنها نیست؛ قهراً این مقایسه موجب اختلافات خواهد بود.

این جا این سؤال پیش می آید که [شاید طلبه‌ای بگوید] ما نسبت به خودمان می توانیم برخی مشکلات را تحمل کنیم، اما تحمل به مشقت افتادن خانواده و فرزندان را نداریم، وظیفه چیست؟

راه حلی که به نظر می رسد، این است که بایستی روح توکل و قناعت را در خانواده تقویت کرد. این هم با چند راه ممکن است: یکی این که طلبه بنشیند و با زبان همسرش، این آیات^۲ را بخواند و معنا کند. دوم، تاریخ امامان معصوم، حالات اصحاب و تاریخ عالمان دین که چه ریاضت ها کشیدند، چه سختی ها بر جان خریدارند و را بیان کند.^۳

۱. جعفریان، زندگی نامه سید محمدحسین طباطبایی، ص ۱۱ و ۱۲.

۲. وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. (طلاق، آیه ۲ و ۳) و احزاب، آیه ۲۸-۲۹.

۳. دیدگاه های تربیتی آیت الله عبدالمجید باقری بنابی در مورد امور معیشتی طلاب، به نقل از سایت مدیریت مطالعات معاونت تهذیب حوزه های علمیه، شناسه متن: ۱۴۹۵۶.

ایشان در ادامه سخن شان می‌افزایند:

يك وقت بنده برای همسران طلاب عزیز صحبت می‌کردم. آن‌جا جریان همسران پیامبر ﷺ را عرض کردم. این جریان در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب می‌باشد. خداوند این آیات را به شخصی نازل کرده که محبوب اولش بوده، آن همه مقام در پیش خدا داشته است. در این آیات به پیامبرش چنین دستور می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا^۱

ای پیامبر! به همسرانت بگو که اگر شما خیلی طالب دنیا هستید، من نمی‌توانم خواسته‌های شما را برآورده سازم، معاش شما را آن‌گونه که می‌خواهید، تأمین کنم. بیا بید به هریک از شما هدیه‌ای بدهم و شما را رها کنم تا بروید و آن‌گونه که دلتان می‌خواهد زندگی کنید. اگر می‌خواهید با من بمانید، زندگی من این است و بهتر از این نخواهد شد. اگر چیزی پیدا کردیم، می‌خوریم و اگر نبود، گرسنه می‌مانیم. زندگی من این‌گونه است. اما اگر آمدید و نظرتان واقعاً خدا و رسول او بود، اگر طالب رضای خداوند هستید، آن موقع خدا هم در عوض پاداش بزرگی برای شما آماده کرده است. خداوند سعادت ابدی را برایتان مهیا ساخته است.

یکی از مراجع معاصر می‌گفت: در يك خانه مستأجر بودم. روزی موجر و صاحب‌خانه آمد و گفت که باید خانه را تخلیه کنی، نمی‌خواهم این‌جا بمانی. لذا ما هم اثاث‌کشی کردیم و اثاثِ خانه را روی يك گاری سوار کردیم! گاری کوچکی که يك حمال هم می‌توانست آن را حمل کند. اثاث ما آن قدر بود. تازه اکثر آنها هم، وسایل ارزش‌مند و قیمتی نبود.^۲

۱. احزاب، آیه ۲۸-۲۹.

۲. دیدگاه‌های تربیتی آیت‌الله بنایی در مورد امور معیشتی طلاب، به نقل از: همان.

بسیاری از طلاب در اوایل زندگی به دلیل اشتغال تمام وقت به تحصیل و کسب علم و دانش، مشکلات مالی دارند و اغلب زندگی را به سختی می‌گذرانند؛ ولی همسرانشان با توکل به خداوند متعال و با قناعت و ساده‌زیستی می‌کوشند بر مشکلات غلبه کنند و زندگی دل‌نشین و پراز مهر و صفا برای خانواده فراهم نمایند.

فنون دستیابی به قناعت در زندگی

برای دستیابی به قناعت، لازم است نیازهای واقعی خود را از نیازهای کاذب بازشناسی کنیم. باید برای رسیدن به خواسته‌های حقیقی، تلاش و از درخواست‌های نابجا صرف نظر کنیم. این هدف را می‌توان از طریق فنون زیرتحقق بخشید:

الف) مقایسه‌های خوش‌بینانه و پرهیز از مقایسه‌های بدبینانه

مقایسه‌ی خوش‌بینانه به معنای قدر دانستن روابط با دیگران و متقاعد ساختن خویش مبنی براین‌که به مرور زمان، روابط در زندگی اجتماعی بهتر خواهد شد.

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا انسان‌ها از موقعیت اقتصادی در زندگی خود احساس رضایت کنند و با کمبودهای احتمالی به گونه‌ای مطلوب کنار بیایند، مقایسه‌ی موقعیت اقتصادی خود با کسانی است که به لحاظ ویژگی‌های مالی با مشکلاتی به مراتب بیشتر از ما دست و پنجه نرم می‌کنند. این مقایسه، زمینه‌ی رضایت از موقعیت اقتصادی فعلی و اجتناب از بلند پروازی‌ها را فراهم می‌کند. البته معنای این سخن،

دست برداشتن از تلاش و کوشش برای تأمین نیازها در زندگی نیست، بلکه جلوگیری از زیاده‌طلبی و تجمل‌گرایی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَنْظُرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ... فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ؛ از نظر امکانات به کسی بنگر که فروتر از تو است....؛ چرا که این امر تو را به روزی مقدر از جانب خداوند قانع‌تر می‌سازد.

ب) امیدواری به آینده

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا فرد بتواند با دشواری‌های معیشتی حاکم بر زندگی کنار آید و بر آنها غلبه کند، این است که امید به آینده بهتر را در خود زنده نگه دارد. او باید بداند که مشکلات همیشگی نیست و با مقاومت می‌توان بر آن‌ها فایق آمد و دوران سخت را پشت سر نهاد. هیچ انسانی نمی‌تواند ادعا کند که در طول زندگی هیچ‌گاه با مشکل مواجه نشده؛ زیرا رسم روزگار بر این است که آدمی با دست و پنجه نرم کردن با سختی‌ها مس‌وجودش تبدیل به طلاگشته و در معرکه امتحان میزان صبر خود را بسنجد.

انسان همواره باید در خاطر داشته باشد که در گذشته نیز مشکلاتی بوده که به امر خدا برای او سهل و آسان شده است و هیچ سختی ماندنی نیست. خداوند متعال می‌فرماید:

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ پس [بدان که] با دشواری آسانی است، آری با دشواری آسانی است.

۱. مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۴۲.

۲. انشراح، آیه ۵ و ۶.

ج) برنامه‌ریزی برای دخل و خرج زندگی

نوشتن هزینه‌های ضروری زندگی، حذف مخارج زاید و برنامه‌ریزی معقول و منطقی برای استفاده درست و بهینه از درآمدها از دیگر فنون قناعت در زندگی است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدًا؛ هیچ خرجی نزد خدا، محبوب‌تر از خرجی نیست که با میانه‌روی همراه باشد.

د) توجه به الگوها و سرمشق گرفتن از آنها

مطالعه و مرور زندگی و سیره‌ی خانوادگی بزرگان، علما و انسان‌های موفق و سرمشق گرفتن از سبک زندگی و روش‌های قناعت‌ورزی آنان، مهارت دیگری است که روحیه قناعت را در افراد تقویت می‌کند و فرد را از ناشکیبایی در برابر دشواری‌های زندگی باز می‌دارد. به‌ویژه اندیشه در زندگی کسانی که با وجود توانایی برای برخورداری از زندگی مرّقه، نیل به ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در اولویت قرار داده و توجه به نیازمندان و شریک کردن مستمندان جامعه در زندگی خود را بر رفاه شخصی ترجیح دادند. در ادامه و در بخش‌های بعدی با نمونه‌های متعددی از سیره این الگوها آشنا خواهیم شد.

ح) هم‌خوان‌سازی خواسته‌ها و انتظارات با واقعیت‌ها

از آفت‌هایی که هر خانواده‌ای را تهدید می‌کند، رشد خواسته‌ها و انتظارات اعضای خانواده از یکدیگر است، همسران جوان اغلب از این جنبه آسیب می‌بینند که مرز منطقی و غیر منطقی بودن انتظاراتشان از یکدیگر مشخص

نیست و احساساتشان در این رهگذر جریحه دار می‌شود. نقطه بحران در زندگی زمانی فرا می‌رسد که انتظارات غیرمنطقی و تأمین نشده بر روی هم انباشته شود. در این صورت ممکن است به تدریج و به مرور زمان، شکیبایی و بردباری فرد در زندگی کمتر شود و به قول معروف «کاسه صبرش به سرآید» و در زمانی غیرقابل پیش‌بینی، احساسات و هیجانات منفی شعله‌ور گردد. درک درست از واقعیت‌های زندگی طلبگی، تکیه بر ارزش‌های دینی و هم‌خوان‌سازی انتظارات با واقعیت‌ها، راه را بر ورود هر عامل تفرقه و تزلزل در زندگی می‌بندد.^۱

همسر شهید مطهری از همسر علامه‌ی طباطبایی رحمته‌الله نقل می‌کند:

روزی مهمان خانم بودم. لباس‌هایشان خیلی مندرس و کهنه شده بود و ایشان نیاز داشت که لباسی برای خودش بدوزد. زمانی که علامه بیرون می‌رفت، به ایشان گفت: از درس که برمی‌گردید در راه برای من پارچه بخرید. علامه برای ایشان سه متر پارچه خرید. پارچه را که دیدم به نظرم پارچه خوبی نیامد و اساساً برای لباس مناسب نبود. به خانم گفتم که به نظرم این پارچه مناسب پیراهن نیست و حتماً خود خانم هم فهمیدند که این پارچه، برای لباس مناسب نیست. همسر علامه با لبخند و با تأکید خاصی به من گفت که «این را "حاج آقا" خریده‌اند و آنچه را که حاج آقا بخرند، حتماً خوب است. چرا به درد پیراهن نمی‌خورد؟» همان روز ایشان لباس ساده‌ای از آن پارچه دوختند و برتن کردند. این قدر ایشان به علامه با محبت و فداکاری برخورد می‌کردند و به خاطر محبتی که بینشان بود، زندگی خوبی داشتند.^۲

۱. اقتباس از حسین زاده، «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی»، معرفت اخلاقی، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۳۵.

۲. سایت بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، شناسه متن: ۱۳۰۹، ۱۳۹۲/۰۸/۲۴.

۴. تقویت روحیه‌ی ایثار و فداکاری

ایثار به معنای «غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن»^۱ است و این نهایت درجه‌ی سخاوت می‌باشد. فداکار نیز به کسی می‌گویند که خود را یا مال خویش را در راه دیگری فدا کند.^۲

امام علی علیه السلام ایثار و فداکاری را بهترین کرامت اخلاقی برای انسان‌ها دانسته، می‌فرماید:

خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْإِيثَارُ؛ بهترین مکارم اخلاق، ایثار است.^۳

مقام معظم رهبری علیه السلام در ضمن سخنانی این روایت را از زبان امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می‌کنند که:

شبی، شب جمعه‌ای، مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّىٰ أَنْفَجَرَتْ عَمُودُ الصُّبْحِ»؛ تا وقتی که طلوع فجر شد. مادرم از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن علیه السلام می‌گوید: شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا أمّاه!»؛ مادرم! «لِمَ لَا تَدْعِينِ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينِ لْغَيْرِكَ»؛ یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟! در جواب فرمود: «یا بُنْتِی! الْجَاوِزُ ثَمَّ الدَّارُ»؛^۴ اول دیگران، بعد خود ما! این، آن روحیه والاست؛^۵ روحیه‌ای که نیاز دیگران را به نیاز خود مقدم می‌دارد.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه‌ی ایثار.

۲. همان، ذیل واژه‌ی فداکار؛ عمید، فرهنگ فارسی، ذیل واژه‌ی فداکار.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۴.

۴. همان، ص ۸۱، ح ۳.

۵. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵.

درباره‌ی ثروت حضرت خدیجه رضی الله عنها نوشته‌اند: هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می‌کردند. بارگاهی از حریر سبز با ابریشم برپام خانه‌اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می‌کردند و به فقرا کمک می‌شد. چهارصد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می‌کردند.^۱ با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج، نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: این‌ها را نزد محمد صلی الله علیه و آله ببر و بگوا این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آنها تصرف کن و هرچه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت به او بخشیدم. ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می‌گیرد که خود و همه‌ی ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام‌ها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده است و همه‌ی آنها هدیه‌ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.^۲

دامنه‌ی این یاری مالی به سال‌های اولیه ازدواج ختم نیافت، بلکه هنگام محاصره‌ی اقتصادی در شعب ابی طالب و حتی بعد از آن نیز اموال

۱. ... و كان لخديجة في كل ناحية عبید و مواشی حتی قبل ان لها ازید من ثمانین ألف جمل متفرقة فی كل مكان... و كان لخديجة دار واسعة تسع أهل مكة جميعا و قد جعلت أعلاها قبة من الحریر الأزرق و قد رقت فی جوانبها صفة الشمس و القمر و النجوم و قد ربطته من حبال الإبریسیم و أوتاد من الفولاذ... و كان لكل واحد منهما أربع مائة عبد و أمة... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲)

۲. «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»، نشریه مبلغان، آذر ۱۳۸۰، ش ۲۳، ص ۳۹-۴۹، به نقل از همان، ص ۷۵-۷۷.

خدیجه، نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد تا آن جا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مثل ثروت خدیجه به من سود نرساند.»

طبق بعضی از روایات، در ماجرای محاصره، از اموال خدیجه چیزی نماند و به نقل از حضرت خدیجه رضی الله عنها «چیزی جز دو پوست باقی نماند که هنگام استراحت، یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز قرار می‌دهیم». در این مدت ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه، شترها را با گندم و خرما با شگردهای مختلف به آنها می‌رساند و در طول سه سال محاصره، مصارف آنان از اموال خدیجه تأمین می‌شد.^۱

این مطلب علاوه بر روحیه‌ی ایثارگری، بیانگر آن است که کسی که خود را فقیر محض و عبدِ خدا و او را بر طرف‌کننده‌ی همه‌ی نیازهای خود بداند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ‌گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی‌کند؛ زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی‌شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد. در ماجرای نذر امیرالمؤمنین و حضرت زهرا رضی الله عنهما برای بهبودی حسنین رضی الله عنهما آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زهرا رضی الله عنها را پس از سه روز روزه‌ی پیایی و بدون افطاری در محراب عبادت یافت، در حالی که چشمانش گود افتاده و شکمش از گرسنگی به دنده‌های پشتش چسبیده بود. همه این موارد حاکی از معرفت و عشق سرشار آنان به کمال

۱. همان؛ به نقل از ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. رازی، التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۴۰.

مطلق است، نه صرف یک عمل صوری خشک و بی محتوا.^۱
 انفاق مالی و کمک به محرومان گرچه عملی بسیار ستوده است؛ ولی
 آن‌گاه که در شرایط تنگ دستی و سختی و نیاز کامل به آن مال صورت
 پذیرد، از ارزشی بسیار بالاتر برخوردار شده و تحت عنوان «ایشار»، در زمهری
 یکی از والاترین افعال اخلاقی قرار می‌گیرد.^۲

همسر طلبه‌ای که از آرزوها و خواسته‌های شخصی و زندگی راحت خود
 به خاطر اهداف و آرمان‌های بلند و مقدس شوهرش می‌گذرد، از این ویژگی
 به خوبی برخوردار است. همسر محترم حضرت امام خمینی قدس سره نمونه‌ای از
 این بانوان فداکار است. نوهی ایشان نقل می‌کند:

... مثل این که خانم [امام]، قم را دوست نداشتند؛ ولی هرگز این مسأله
 را نزد امام اظهار نکرده بودند! امام همیشه در پاسخ ما که می‌پرسیدیم چه
 کنیم که شوهرانمان به ما این همه علاقه‌مند باشند؟ ایشان می‌گفتند: «اگر
 شما این قدر فداکاری کنید، همسرانتان تا آخر، همین قدر به شما علاقه‌مند
 خواهند بود.»^۳

هم چنین نقل شده که:

امام قدس سره به همسرشان علاقه وافری داشتند؛ به طوری که از نظر امام، همسرشان
 در یک طرف قرار داشت و بچه‌هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با
 احترام خاصی توأم بود. یادم هست یک بار که خانم مسافرت رفته بودند، آقا
 خیلی دلتنگی می‌کردند. وقتی آقا اخم می‌کردند، ما به شوخی می‌گفتیم: اگر
 خانم باشند، آقا می‌خندند و وقتی خانم نباشند، آقا ناراحتند و اخم می‌کنند.

۱. حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۴۵.

خلاصه، ما هر چه سربه‌سراقا گذاشتیم، اخم آقا باز نشد. بالاخره من گفتم: خوشا به حال خانم، که شما این قدر دوستش دارید. ایشان گفتند: خوش به حال من که چنین همسری دارم. فداکاری‌ای که خانم در زندگی کرده‌اند، هیچ‌کس نکرده است. شما هم اگر مثل خانم باشید، همسران شما را این قدر دوست خواهد داشت.^۱

یکی از فرزندان استاد شهید مطهری می‌گوید:

نقشِ مادر در توفیقات استاد یک نقشِ عادی نبود. به همین نمونه‌ی صبر و فداکاری شگفت‌انگیز ایشان اکتفا می‌کنم که در روزهایی که استاد در انتظار تولد یکی از فرزندان خود بودند، از ظهر تا غروب در منزل مشغول مطالعه بودند. پس از بازگشت از سخنرانی در مسجد، می‌بینند فرزندشان به دنیا آمده است. تعجب می‌کنند که چگونه تا غروب هیچ خبری نبود. متوجه می‌شوند که اتفاقاً مادر از حدود ظهر درد شدید داشته‌اند؛ اما به خاطر این‌که تمرکز استاد هنگام مطالعه از دست نرود و به سخنرانی ایشان لطمه‌ای نخورد، درد زایمان خود را از ایشان پنهان کرده بودند.^۲

هم‌چنین خود همسر شهید مطهری می‌گوید:

من هفت بچه داشتم. یک دختر من که به دنیا آمد، ایشان [شهید مطهری] در مسجد آذربایجانی‌ها سخنرانی داشتند. با آن‌که من در آن شب، سخت ناراحت بودم، چیزی نمی‌گفتم که مبادا سخنرانی ایشان برهم بخورد و ایشان از کارشان باز بمانند.^۳

۱. همان، ص ۱۵.

۲. «شعر همسر شهید مطهری درباره امام رضا (ع)»، خبرگزاری فارس، شناسه خبر: ۱۱۴۹، ۱۳۹۴/۰۶/۰۲.

۳. «شهید مطهری در نگاه همسر»، پایگاه جامع استاد شهید مطهری، شناسه متن: ۷۸۷۴۷، ۱۳۸۹/۰۷/۲۵. به نقل از: ستوده و سیدناصری، پاره‌ای از خورشید، ص ۹۷.

۵. خویشتن‌داری در تغییرات

زندگی همواره با تغییرات توأم بوده است؛ ولی این تغییر و تحولات با توجه به گسترده شدن روزافزون ارتباطات و آگاهی از فرهنگ‌های دیگر، سرعت فزاینده و برق‌آسایی گرفته است. زندگی خانوادگی نیز از این تحولات به دور نبوده و تحت تأثیر آن، دست‌خوش تغییر گردیده است. اما آن‌چه خانواده را از دگرگونی‌های فروپاشاننده نگه می‌دارد، همراهی و همدلی اعضای خانواده و به ویژه زوجین است. همراهی همسران بسیاری از بزرگان و علمای دین و سختی‌های بسیاری که آنان در راه اعتلای اسلام کشیده‌اند، گواه بر این مطلب است.

علامه طباطبایی رحمته‌الله بعد از مدتی اقامت در تبریز، تصمیم می‌گیرد به قم عزیمت نماید و بالأخره این تصمیم خود را در سال ۱۳۲۵ (ه.ش) عملی می‌کند. فرزند علامه طباطبایی رحمته‌الله در این مورد می‌گوید:

هم‌زمان با آغاز سال ۱۳۲۵ ه.ش وارد شهر قم شدیم... در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود، وارد شدیم؛ ولی به زودی در کوچه‌ی یخچال قاضی در منزل یکی از روحانیان که هنوز هم در قید حیات است، اتاق دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود، اجاره کردیم. این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود.

در این باره آمده است:

در قم یک اتاق دراز بیست متری اجاره کردند که قمرسادات [همسر علامه] وسطش را پرده زد که بشود یک طرف آشپزی کرد. صاحب‌خانه هم همان‌جا زندگی می‌کرد؛ ساختمان آن طرف حیاط. یکی دو ماه اول خیلی سخت گذشت. آب قم شور بود، میوه کم و گران و درخت‌ها از آن هم کم‌تر و همه خاک گرفته.

برای آن‌ها که از باغ و سبزه‌ی تبریز و بریز و بیاش آن خانه دزندشت آمده بودند، کمی طول می‌کشید به این چیزها عادت کنند.^۱

طبقه‌ی زیراین اطاق‌ها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم، بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پرکنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود، پخت و پز هم در داخل اطاق انجام می‌گرفت؛ در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ مترمربعی و ۳۵ مترمربعی عادت کرده بود که در میهمانی‌های بزرگ از آن‌ها به راحتی استفاده می‌کرد.^۲

نجمه سادات طباطبایی [دختر علامه] با اشاره به مهاجرت علامه طباطبایی از تبریز به قم اظهار داشت:

من شش ساله بودم که به قم آمدم و مادرم با تلاش فراوان، زندگی مرفه تبریز را کنار گذاشت و به زندگی ساده در قم رضایت داد و هرگز نگذاشت پدرم از شرایط سخت زندگی چیزی بداند. در اتاقی که کرایه کرده بودیم در طرفی، پدرم برای طلاب تدریس می‌کرد و ما در پشت پرده زندگی می‌کردیم؛ ولی با تمام این مشکلات، زندگی بسیار شادی داشتیم و تمامی این‌ها مرسوم فداکاری مادرم بود.^۳

حجت الاسلام والمسلمین راشد یزدی نقل می‌کند:

آقا (مقام معظم رهبری) خودشان فرمودند: هنگامی که من زندان بودم، همسرم یک کلمه درباره‌ی زندگی و مشکلات آن سخنی نگفت!^۴

۱. «مهرافروخته: روایتی تازه از زندگی و شخصیت علامه طباطبایی» نشریه معارف، شماره ۷۲، دی ماه ۱۳۸۸.

۲. جام نیوز، شناسه خبر: ۲۵۳۵۵۴، ۲۵/۰۸/۱۳۹۲.

۳. خبرگزاری حوزه، ۱۳۹۴/۵/۱۵.

۴. مدیریت تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، خانه کانون مهر و محبت؛ سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی، شماره ۴۵، ص ۱۱.

۶. توسل به اهل بیت علیهم السلام

توسل به معنای «واسطه قرار دادن شیء یا شخصی است برای وصول به مطلوب با استفاده از همه اسباب و وسایل عادی و غیر عادی»؛^۱ چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید.

بی‌تردید انسان برای دست‌یابی به بسیاری از کمالات مادی و معنوی، به خارج از محدوده وجودی خویش نیازمند است. عالم هستی براساس نظام اسباب و مسببات استوار شده و تمسک به سبب‌ها و وسایل برای رسیدن به کمالات مادی و معنوی، لازمه‌ی این نظام است.

زندگی عالمان راستین، سرشار از ابراز عشق و علاقه به انوار مقدّس معصومان علیهم السلام و توجه و توسل به آنهاست و خود نیز اذعان داشته و دارند که از مهم‌ترین اسباب توفیق ایشان در رسیدن به مدارج علمی و معنوی، توسل به اهل بیت علیهم السلام و عنایت‌های ایشان بوده است.

برای تأثیرپذیری هرچه بیشتر خود و فرزندان از توسل، هم باید در منزل خویش مجلس روضه و توسل برپا نمود و هم به مجالس دیگر رفت. صرف حضور و شرکت در مراسم مربوط به ائمه علیهم السلام، اثربخش و انسان‌ساز است. حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرماید:

۱. طاهری خرم‌آبادی، پاسخ به شبهات وهابیت، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲. مانده، آیه ۳۵.

امام عین الله ناظره است... امام زنده است، ناظر است، قادر و مقتدر است. ائمه حاضرند، می بینند، جواب می دهند، ... التفات ما کم است... زیارت شما قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید. اگر حال داشتید به حرم بروید... اگر حالتان مساعد نیست، به کار مستجی دیگری بپردازید. سه روز روزه بگیرید و غسل کنید و به حرم بروید و دوباره از حضرت اجازه ورود بخواهید... همه زیارت نامه ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین الله مهم است. قلب شما بخواند، با زبان قلب بخوانید.^۱

همسر شهید آیت الله محمد باقر صدر رحمته الله می گوید:

من پس از ازدواج از ایران به عراق منتقل شدم. دوری و فراق از خانواده و تفاوت زیادی که بین آن جا و ایران بود، مرا رنج می داد. یک روز به حرم امیرالمؤمنین مشرف شدم و درخواست نمودم تا خداوند به من قدرت و تحمل شرایط سخت زندگی را بدهد. پس از زیارت، احساس عجیبی به من دست داد. با خود گفتم: من با یک شخص عادی زندگی نمی کنم، بلکه با یکی از اولیای خدا و رهبری دانشمند ازدواج کردم. پس از آن دعا و زیارت، آرامشی خاص و ظرفیتی بزرگ در برابر همه ی سختی ها در خود احساس کردم و به تمام اوامرایشان، با کمال رضایت و خوشحالی حاضر بودم.^۲

علامه طباطبایی رحمته الله درباره ی همسر خود چنین می فرمود:

عیال ما زن بسیار مؤمن و بزرگواری بود. ما در معیت ایشان برای تحصیل به نجف اشرف مشرف شدیم و ایام عاشورا برای زیارت به کربلا می آمدیم و پس از پایان این مدت، چون به تبریز مراجعت کردیم، روز عاشورایی ایشان در منزل نشسته و مشغول خواندن زیارت عاشورا بود؛ می گوید:

«دلیم ناگهان شکست و با خود گفتم: ده سال در کنار مرقم مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بودیم و امروز از این فیض محروم شده ایم. یک مرتبه

۱. فریادگر توحید، ص ۲۱۳.

۲. گفت وگو با سیده فاطمه صدر (همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر)، شاهد یاران، ش ۱۸، ص ۳۵.

دیدم که در حرم مطهر، در زاویه حرم، بین بالاسرو رویه‌رو ایستاده‌ام و روبه قبر مطهر، مشغول خواندن زیارت هستم و حرم مطهر و خصوصیات آن به طور سابق بود؛ ولی چون روز عاشورا بود و مردم غالباً برای تماشای سینه‌زنان می‌روند، فقط در پایین پای مبارک، مقابل قبر سایر شهدا، چند نفری ایستاده و بعضی از خدام برای آنها مشغول زیارت خواندن هستند و چون به خود آمدم، دیدم در خانه‌ی خود نشسته و در همان محل مشغول خواندن بقیه‌ی زیارت هستم.^۱

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در خاطرات خود از مادرشان نقل می‌کنند که همواره در منزل روضه داشتند:

هر وقت از مدرسه می‌آمدم، روضه بود یا میهمان بود، ... باید گوشه‌ای توی راهرو و پله‌ها، جایی، خودمان را سرگرم می‌کردیم تا این روضه و میهمانی تمام شود.^۲

یکی از فرزندان استاد شهید مطهری رحمته‌الله درباره‌ی مادر می‌گوید:
در سفری که در سال ۱۳۷۵ به مشهد داشتیم، در ساعت آخر مادر اصرار داشتند که مجدداً به حرم امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام مشرف شوند. فرصت برای پارک خودرو در جای مناسب نبود. به ناچار ایشان را جلوی حرم پیاده کرده و در خیابان منتظر ماندم. مادر پس از بازگشت از حرم، حال خوشی داشتند و این ابیات را زمزمه می‌کردند.

من دوش به دربار تو ای شاه رسیدم	بشکسته دل افسرده به سوی تودویدم
در طوس تویی مظهر الطاف الهی	ای آیت حق با توجه گویم که چه دیدم
بودند پراکنده ملائک به حریمت	از همه‌م عرش نای تو شنیدم
بودند ثناگوی تو حوران بهشتی	یک حظه به خود آمدم و هیچ ندیدم

۱. حسینی طهرانی، مه‌رتابان، ص ۴۱-۴۲.

۲. بهبودی، شرح اسم، ص ۲۳.

با دست تهی بار گنه آمده ام
 ای جوهر سیال ولایت کرمی کن
 لحظه خیالم به ولای تو مصفاست
 تو باب جوادى پسر موسی جعفر
 تو ضامن آهو و ملقب به رضایی
 ای شافع زوار بیا شافع من شو
 من عمری به فنا لذت معنا نچشیدم
 من مرغ ضعیفم که ز بامت نپریدم هر
 جز بارگهت جای دگر برنگزیدم
 ای کان کرم سد منما راه امیدم
 من مهر شما طایفه ارزان نخریدم
 من کهنه گدایم ز درت پا نکشیدم^۱

۷. پرهیز از اسراف و تبذیر

اغلب واژه‌های اسراف و تبذیر با هم به کار می‌روند. اسراف، مال حلال را بیش از حد نیاز و متعارف مصرف کردن و تبذیر به معنای ریخت و پاش کردن و از بین بردن مال است. اگر برای مجلسی چهل پُرس غذا سفارش بدهیم و در خاتمه ده پُرس آن اضافه بماند؛ در صورت دور ریختن غذاهای اضافی، تبذیر کرده‌ایم و اگر همه‌ی غذاها مصرف شود، به طوری که افراد در خوردن زیاد روی کرده باشند، اسراف کرده‌ایم.^۲ امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ؛^۳ بخشش نابه‌جای مال، تبذیر و اسراف است.

نیز می‌فرمایند:

مِنَ الْعَقْلِ مُجَابَبَةُ التَّبْذِيرِ وَحُسْنُ التَّدْبِيرِ؛^۴ دوری از زیاده‌روی و تدبیر درست، از نشانه‌های عقل است. در خاطرات همسر شهید مطهری آمده است:

گاهی سه ماه تابستان ما به «دُرکَه» می‌رفتیم و یک سال مرحوم علامه

۱. «شعر همسر شهید مطهری درباره امام رضا»، خیرگزاری حوزه، شناسه خبر: ۳۵۶۷۶۴، ۱۳۹۴/۰۶/۰۲.

۲. رک: بانک‌ی پور فرد، عیش و معاش: زندگی گوارا در پرتو اقتصاد اسلامی، ص ۲۵۱.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۵۱.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۱۰۰۱.

[طباطبایی] و همسرشان هم آن‌جا بودند و در این سه ماه، منزل ما نزدیک هم بود. خیلی از اوقات خانم به منزل ما می‌آمد و گاهی وقت‌ها هم ما به منزل آنها می‌رفتیم.

یک روز که منزل ما آمده بودند، چهار تا تخم مرغ کنار گذاشته بودم که می‌خواستم با آن کوکو درست کنم. خانم به آشپزخانه آمدند و دیدند من در حال شکستن تخم مرغ هستم. گفت: این همه تخم مرغ را برای چند نفر می‌خواهی درست کنی؟ گفتم: برای خودمان. گفتند: خانم جان! دو تا تخم مرغ هم زیاد است! من برای خودم، حاج‌آقا و دو پسرمان، سه تا تخم مرغ می‌زنم، دو تا از تخم مرغ‌ها را نگه‌دار. در مدتی که من با ایشان آشنایی داشتم، همیشه به من درس زندگی می‌داد.^۱

۸. همتِ بلند

همت به معنای اراده، آرزو، خواهش و عزم بوده و عالی‌همت، به افراد بلندنظر و دارای طبع بلند گفته می‌شود.^۲

مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین فلسفی به همسرش بسیار احترام می‌کرد و هر روز که از عمر شریفش می‌گذشت، علاقه‌ی وی به همسرش بیش‌تر می‌شد. او در این باره می‌گفت:

هرچه از عمرم بیش‌تر می‌گذرد، ارزش معنوی، روحانی، تقوا و فضیلت همسرم بیش‌تر در نظرم جلوه می‌کند.

وی هم چنین درباره‌ی اوصاف همسرش می‌گوید:

یکی از صفات بسیار عالی که ایشان داشتند، علو همت و بلندنظری بود.^۳

۱. سایت بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، شناسه متن: ۱۳۰۹، ۱۳۹۲/۰۸/۲۴.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه.

۳. حسینی، «نگاهی گذرا به زندگی بزرگان؛ مرحوم محمدتقی فلسفی»، مجله معارف اسلامی، ش ۴۵، س ۱۳۷۹، ص ۱۳۶؛ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.

حضرت آیت الله نوری همدانی در دیدار جمعی از همسران طلاب در قم، با اشاره به نقش همسران طلاب در پیشرفت آنان اظهار داشت:

اخلاص و همت بلند دو ویژگی مهم است که همسران طلاب باید به آن توجه ویژه داشته باشند؛ چرا که در طول تاریخ از میان زنان مسلمان، افراد پرتلاش با همت خود به مقامات عالی علمی دست یافتند.^۱

آیت الله خزعلی رحمته الله علیه در بیان ویژگی های همسرشان می فرماید:

من از نحوه زندگی ام راضی ام و از این بابت خدا را بسیار شاکرم. گرچه آن چه در این مورد دیده ام، همه از لطف پروردگار بوده است، من به صراحت می گویم که رفتار همسرم از من بهتر است و من در خلق و رفتار از ایشان سرمشق می گیرم.

همسرم هوش بسیار خوبی دارد و بسیاری از مطالبی را که من مدت ها پیش فراموش کرده ام به یاد می آورد. ایشان همسر بسیار فداکاری است و در تدبیر منزل نیز ماهراست. پیشرفت هایی که در درس و تحقیق داشته ام، بیشتر به دلیل زحماتی است که ایشان در تکفل فرزندان و امور خانه از خود نشان داده است. هر موقع عصبانی می شوم، ایشان مرا تسکین می دهد.^۲

۹. توجه به الگوهای اخلاقی و سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی، مبتنی بر اعتقاد راسخ به خدا، اخلاق نیک، ایمان، صبر و تحمل، گذشت، همکاری و تفاهم است و در این راستا، الگوهای بسیاری را می توان برای زوج های مسلمان معرفی کرد. این الگوها تنها در معصومین علیهم السلام خلاصه نمی شود، بلکه زوج های مسلمان زیادی در طول

۱. خبرگزاری حوزه، شناسه خبر: ۲۴۲۲۹۳، ۱۳۸۹/۸/۲۷.

۲. خاطرات ابوالقاسم خزعلی، ص ۳۷-۳۸، پایگاه خبری فرهنگ، شناسه خبر: ۱۱۷۵۸۷.

تاریخ با الگو قرار دادن زندگی حضرت فاطمه زهرا و علی علیه السلام، خود به نمونه‌هایی تبدیل شدند که مطالعه‌ی زندگی آنها سراسر آموزنده است. بنابراین پیش از هر چیزی لازم است زوجین از زندگی خانوادگی الگوهای اخلاقی آگاهی یافته و از اصول زندگی مشترک آنها در زندگی خود بهره گیرند. نمونه‌های بسیاری در دوران معاصر وجود دارد که با وجود مشکلات فراوان، روابط خانوادگی موفق و سازنده‌ای داشته‌اند. مطالعه زندگی آنان، مهارت‌های برخورد با همسر و فرزندان را ارتقا می‌دهد.^۱

یکی از الگوهایی که زندگی آنها همواره می‌تواند چراغ راه باشد، توجه به زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام با همسرش امام علی علیه السلام و رابطه‌ی آنها با فرزندانشان است. حضرت امام خمینی ره با اشاره به این مطلب می‌فرماید: یک کوخ چهار - پنج نفری در صدر اسلام داشته‌ایم و آن، کوخ فاطمه زهرا است. برکات این کوخ چند نفری آن قدر زیاد است که عالم را از نورانیت پر کرده است. کوخ‌نشینان این کوخ محقر، در مراتب معنوی آن قدر بالا بودند که دست ملکوتی‌ها هم به آنها نمی‌رسد. جنبه‌های تربیتی این کوخ، آن قدر والا بوده است که همه برکات در بلاد مسلمین، خصوصاً در مثل بلاد ما، همه از برکات آنهاست.^۲

ج) فراگیری مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی، ناظر به دسته‌ای از دانستنی‌های عملی و کاربردی است که در زندگی اجتماعی به‌ویژه زندگی خانوادگی به کار می‌آید.

۱. برای آگاهی بیشتر از سبک زندگی اسلامی و الگوهای خانواده اخلاقی، مطالعه کتاب‌های زیر توصیه می‌شود: الف) مشق مهر، مهدی محمدی صیفا؛ ب) الگوهای اخلاقی خانواده، هادی حسین خانی نائینی.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۶.

مهارت‌های زندگی، توانایی اجتماعی و روحی فرد را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود تا او بتواند بهتر و مؤثرتر با مشکلات و دشواری‌های زندگی مواجه شود. این مهارت‌ها آموختنی و کسب‌کردنی است که بخشی در طول عمر و با گذشت زمان به وسیله‌ی مشاهده، شنیدن و زندگی کردن به دست می‌آید، ولی برخی دیگر را باید با مطالعه، آموزش، مشاوره، تمرین و تکرار آموخت و در زندگی به کار بست.

روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی، مهارت‌های زیادی را مطرح کرده‌اند که با توجه به آموزه‌های دینی، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. یادگیری روش‌های درست آداب معاشرت

روش‌های درست آداب معاشرت، به‌ویژه روش‌های تعامل بهتر با همسر و اعضای خانواده، از جمله مهارت‌هایی است که آموختن آن برای همسران الزامی است؛ چرا که پایداری، پویایی و نشاط خانواده، برپایه‌ی تعامل‌ها و ارتباط‌های درست و منطقی یا همان معاشرت درست استوار است و تا این امر تحقق نیابد، رابطه‌ها همواره با چالش مواجه خواهد شد. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه، یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان، به زنان است. زنان هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش‌های برخورد با همسر یا با فرزندان‌شان را درست نمی‌دانند. این روش‌ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روزه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند. باید روش‌هایی پیدا کنید که

افرادی که می‌توانند، خانم‌ها را به این مسائل راهنمایی کنند.^۱

روش‌های معاشرت و برقراری ارتباط مؤثر را می‌توان با مطالعه، مشاهده‌ی رفتار دیگران، مشاوره و... آموخت. برای همین مقام معظم رهبری دامنه‌الله به زنان توصیه می‌کنند که همواره کتاب بخوانند:

از جمله‌ی کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله‌ی کارهای بسیار مهم، کتاب‌خوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای این‌که خانم‌های داخل خانه را کتاب‌خوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتاب‌خوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما این‌ها مطلع نمی‌شوند. این کتاب‌ها معارف بشری است که ذهن‌ها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع بهتر و صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند.^۲

۲. یادگیری روش‌های حل تعارض

وجود مشکلات و گرفتاری‌ها در زندگی، سنت الهی است و مهم در این‌جا، چگونگی مواجهه با این مشکلات است. آیا باید در برابر مشکلات تسلیم و ناامید شد یا باید برای حل و رفع آنها کوشید؟ باید دانست که هیچ انسانی بدون مشکل زندگی نکرده است و وجود اختلاف و تعارض در زندگی و در روابط میان همسران به‌ویژه در سال‌های اول زندگی، امری است طبیعی.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در این باره می‌فرمایند:

هماهنگی و موافقت اخلاقی بین مرد و زن در محیط خانواده از هر لحاظ و به صورت صددرصد برای غیرانییا و اولیا غیرممکن است. اگر بخواهیم محیط خانه، گرم و باصفا و صمیمی باشد، فقط باید، صبر و استقامت و گذشت و

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.

۲. همان.

چشم‌پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد.^۱
 بنابراین اگر پیرامون خود، زوج‌ها و خانواده‌هایی را مشاهده می‌کنیم که بدون اختلاف و تعارض و با صمیمیت و عشق زندگی می‌کنند، نشان از این دارد که آنها توانسته‌اند با صبر و حوصله و یادگیری و به‌کار بستن مهارت‌های حل تعارض از مشکلات و اختلافات عبور کنند و تنش و تلخی را از زندگی خود بیرون برانند.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله می‌فرماید:

در مشکلات، باید بنشینیم و با هم تفاهم کنیم و نتیجه‌ی صحیح را بگیریم. اگر می‌خواهیم در زندگی به تفاهم برسیم، باید بنشینیم با هم تفاهم کنیم و هرکس عقل و فهم و شعور بیشتر دارد، باید جور نادان را بکشد و او را به راه صحیح راهنمایی کند. بهترین است که به جای ایراد گرفتن، به فکر برطرف کردن عیوب یک‌دیگر باشیم. باید راه توافق را پیدا کرد. اگر به آن نرسیم، زندگی‌ها بر باد خواهد رفت. توافق هم در پشت پرده‌ی یک گذشت مخفی است.^۲

فردی که برای اجرای خطبه‌ی عقد به خدمت مرحوم آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی رسیده بود، می‌گوید:

با خانواده‌هایمان رفتیم به دفتر حاج آقا که ایشان خطبه‌ی عقدمان را بخوانند. ... بعد از این که خطبه را خواندند، فرمودند: عروس و داماد بمانید، من با شما کار دارم...! خیلی خوشحال بودم، در عین حال کمی استرس داشتم که حاج آقا چه کاری با ما دارد؟ [فرمودند] ... هیچ وقت جلوی جمع از هم اشکال نگیرید؛ ... ولی به هر حال چون هدف خودسازی است، باید اشکالات رفتاری و اخلاقی یک‌دیگر را به هم به طور خصوصی و صمیمانه

۱. همان.

۲. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۳، ص ۱۸۶.

گوشزد کنید. همین خصوصی بودن هم باید با روی خوش و صمیمیت همراه باشد تا دل‌گیری به همراه نداشته باشد. پس سعی کنید در جمع خطاپوشی کنید و در نهان خطاها را به هم تذکر دهید.^۱

حجت الاسلام و المسلمین مرتضی آقا تهرانی نیز می‌گوید:

وقتی عقد کردیم و می‌خواستیم زندگی کنیم، بلد نبودیم چه جوری باید زندگی کرد. بعضی‌ها هستند یک چیزهایی را که نمی‌دانند ادعا می‌کنند، کلی حرف می‌زنند؛ ولی نمی‌فهمند. این روحیه‌ی بدی است. اگر کسی بفهمد، متوجه‌اش می‌کند. در زندگی خودم، روز اول آمدیم، دیدیم بلد نیستیم چه طور برخورد کنیم. به خانواده گفتم من قم کار دارم و باید بروم خدمت یکی از اساتید. آمدم قم و پرسیدم چه کار باید کرد؟ چند تا اصل را یادم دادند که خیلی عالی بود. یکی همین که در روایات اهل بیت هست و روان‌شناسان هم قبول دارند. همه‌ی اهل بیت فرموده‌اند: وقتی با دیگری هستی، «إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ»؛^۲ خودت را میزان قرار بده. هر چه برای خودت می‌خواهی، برای او هم بخواه. یکی دیگر این که آدم در زندگی غضب نکند؛ غضب کرد، تصمیم نگیرد. سوم این که در جاهایی که اختلاف سلیقه با خانم پیدا می‌کنی، خیال نکن نظرت وحی مُنَزَّل است. حتماً مراجعه کن به آدم عاقل‌تری و مشورت بگیر. زندگی را جوری قرار بدهید که حضرت ولی‌عصر به خودشان اجازه بدهند، بیایند در زندگی شما.^۳

۱. شورای سردبیری، حاج آقا مجتبی، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

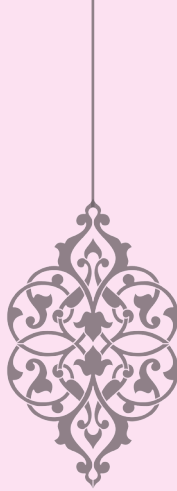
۳. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، «با تسبیح، ذکر دوستت دارم را بگو»، مجله خانه خوبان، پیش شماره ۲، ص ۲۵.

شناسایی زمینه‌های بروز تعارض

مسائل گوناگونی می‌توانند زمینه‌ساز تعارض و تنش میان همسران باشند؛ از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: ضعف باورها و رفتارهای دینی، اختلاف نظر در تکالیف اصلی زندگی و چگونگی تقسیم کارهای منزل، ضعف در ابراز عواطف و احساسات به هم‌دیگر، عدم آشنایی با مهارت‌های ارتباطی، اختلاف در چگونگی هزینه‌کردهای زندگی، زیاده‌روی در استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مشکل در ارتباط با خویشاوندان، مشکلات بیرونی مثل از دست دادن شغل، نداشتن روحیه مشورت، جابه‌جایی‌ها و مهاجرت، مسائل حل نشده گذشته، بی‌مبالاتی در ارتباط با نامحرمان، عیب‌جویی، بدخلقی، بد دهانی و...^۱

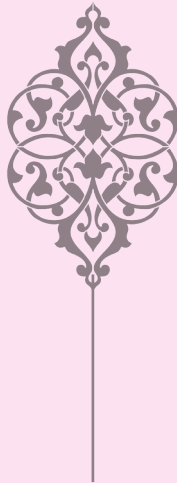
البته صرف شناسایی کافی نیست، بلکه باید راه‌حل‌ها هم شناسایی شوند و مورد استفاده قرار گیرند.

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: حسین‌خانی، الگوهای خانواده اخلاقی، ص ۵۷-۸۶.



فصل سوم:

همسرداری



همسررداری فصل مشترک میان زن و مرد است؛ زن و مردی که از دو جنس متفاوت هستند و اکنون کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا نواقص خود را برطرف سازند، یاد بدهند و یاد بگیرند، بر تجربه‌هایشان بیفزایند و کانونی گرم، مستحکم و پویا بسازند و آن چه آموخته، تجربه کرده و ساخته‌اند، به فرزندان بسپارند.

در بیانات مقام معظم رهبری دامت‌برکات آمده است:

دختر و پسر باید سعی کنند این پیوند را پاسداری کنند. وظیفه‌ی یکی از آنها هم نیست که بگوئیم هرکاری یکی کرد، دیگری تحمل کند. نه، باید هر دو به هم کمک کنند تا این کار صورت گیرد.^۱

نمی‌شود بگوئیم شوهر سهم بیشتری دارد یا زن سهم بیشتری دارد. نه، هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دو نفره، که بعدها به تدریج زیاد می‌شود، نقش دارند.^۲

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان، که از همه مهم‌تر هم محبت است، می‌توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند.^۳

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۶/۷/۳۰؛ به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری دامت‌برکات.

۲. همان، ۱۳۷۶/۵/۱۶.

۳. همان، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

بنابراین همسری نقشی است بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز؛ سرنوشت ساز برای خود همسران، برای فرزندان، برای خانواده و برای جامعه.

خیلی از زن‌ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادت مند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن‌هایشان آنها را اهل جهنم کنند و زن‌های خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاری‌های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه، آن هم بیش‌تر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی، این‌طور یک‌دیگر را کمک می‌کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۱

همسران خوب از یک‌دیگر مراقبت اخلاقی دارند و می‌کوشند برای رشد و تکامل، هم‌دیگر را به اخلاق‌مداری و دین‌داری فراخوانند.

اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود؛ فرضاً در یک معامله‌ی نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول درآوردن‌های نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق‌بازی‌های ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست.^۲

اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیت می‌دهد، به راست‌گویی کم اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم اهمیت می‌دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند.^۳

مهم‌ترین کمک به همسر این است که سعی کنید هم‌دیگر را دین‌دار نگه دارید.

۱. همان، ۱۳۷۴/۶/۱۳.

۲. همان، ۱۳۷۹/۸/۲۱.

۳. همان، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است.^۱

در این فصل، به نقش‌های مهمی پرداخته می‌شود که بانوی خانه با رعایت آنها، می‌تواند رونق زندگی را دوچندان کند و همسری همراه و موفق باشد.

الف) مدیریت منزل

بر اساس آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء که می‌فرماید «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان سرپرست زنانند»، مرد سرپرستی، اداره و صیانت از همسر را برعهده دارد. این سرپرستی به معنای سلطه، مردسالاری و زورگویی نیست. مرد بر حسب مدیریت، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از اعضای خانواده، به‌ویژه همسریاری طلبیده، با او مشورت کند؛ چراکه مدیریت نوعی تدبیر است و اقتضای تدبیر درست، مشورت کردن، احترام متقابل و رعایت حقوق دیگران است. مسئولیت خانواده، وظیفه‌ی سنگینی است که برعهده‌ی او گذاشته شده و طبق آن نیز بازخواست می‌شود.

۱. تقسیم کار

یکی از اصول مدیریت خانواده، تقسیم کار است. بدین معنا که هرکس در خانواده متناسب با توان، جایگاه و نقش خود مسئولیتی را می‌پذیرد. این مسئولیت‌پذیری، روحیه‌ی تعاون و همکاری را میان اعضای خانواده افزایش می‌دهد. امام باقر علیه السلام فرمود:

تَقَاصَى عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ عليهما السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي الخِدْمَةِ فَقَصَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ

بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَقَصَىٰ عَلَىٰ عَلِيٍّ مِمَّا خَلَفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْزَمُ مَا دَاخَلَ مِنِ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَكْفِي رَسُولَ اللَّهِ ص تَحْمَلُ رِقَابِ الرِّجَالِ؛ علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای داوری درباره‌ی تقسیم کارهای خود، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتند. پیامبر این‌گونه قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را فاطمه انجام دهد و کارهای بیرون از خانه را علی. فاطمه فرمود: از این‌که پیامبر خدا مرا از برعهده گرفتن مسئولیت‌های مردان معاف ساخت، فقط خدا می‌داند که چه قدر خوشحال شدم.

از آن پس، فاطمه علیها السلام کار خانه، پخت و پزنان و جارو کردن اتاق را برای علی علیه السلام تضمین کرد و علی، کارهای بیرون از خانه، مانند حمل هیزم و آوردن مواد خوراکی را برای او برعهده گرفت.^۲ از این‌رو منزل، بهترین قرارگاه برای زنان است^۳ و آنان می‌توانند مسائل مربوط به داخل خانه را اداره کنند.

این تقسیم کار، مناسب با روحیه و ویژگی‌های زنان است. مقام معظم رهبری دامنه الله علیه در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان با ایشان می‌فرماید: مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگ‌ترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنان‌چه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم.^۴

۱. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۲. همان، ص ۳۱، ح ۳۸.

۳. همان‌طور که در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب فرمود: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید.»

۴. بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۲.

۲. تدبیر و درایت

اداره‌ی مدبرانه و عاقلانه‌ی امور منزل می‌تواند زمینه‌ی موفقیت مرد را فراهم سازد. مردان بزرگ، بیشتر موفقیت‌های خود را مدیون همسرانشان می‌دانند. درایت کامل حضرت فاطمه علیها السلام در خانواده، الگوی تمام عیار بانوان مسلمان می‌تواند باشد:

در طول ده سالی که پیامبر در مدینه بود، حدود نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند (حدود شصت جنگ اتفاق افتاده). در اغلب آنها امیرالمؤمنین هم بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند... از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند...؛ در حالی که دختر رهبر است، دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند. ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند... فاطمه زهرا علیها السلام این گونه خانه‌داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند.^۱

مقام معظم رهبری دامت‌الله در اهمیت عقلانیت و هوشمندی زن در زندگی و همسررداری می‌فرمایند:

زن یک وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است؛ اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن

۱. بیانات در دیدار با جوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

و زیندی کردن و تحکم و زورگویی نمی‌توان به آن رسید، بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوش‌رویی، یک مقدار تحمل کردن - البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند - که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است ... زن باید با شوهر خود این طور برخورد کند^۱.

اگر مرد خانه، فعالیتی چه علمی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه‌ی خوب سرکار برود و با شوق به خانه برگردد^۲.

همسر مرحوم علامه‌ی طباطبایی به گونه‌ای نقش خود را در منزل ایفا می‌کردند که دخترشان نقل می‌کند:

پدرم صاحب اختیار خانه و امور آن را مادرم می‌دانستند. مادرم به کارهای درس ما و رفت و آمدهایمان رسیدگی می‌کرد و همه مسائل را کنترل می‌کرد و به قدری با درایت عمل می‌کرد که پدرم با فراغت خاطر تمام، به امور علمی خود می‌پرداختند^۳.

آیت الله خامنه‌ای دامت‌السلامه در تبیین اهمیت مدیریت کدبانو در منزل می‌فرماید: وظایف داخل خانه‌ی زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه این‌که زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای این‌که این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند ... خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده‌ی انجام این کار برمی‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافت‌ها را رعایت کند^۴.

۱. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۲/۰۳/۱۹.

۲. همان، ۱۳۷۳/۹/۲.

۳. محمدی صیفار، مشق عشق، ص ۲۸.

۴. بیانات در اجرای خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۱/۰۶/۰۶.

و در جای دیگر خطاب به زوج‌های جوان می‌فرمایند:

برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارخانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست، بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه دارد.^۱

فرزند علامه جعفری رحمته‌الله درباره‌ی معرفت مادر بزرگوارشان چنین می‌گوید: علی‌رغم این‌که مادرم، سواد چندانی نداشت؛ ولی از معرفت بالایی برخوردار بود و این را فهمیده بود که کارهای فکری و خدمات علمی و اجتماعی ایشان [علامه جعفری] برای مردم مفید است و او به عنوان یک زن باید بستر زندگی را چنان فراهم کند که دغدغه‌ی خاطری نداشته باشد؛ بنابراین فشار ما بچه‌ها و رتق و فتق امور خانه بردوش مادرم بود. وقتی علامه این فداکاری‌ها را می‌دیدند، مجذوب او می‌شدند.^۲

ب) آرامش بخشی

یکی از وظایف همسر، آرامش بخشی در خانواده است که براساس قرآن کریم، آن را می‌توان در وجود همسر جست‌وجو کرد: و از نشانه‌های او این‌که از [جنس] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید.^۳

در بیان رهبر معظم انقلاب دام‌الله هم آمده است: همه‌ی مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند. این وظیفه‌ی زن است.^۴

۱. همان.

۲. «ناگفته‌های زندگی علامه جعفری از زبان فرزندش، بخش دوم»، خبرگزاری حوزه، شناسه خبر: ۲۴۲۲۵۲، ۱۳۸۹/۰۸/۲۵.

۳. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا. (روم، آیه ۲۱)

۴. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۸/۱/۲۴.

زن می‌تواند با انجام بعضی از رفتارها، نقش آرامش‌بخشی را در خانواده ایفا کند.

۱. سنگ صبور بودن

سنگ صبور بودن به معنای گوش کردن، همراهی و کاستن از آلام و نگرانی‌های همسر است. همسران می‌توانند سنگ صبور هم باشند؛ ولی نقش زن چشم‌گیرتر است؛ زیرا او بهتر از دیگران می‌تواند با لطافت و ظرافت خود، روحیه‌ی خسته و ناامید شوهر را در برابر مشکلات فراوان بیرون از خانه تغییر دهد.

مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: زنی دارم که هرگاه وارد [خانه] می‌شوم، به استقبال می‌آید و هرگاه [از خانه] خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند و هرگاه مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غم روزی‌ات را می‌خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند بر اندوهت بیفزاید.

پیامبر خدا فرمود: خداوند کارگرانی دارد و این زن، یکی از کارگران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است.^۱

در خاطرات آیت‌الله حائری شیرازی آمده است:

...همین خانم [همسر ایشان] که در خانه بسیار بزرگ پدری زندگی می‌کرد، آمد همراه من به تبعیدگاهم در فومن در یک گالی پوش که روی سقفش چوب برنج می‌اندازند. منزل خواهر مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت بود. خواهر ایشان و صبیبه‌شان در نصف این اتاق بودند، من و اهل بیت مان و یک بچه هم در آن طرف، وسطش تیغه بود. این خانم یک بار هم به من نگفت من را از آن جا آوردی این‌جا!^۲

۱. وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَيَّعَتْنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ لِي مَا يُهْمُكَ إِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ عَيْتُكَ وَإِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَوَإِذَكَ اللَّهُ هَمًّا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَدَاهُ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفَ أَجْرِ الشَّهِيدِ. (حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ۲۰، ص ۳۲)

۲. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مجله خانه خوبان، شماره ۲۱.

۲. شادی آفرینی و ایجاد نشاط در خانه

یکی از نشانه‌های خانواده‌ی موفق و پایدار، وجود نشاط و شادی در آن خانواده است. امام کاظم علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

وَإِيَّاكَ وَالضَّجْرَةَ الْكَسَلَ فَإِنَّهُمَا يَنْتَعَانِ حَظَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ از تنگ‌دلی و کسالت بپرهیز؛ زیرا هر دو، تو را از بهره‌مندی دنیا و آخرت باز می‌دارد.

همسر بی‌نشاط و بی‌انرژی، هرگز نمی‌تواند نقش شوهر‌داری و خانه‌داری خود را به خوبی ایفا کند. چنان‌که نمی‌تواند مادر موفق‌ی در تربیت فرزندان سالم و با نشاط باشد. از این رو، زن در ایجاد نشاط و شادابی در خانواده نقش تعیین‌کننده دارد و با رعایت نکات زیر می‌تواند شادابی خانواده را دوچندان کند.

۲-۱. مثبت‌نگری

مثبت‌نگری، برجسته کردن نکات قوت و مثبت زندگی و اعضای خانواده است؛ چرا که آرامش خاطر و خوشی در زندگی، تا حدود زیادی به طرز تفکر و نگاه به قضایا بستگی دارد. مثبت‌نگری باعث می‌شود انسان بر اساس توانایی‌ها و داشته‌های طرف مقابل رفتار کند و انتظاری بیش از آن نداشته باشد و بر کمبودهای زندگی صبر کند. چنین کسی می‌کوشد از دل سختی‌ها و تلخی‌های زندگی راه‌هایی بیابد که نشاط و انرژی را به خانواده و همسرش هدیه کند و تحمل این دشواری‌ها را بر خود آسان نماید.

همسر آیت‌الله مهدوی کنی با بیان خاطراتی از سختی‌هایی زندگی و در عین حال شیرینی آن چنین می‌گوید:

مسافرت‌های خیلی خوبی داشتیم که در آنها خیلی به ما خوش می‌گذشت. سوریه که رفته بودیم، در یک زیرزمین که هفت هشت ده تا پله می‌خورد و پایین می‌رفت، اقامت کردیم و یک چراغ کوچک خوراک‌پزی گرفتیم و کمی برنج و گوجه تهیه کردیم و غذا پختیم.

با این همه نمی‌توانم برایتان توصیف کنم که چقدر به ما خوش گذشت و از همان زندگی لذت می‌بردیم، در حالی که هیچ‌کدام از خانواده‌های فقیر نبودیم. هم پدر ایشان در «کن» وضعیت مالی خوبی داشتند و در محدوده خودشان معروف بودند و هم پدر من وضع مالی بسیار خوبی داشتند، اما آموخته بودیم که باید روی پای خودمان بایستیم؛ همان‌طور که در برنامه دانشگاه [امام صادق (ع)] و جاهای دیگر همین رویه ادامه داشت. همیشه از صفر شروع کردیم و همیشه این زجرها و ناراحتی‌ها، برایم شیرینی داشت. مثلاً از این‌که موفق شدیم در سوریه به زیارت برویم و یا این‌که موفق شدیم در این‌جا دانشگاه احداث کنیم. همیشه به مقصد رسیدن برایم شیرینی داشت. همه‌ی برنامه‌های زندگی‌مان را شیرین می‌دیدم و حال آن‌که همه‌ی آنها با سختی توأم بود.^۱

۲-۲. ایجاد فضای امن و شاد

خانه جایی است که کودکان و والدین با فضای گرم آن پیوند دارند، مهر و محبت زوجها در آن شکوفا می‌شود، بالندگی خانواده و پرورش فرزندان در آن شکل می‌گیرد و پناهگاه روح و جسم انسان است و از همین رو می‌گویند «هیچ‌جا خانه‌ی آدم نمی‌شود». افراد آن‌گاه در خانه احساس خوب، امن و شادی دارند که همسر بتواند فضایی آرام در خانه ایجاد کند. راه‌های زیر می‌تواند به این امر کمک کند.

۱. «گفت‌وگوی خواندنی فارس با همسرآیت‌الله مهدوی کنی»، خبرگزاری فارس، شناسه خبر: ۹۱۶، ۲۱/۷/۱۳۹۴.

۱-۲-۲. ابراز محبت و خوش اخلاقی

ابراز محبت اعضای خانواده به یک دیگر، گفت و گوی توأم با احترام و رفتار نیک از عواملی است که در افراد، امنیت روانی به وجود آورده و رضایت خاطر را فراهم می‌سازد. تفاوت خانه با دیگر مکان‌ها بیشتر به سبب آسایش و آرامشی است که درون خانه ایجاد شده است. مقام معظم رهبری در دیدار با همسر امام خمینی قدس سره می‌فرمایند:

بله، [خانه‌ای که زن در آن نباشد] مثل مسافرخانه است؛ حقیقتاً این جوری است. گاهی که خانم چند باری بیمارستان بوده یا مثلاً یک مسافرت‌های کوتاهی - دو روز، سه روز- به مشهد [دارند]، من که می‌روم خانه، می‌بینم همین خانه‌ی خودمان است، جاها معین است؛ اما مثل این‌که آدم وارد مسافرخانه شده! در مسافرخانه هم اتاق آدم معین است، جایش معین است، همه چیز [سرجایش است]؛ اما می‌فهمد که این جا خانه‌ی خودش نیست. بله، واقعاً من احساس مسافرخانه‌ای پیدا می‌کنم وقتی ایشان نیست.^۱

۲-۲-۲. زدودن تنش‌ها

آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه در مورد ضرورت بردباری و پرهیز از جرو بحث می‌فرماید: هماهنگی و موافقت اخلاقی بین مرد و زن در محیط خانواده از هر لحاظ و به صورت صددرصد برای غیرانبیا و اولیا غیرممکن است. اگر بخواهیم محیط خانه، گرم و باصفا و صمیمی باشد، فقط باید صبر، استقامت، گذشت، چشم‌پوشی و رأفت را پیشه‌ی خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد. اگر این‌ها نباشد، اصطکاک و برخورد پیش خواهد آمد و همه‌ی اختلافات خانوادگی از همین جا ناشی می‌شود.^۲

۱. یاد و یادگار: خاطراتی از دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با همسر حضرت امام (۱۳۸۶/۱۲/۲۶)، ص ۴۹.

۲. رخسار، در محضر آیت‌الله بهجت، ج ۱، ص ۳۰۰.

هم چنین ایشان با تأکید بر پرهیز همسران از جر و بحث می‌فرمایند: در روابط خانوادگی، جواب‌گویی باید به صورت کلی کنار گذاشته شود؛ چرا که هیچ ثمره‌ایی ندارد. طبیعت هر حیوانی برخورد کردن را اقتضا می‌کند که اگر آن، یک شاخ زد، این هم دو تا شاخ بزند. انسانیت از آن جا شروع می‌شود که نزند. ظرفیت اداره‌ی خانواده به این است که انسان تحمل داشته باشد. شرح صدر داشته باشد. این حرف‌ها و نزاع‌ها را جدی نگیرد. به خدا واگذار کند و یا این‌که به دفتر شرع مراجعه کند و ببیند الآن وظیفه‌اش چیست؟ اگر به این نحو رفتار کردند، طرف مقابل هم به همین شکل رفتار خواهد کرد و قضیه حل می‌شود؛ ولی اگر آن بگوید و این هم بگوید و با یک دیگر مقابله کنند، دیگر حد پایانی وجود نخواهد داشت.^۱

مقام معظم رهبری دامت‌السلام در بیان خاطره‌ای از حضرت امام قدس سره می‌فرمایند: بنای کار ازدواج، برسازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند: شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از این‌که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید.^۲

۱. همان.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۲۰/۰۴/۱۳۷۰.

۳-۲-۲. فضاسازی مناسب

به هم ریخته بودن وسایل خانه، تمیز نبودن، وجود گرد و خاک روی وسایل، نامرتب بودن لباس‌ها در اتاق‌ها، همه نشان از شلختگی، بی‌حوصلگی و تنبلی همسر است. چنین خانه‌ای هیچ‌گاه نمی‌تواند به اعضای خود نشاط ببخشد؛ از این‌رو از موارد مهم ایجاد شادمانی در خانواده، فضاسازی است. تمیز و مرتب نگه داشتن خانه، گردگیری، پوشیدن لباس تمیز و شاد، استقبال گرم و بالبخند، لحظه‌های آرامش‌بخش و صمیمی به اعضای خانواده اعطا می‌کند و باعث می‌شود که همه با یک‌دیگر احساس شادی و نشاط کنند.

مرد در کشاکش زندگی مردانه خود، احتیاج به یک لحظه‌ی آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه‌ی آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطوفت خانوادگی خودش قرار می‌گیرد. با همسر خودش که به او عشق می‌ورزد، با اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی می‌کند. وقتی با همسر خود مواجه می‌شود، این همان لحظه‌ی آسایش و آرامش است.^۱

۴-۲-۲. شوخی کردن

شوخی کردن، مزاح و خندیدن با یک‌دیگر، به نشاط خانواده می‌افزاید. روایت شده که روزی علی علیه السلام با همسرش حضرت زهرا علیها السلام به صحرا رفته و به هنگام خوردن خرما، با گفتن کلماتی با یک‌دیگر مزاح کردند. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! رسول خدا مرا بیشتر از تو دوست می‌دارد. حضرت زهرا علیها السلام گفت: از تو عجیب است! آیا می‌شود رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را بیش از من دوست داشته باشد؟

در حالی که من میوه‌ی دل او و عضوی از پیکرش و شاخه‌ای از شاخسارش می‌باشم و غیر از من فرزندی ندارد؟! علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! اگر سخن مرا قبول نداری، بیا تا نزد پدرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله برویم. سپس آن دو با هم نزد پیامبر رفتند. حضرت فاطمه پیش‌دستی کرده و گفت: ای رسول خدا! کدام يك از ما دو نفر نزد تو محبوب‌تریم، من یا علی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: توبه من محبوب‌تری و علی از تو برای من عزیزتر است.^۱

۳. آزرده نساختن همسر

اخم کردن، نیش و کنایه زدن، ناسزا گفتن، بدرفتاری کردن، توقعات و انتظارات بی‌جا داشتن، ناسپاسی نمودن و وظایف خود را به خوبی انجام ندادن از مواردی است که منجر به نارضایتی همسر و اختلاف در زندگی زناشویی می‌شود. زنی که مدام شوهر خود را بیازارد، چگونه می‌تواند همسری آرامش‌بخش باشد تا دیگران در پرتو آرامش او، به آسایش برسند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

هر زنی که شوهر خود را با زبان بد آزار دهد، خداوند هیچ احسان و نیکی و حسنه‌ای را از عملش قبول نمی‌کند، تا شوهرش را از خود راضی نماید. اگر چه روزها را روزه و شب‌ها را عبادت نماید و بردگان زیادی آزاد نموده و اسبان تیزرو در راه خدا به جهاد فرستد و چنین زنی اول کسی خواهد بود که وارد آتش می‌شود و هم چنین است مردی که به زن خود ظلم کند.^۲

۱. ابن‌شاذان، الفضائل، ص ۸۰ و نیز رک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۸.

۲. أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَوْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا وَأَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَحَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴)

هرزنی که با شوهرش مدارا نکند و او را برآن چه قدرت ندارد، وادار نماید؛ خداوند از او هیچ حسنه‌ای نپذیرد، خدا را در حالتی ملاقات خواهد کرد که بروی خشمگین باشد.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در این باره چنین می‌فرماید:

از رحمت خدا به دور است، از رحمت خدا به دور است آن زنی که شوهر خود را می‌آزارد و غمگینش می‌کند و خوشبخت است، خوشبخت است آن زنی که شوهر خویش را گرامی می‌دارد و آزارش نمی‌دهد و در همه حال از او فرمان می‌برد.^۲

ج) مهرورزی

مهرورزی، ابراز علاقه، محبت و دوستی به همسر است. خداوند متعال ایجاد مودّت بین همسران را از جمله‌ی نشانه‌های خویش به شمار آورده است.^۳ مودّت تقریباً به معنای محبتی است که در مقام عمل ظاهر باشد.^۴ بر این اساس، به کارگیری عباراتی به منظور ابراز محبت قلبی، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های مودّت به همسر محسوب شده و در تقویت روابط همسران بسیار مؤثر است. با آن‌که زنان بیشتر به ابراز محبت از طرف شوهر نیاز دارند؛ ولی مهرورزی نیاز هر دو طرف است و مرد که خارج از محیط خانه با مشکلات و سختی‌ها مواجه است، می‌تواند با دریافت محبت، علاقه و عشق از طرف

۱. أَيَّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْحِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةٌ وَ تَلَقَى اللَّهَ وَ هُوَ غَائِبًا غَضَبًا. (همان)

۲. مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ تُعْمَهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لِأَثْوَدِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أحوالِهِ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰)

۳. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (روم، آیه ۲۱)

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۵۰.

همسرش، توان مواجهه با مشکلات را داشته و با نیروی بیشتری به کارش ادامه دهد. در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام آمده است:

محبت و وزیدن، یک امری است که در اول کار خدای متعال این را به شما می‌دهد؛ سرمایه‌ای است که در اول ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می‌کند. به یک دیگر محبت پیدا می‌کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسران به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی وفاداری کنید، امانت نشان بدهید، صفا نشان بدهید. توقعات خود را خیلی بالا نبرید، باید همکاری کنید، باید اظهار محبت کنید، اینها محبت ایجاد می‌کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باشد، ایرادگیری و زیاده‌طلبی نباشد.^۱

چگونه می‌شود پس از سال‌ها زندگی، مهر و محبت را هم چنان حفظ کرد یا آن را افزایش داد. در این راستا، فرمایش‌های مقام معظم رهبری راهگشاست. اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختی‌های داخل خانه آسان‌تر شد.^۲ در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید.^۳ محبت که بود، وفاداری هم هست. بی‌وفایی و بی‌صفایی و خیانت به یک‌دیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای انس می‌شود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد می‌گردد.^۴ اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش

۱. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۱۲/۱۹.

۲. همان، ۱۳۷۷/۸/۱۱.

۳. همان، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. همان، ۱۳۷۶/۹/۲۴.

کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید یک تلاشی انجام بدهد. محبت، محتاج تلاش و ابتکار است.^۱

علامه طباطبایی رحمته الله پس از فوت همسرشان، علت آن همه تأثر قلبی را چنین بیان می‌فرماید:

مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم. گریه من برای صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است. ما زندگی پرفراز و نشیبی داشته‌ایم. در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدیم، من از حوایج زندگی و چگونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما، هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمی‌کرد، یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی ما، هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟^۲

د) پرهیز از منت گذاشتن

هر چند از دیدگاه اسلام، تأمین نیازهای مالی خانواده بر عهده‌ی مرد است؛ اما زنان نیز در صورت تمکن مالی می‌توانند بخشی از بار هزینه‌های زندگی را به دوش کشند. با وجود این، آن‌چه از اهمیت ویژه برخوردار است، آن است که این همیاری نباید موجب منت‌گذاری بر همسر شده و روزی به رخ او کشیده شود.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که برفقا منت بگذارد، در دنیا و آخرت ملعون است و شخصی که بر پدر، برادر و برادران مسلمانش منت بگذارد، از رحمت خداوند و ملائکه به دور می‌باشد؛ به آتش جهنم نزدیک است؛ دعایش مستجاب نمی‌شود؛ خواسته‌اش

۱. همان، ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۲. حسینی طهرانی، مهرتابان، ص ۲۵.

برآورده نمی‌گردد و خداوند در دنیا و آخرت به سوی او نگاه نمی‌کند.^۱

نیز فرمودند:

اگر همه‌ی طلا و نقره‌های زمین را زن به خانه‌ی شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها برسراو بزند و بگوید تو کیستی؟ این دارایی مال من است! اعمالش بر باد می‌رود، اگرچه از عابدترین مردمان باشد؛ مگر آن‌که توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد.^۲

حضرت خدیجه رضی الله عنها در طول زندگی مشترکش با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه از سرمایه و اموالی که در اختیار همسرش قرار داده بود، نامی به میان نیاورد و متنی بر همسرش نگذاشت. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز کلامی را که موجب فخرفروشی و باعث رنجش خدیجه باشد، بر زبان جاری نکرد، بلکه همیشه از ایشار و خودگذشتگی هم‌دیگر صحبت می‌کردند. نه پیامبر صلی الله علیه و آله حُسن جمال و حُسن اخلاق و نبوتش را به رخ حضرت خدیجه رضی الله عنها می‌کشاند و نه خدیجه رضی الله عنها سرمایه و موقعیت اجتماعی‌اش را به رخ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کشاند. آنان بعد از ازدواج، تمام فخرفروشی‌های بی‌اساس و ظاهری را کنار گذاشته و با صمیمیت و وفاداری به هم‌دیگر، به فکر پیشبرد هدف مشترکشان بودند.^۳

۱. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْمُنَّانُ عَلَى الْفَقْرَاءِ مَلْعُونٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْمُنَّانُ عَلَى أَبَوَيْهِ وَإِخْوَتِهِ وَأَخْوَاتِهِ بَعِيدٌ مِنَ الرَّحْمَةِ وَبَعِيدٌ مِنَ الْمَأْنِبَةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ وَلَا يُقْبَضُ لَهُ حَاجَةٌ وَلَا يُنْظَرُ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۴)

۲. وَقَالَ ﷺ لَوْلَا أَنْ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلْتُهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ صَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تَقُولُ مَنْ أَنْتَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي حَبِطَ عَمَلُهَا وَلَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تَثُوبَ وَتُرْجَعَ وَتَعْتَلِرَ إِلَيَّ زَوْجِهَا. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۱۵۱۶)

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

هـ) پاسداشت حقوق و اخلاق

۱. پاسداشت حقوق

اسلام به رعایت حقوق و مسئولیت‌پذیری افراد^۱ تأکید شدید دارد و کسانی را که مسئولیت‌پذیر نیستند، نکوهش می‌کند. با پیوند زناشویی میان زن و مرد، حقوق و وظایف متقابلی برعهده‌ی آنان گذاشته می‌شود که ملزم به رعایت آنها هستند. سرپرستی و مدیریت خانواده، پرداخت مهریه، تأمین نفقه، تهیه مسکن مناسب، اکرام و مدارا و مراقبت‌های دینی و اخلاقی از وظایف شوهر به شمار می‌رود. اما زن نیز وظایفی دارد که در این جا به صورت کوتاه بیان می‌شود.

۱-۱. اطاعت

یکی از حقوق شوهر بر زن، اطاعت از اوست. اطاعت در لغت به معنای پیروی، فرمان بردن و گردن نهادن همراه با فروتنی و رغبت است.^۲ زنی به نام خوله، خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و گفت: «من خود را برای شوهرم همانند عروسی که به خانه‌اش می‌برند، معطر می‌سازم و به بسترش می‌روم؛ ولی او به من پشت می‌کند. آن‌گاه به مقابل او می‌روم؛ ولی باز هم به من پشت می‌کند؛ به طوری که فکرمی‌کنم از من نفرت دارد. ای پیامبر خدا! می‌فرمایید چه کنم؟ پیامبر فرمود: پروای خداوند در پیش گیر و از شوهرت اطاعت کن.»

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ هر یک از شما که [به گونه‌ای] سرپرست است، درباره زبردستش بازخواست می‌شود... مرد سرپرست خانواده خویش است و درباره‌ی آن‌ها از او بازخواست می‌شود. زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و درباره‌ی آن‌ها از او سؤال خواهد شد. (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴)

۲. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه اطاعت؛ راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، ص ۵۲۹.

در ادامه حدیث، پیامبر خدا ﷺ برخی از مصادیق اطاعت را بیان می‌کنند: «... خوله گفت: و حق او بر من چیست؟ فرمود: حق او بر تو این است که از خانه‌اش جز با اجازه‌ی او بیرون نروی^۱ و جز با اجازه‌ی او روزه مستحبی نگیری و از [اموال] خانه‌اش جز با اجازه‌ی او صدقه ندهی و اگر [حتی] بر پشت پالان [چهارپا] سوار بودی و تورا خواست، اجابتش کنی.»^۲

زنی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: من فرستاده‌ی زنانم و هر زنی که بداند یا نداند که من نزد شما آمده‌ام، از این عمل خشنود است. خداوند، پروردگار مردان و زنان است و شما پیامبر آنان. خداوند جهاد را بر مردان واجب ساخته که مردان از آن ثواب بَرند و اگر به شهادت رسند، نزد خدا روزی دارند. در قبال این چه چیزی به زنان داده شده؟ فرمود: شناخت حقوق شوهر و فرمانبرداری از آنان جهاد است؛ ولی اندکی از زنان چنین کنند.^۳

۱. البته سخن بالا بدین معنا نیست که برای هر بار بیرون رفتن، از شوهر اجازه بگیرد، بلکه اگر بداند شوهرش با بیرون رفتن او مشکل ندارد، کافی است. بعضی از مراجع نیز گفته‌اند در واجبات و ضروریات زندگی، اجازه لازم نیست. (برای توضیح بیشتر، رک: فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۲۵؛ صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۲۴۲۱؛ امام خمینی، استفتائات، ج ۳، حقوق زوجیت، ص ۱۶؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۱۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ۲۴۷۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۲۴۰۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۳۳۷؛ تبریزی، توضیح المسائل، م ۲۴۲۱؛ مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، ص ۹۶۳)
۲. قَالَ حَقُّهُ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخْرِجِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تُصَوِّمِي تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَتَّصِدْفِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ دَعَاكَ عَلَى ظَهْرٍ فَتَبِّئِيهِ. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۶۰۵)
۳. و جاتته رسول الله ﷺ امرأة فقالت: انى رسولة النساء اليك والله ما منهن امرأة علمت او لم تعلم الا وهى تهوى مخرجى اليك. الله رب الرجال والنساء واله هن، وانت رسول الله الى الرجال والنساء، كتب الله الجهاد على الرجال فان اصابوا اجره وان استشهدوا كانوا احياء عند ربهم يرزقون فما يعدل ذلك من النساء قال: طاعتهن لارواجهن والمعرفة بحقوقهم وقليل منكن يفعله. (الهندي، كنز العمال، ج ۵، ص ۸۶۲)

۲-۱. تمکین

تمکین، یعنی زن به وظایف زناشویی خود در برابر شوهر خود عمل کند و خواسته‌های جنسی مشروع او را برآورده سازد و ممانعت ننماید.^۱ حق بهره‌گیری جنسی از همسر، مهم‌ترین حق شوهر بر زن است و با صرف نظر از برخی استثناها، به ویژه موارد ضرر داشتن ارتباط جنسی برای زن، محدودیت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است.^۲ به همین دلیل، در کنار عقیف بودن زن، برخورداری وی از شهوت جنسی نیز ویژگی همسر مطلوب به شمار آمده است.^۳

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

برای هیچ زنی، روا نیست که بخواهد، مگر این که [پیش از آن] خودش را به شوهرش عرضه کند. جامه‌هایش را در آورد، در بستر او در آید و پوست خود را بر پوست او بچسباند. اگر چنین کند، پس خود را عرضه کرده است.^۴

این روایت نشان می‌دهد که تنها تمکین خشک و بی‌روح، تأمین‌کننده‌ی نیاز نیست و همسر باید با اشتیاق به شوهر خود نزدیک شود. البته وظیفه‌ی تأمین نیاز غریزی، متوجه شوهر نیز هست. در روایات از این‌که مرد نیاز خود را بر طرف سازد و بدون برآورده ساختن نیاز همسر، از وی فاصله گیرد، نهی شده است.

۱. خوبی، صراط النجاة، ج ۳، ص ۲۴۹، سؤال ۷۳۸.

۲. بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۲۶.

۳. عن النبی ﷺ: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْعَلِيمَةُ فِي فَوْجِهَا الْعَلِيمَةُ عَلَى زَوْجِهَا؛ بهترین زنان شما زنی است که عقیف و برای همسرش برخوردار از شهوت باشد. (الراوندی، النوادر، ص ۱۳)

۴. عن النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَا يَجِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَنَامَ حَتَّى تُعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى زَوْجِهَا تَخْلَعُ ثِيَابَهَا وَتَدْخُلُ مَعَهُ فِي لِحَافِهِ فَيُلْبِسُ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضَتْ. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۶)

۳-۱. رعایت عفاف و حیا در معاشرت با نامحرم

واژه‌ی عفاف از ریشه «عَفَّ» به معنای «خودداری از حرام و پرهیز از سخن یا عمل ناپسند»^۱ و «پارسایی و پرهیزکاری»^۲ معنا شده است. حیا نیز «محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نكوهش و سرزنش است و آن اعم از تقواست؛ زیرا تقوا اجتناب از گناهان شرعی است، و حیا اعم است از این و اجتناب از آن چه عقل و عرف نیز زشت و ناپسند می‌دانند و این از صفات شریف نفس است.»^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْحَيَّةِ؛^۴ حياء از (لوازم) ايمان و ايمان (يعني) شخص با ايمان در آخرت) در بهشت است.

نیز می‌فرماید:

بهترین زنان شما کسی است که چون با همسرش خلوت کند، جامه‌ی حیا از خود برکند و چون بیوشد و همراه او شود، زره حیا را برتن کند.^۵

حضرت بهترین زن را کسی می‌داند که چنان با وقار و سنگین راه برود که تیره‌های نظر جوانان هرزه، اجازه ورود به شخصیت او را نداشته باشد؛ ولی در خلوت با شوهر، هرگونه ظرافت‌کاری، طنّازی و عشوه‌گری برای زن نه تنها

۱. العفة: الكفُّ عما لا يحلَّ وَيَجْمَلُ. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۳).

۲. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۰۸۱.

۳. الحياء وهوانحصار النفس وانفعالها من ارتكاب المحرمات الشرعية والعقلية والعادية حذرا من الذم واللوم، وهو اعم من التقوى، إذ التقوى اجتناب المعاصي الشرعية، والحياء يعم ذلك واجتناب ما يقبحه العقل والعرف أيضا، فهو من شرائف الصفات النفسية. (نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۷)

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دُرْعَ الْحَيَاءِ وَإِذَا لَبِسَتْ لَبِسَتْ مَعَهُ دُرْعَ الْحَيَاءِ. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۹)

جایز، بلکه بهتر است. عفت در روابط جنسی، پوشش^۱، خودنمایی^۲، نگاه^۳ و عفت در راه رفتن از مصادیق مهم عفت به شمار می‌روند.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که:

شخص نابینایی از حضرت فاطمه علیها السلام اذن خواست تا داخل خانه شود. فاطمه علیها السلام خود را از او پنهان کرد. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: به چه سبب خود را پنهان کردی و حال آن که این مرد نابینا تو را نمی‌بیند؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم. اگر در پرده نباشم، بوی مرا استشمام می‌کند. حضرت فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره‌ی تن من می‌باشی.^۴

یکی از نمونه‌های قرآنی حیا و عفاف، دختران حضرت شعیب و ماجرای برخورد آنان با حضرت موسی علیه السلام است. وقتی که موسی علیه السلام از چنگال فرعونیان گریخت و پس از طی مسیر طولانی و با پای پیاده به شهر «مدین» رسید، گروهی را دید که برای آب دادن به گوسفندانشان، گرد چاه اجتماع کرده بودند. کمی دورتر از آنها دو دختر را مشاهده کرد که از پراکنده شدن و مخلوط شدن گوسفندان خود با دیگر گوسفندان جلوگیری می‌کردند. موسی علیه السلام از آنان پرسید: چه می‌کنید؟ گفتند: ما گوسفندان خود را آب نمی‌دهیم تا آن که چوپان‌ها از آب دادن گوسفندان خود فارغ شوند؛ یعنی عادت ما این است و پدرمان پیرمردی سال خورده است که نمی‌تواند خودش برای آب دادن به گوسفندان بیاید؛ از

۱... وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: اگر آنها نیز (با پوشش خود) عفت پیشه کنند، برای خودشان بهتر است. (نور، آیه ۶۰)

۲. وَقَوْنٌ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...؛ و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکارا نکنید. (احزاب، آیه ۳۳)

۳. علی علیه السلام: وَمِنْ وَرَعِهِ عِفَّةٌ بَصْرَهُ وَعِفَّةٌ بَطْنِهِ: از تقوای شخص، عفت او در نگاه و شکم است. (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۰)

۴. راوندی، النوادر، ص ۱۱۹ و قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۶۱.

این رو، ما این کار را می‌کنیم.^۱ موسی علیه السلام که از گفتار آن دو دختر فهمیده بود که کناره‌گیری آنان از آب دادن به گوسفندان، هم به دلیل نوعی حُجُب و حیا و عفت آنان و هم به خاطر ستم مردم به آن دو است، پیش رفت و برای آنها آب کشید و گوسفندان ایشان را سیراب کرد.^۲ هنگامی که دختران بازگشته و ماجرا را برای پدرشان نقل کردند، او یکی از آنان را به دنبال موسی علیه السلام فرستاد تا مزد آب کشیدن از چاه را به او بدهد. یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام برمی‌داشت و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد، به سراغ او رفته و به او گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد.^۳ در این جا، نحوه‌ی گام برداشتن دختر شعیب، آن چنان با حیا توأم بود که خداوند نحوه‌ی راه رفتن او را در قرآن متذکر شد^۴ و از آن جا که کلمه‌ی «استحیاء» را نکره و بدون الف و لام ذکر کرد، عظمت آن حالت را نیز به نمایش گذاشت. قرآن کریم با بیان این ماجرای کوتاه، صحنه‌های بزرگی از حیای دختران شعیب در روبه‌رو شدن با نامحرمان را به تصویر کشیده است. اما جالب آن است که در فرهنگ قرآن، «حیا» مفهوم خاص خود را دارد و با خجالت و شرم بی‌مورد که به اشتباه، بعضی آن را حیا نامیده‌اند، متفاوت است. برخی می‌پندارند که حیای زن در آن است که در

۱. وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا تَسْفَىٰ حَتَّىٰ يُضَوِّرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. (قصص، آیه ۲۳)

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴.

۳. فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَعَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (قصص، آیه ۲۵)

۴. طباطبایی، همان، ص ۳۵.

کنج خانه پنهان شده، هرگز سخنی با مردان بیگانه نگوید، راه علم و دانش را نیپوید و تنها به انجام وظایف خانه داری بپردازد؛ حال آن که شیوهی زندگی زنانی که قرآن آنان را ستوده، این چنین نبوده؛ بلکه زنی که با آموزه‌های انبیا رشد نموده، موجودی است که بنای نظراتش را با ساختار مستحکم فکری بنا کرده، راه علم و دانش را در پیش گرفته، بر مبنای علم عمل نموده و آن چه را که درست می‌داند، آزادانه بیان می‌کند.

همین داستان دختران شعیب، به خوبی مرز میان حیای بجا و حیای نابجا را مشخص می‌سازد. دختران شعیب با حفظ عفاف کامل خود، وارد صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی شده و در جایی که پدرشان قدرت انجام کار ندارد، مسئولیت سنگین اداره‌ی اقتصادی خانواده را عهده‌دار می‌شوند و آن‌گاه که موسی علیه السلام در مورد علت آب ندادن به گوسفندان سؤال می‌کند، با کمال متانت و وقار به او جواب می‌دهند و حتی، آن‌گاه که قرار شد شعیب علیه السلام مزد آب دادن موسی علیه السلام را بدهد، یکی از آنان به تنهایی به دنبال موسی روانه شد و با کمال حیا و صلابت، مطلب را به موسی گفت و او را تا منزل پدر راهنمایی نمود. همه‌ی این موارد، نشان‌گر آن است که حیا و نجابت یک زن به عزلت و گوشه‌گیری و بریدن از اجتماع نیست، بلکه به آن مفهوم است که در عین حضور در صحنه‌های اجتماعی، پای بند به دستورهای دینی در مورد نحوه‌ی معاشرت باشد.^۵

۵. حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص ۸۳-۸۶.

۴-۱. امانت‌داری و حفظ اموال شوهر

زنان صالح نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او نیز از هر جهت، امانت‌دار عفت خود و اسرار و اموال خانوادگی هستند. قرآن می‌فرماید:

فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛^۱ پس زنان شایسته، زنانی خاضع [در برابر نظام خانواده]‌اند که در غیاب همسر، اسرار و حقوق او را که خدا برای او قرار داده، حفظ می‌کنند.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در این رابطه می‌فرماید:

پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هرگاه به او بنگرد، مسرورش کند و هرگاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.^۲

۲. پاسداری اخلاق

علاوه بر لزوم رعایت حقوق زن و شوهری، بهتر است نسبت به رعایت مسائل اخلاقی در خانواده بیشتر از حقوق توجه شود؛ زیرا زندگی اخلاق‌مدارانه است که دل‌های همسران را به یک‌دیگر نزدیک کرده، مهر و محبت را افزایش داده و زمینه‌های سازگاری را فراهم می‌سازد. برخی از نکات اخلاقی که شایسته است زن نسبت به شوهر خود مراعات کند، عبارتند از:

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹، ح ۴۳۶۸.

۲-۱. احترام متقابل

در سفارش مقام معظم رهبری دام‌ظله به زوج‌های جوان آمده است:
زن و شوهر باید به یک‌دیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی، بلکه احترامی واقعی.^۱

احترام به این معنا نیست که مثلاً هم‌دیگر را با القاب و آداب صدا کنند، بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگهدارید؛ برای هم حرمت قایل باشید؛ این در اداره‌ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.^۲

حضرت خدیجه علیها السلام به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد، از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن‌گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این‌گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «إِلَى بَيْتِكَ، فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَ أَنَا جَارِيَتُكَ»^۳ به خانه‌ی خودتان وارد شوید، خانه‌ی من، خانه‌ی شماست و من کنیز شما هستم». البته این همه احترام و پاس‌داشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس.^۴

حجت الاسلام والمسلمین فرحزاد از یکی از اساتیدشان چنین نقل می‌کند:

۱. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۰/۱/۲.

۲. همان، ۱۳۷۱/۹/۱۹.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴.

۴. «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»، مجله میلغان، ش ۲۳، آذر ۱۳۸۰.

خانواده‌ای را که شما تشکیل می‌دهید، آن را شعبه‌ای از خانواده اهل بیت بدانید. خانم به همسرش به قصد احترام به امیرالمؤمنین علی و آقا به قصد احترام به حضرت فاطمه علیها السلام همسرش را خدمت کند. چون شیعیان از اهل بیت هستند. روایات فراوانی به این مضمون داریم که می‌گویند: اگر کسی به ما دسترسی ندارد، به دوستان ما محبت کند.^۱

استاد سید صدرالدین حائری شیرازی می‌گوید:

روزی همسر استادم [علامه طباطبایی] می‌گفت: «هنوز هم میان من و ایشان تعارفات مرسوم وجود دارد و علامه تاکنون با تعبیر سبکی نام مرا نبرده و هرگز اسم مرا به تنهایی نمی‌برد.» بی‌جهت نیست که علامه در مرگ چنین همسر فداکار و همدلی اشک می‌ریزد، ناله سر می‌دهد و بعد از فوت او می‌گوید: «وقتی این بانو از دنیا رفت، زندگی من زیر و رو شد.»^۲

۲-۲. ابراز عملی محبت

همسر مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی درباره‌ی رفتارهای محبت‌آمیزشان با یک‌دیگر چنین تعریف می‌کند:

بچه‌ها هم پدرشان و هم مرا قبول داشتند. هیچ‌وقت جلوی بچه‌ها بحث و برخوردی نداشتیم. البته پشت سر هم همین‌طور بود. همیشه به تفاهم می‌رسیدیم؛ در حالی که خیلی جاها هم تفاوت داشتیم. ... در تمام سختی‌ها، مشکلات و بیماری‌های ایشان، در کنارشان بودم. بیماری اخیراً که همه دیدند، ولی قبلاً پیش می‌آمد که مثلاً در سی‌سی‌یو پنج شب و پنج روز غیر از وقت نماز، تمام مدت روی صندلی در کنار ایشان می‌نشستم که ایشان هر بار چشمشان را باز می‌کنند، ببینند تنها نیستند و من در کنارشان هستم. در مسافرت‌ها وقتی مشکلی پیش می‌آمد، با وجود این‌که مردها خیلی

۱. معاونت تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مجله خانه خوبان، ش ۱۹، ص ۸.

۲. نظری، آن مرد آسمانی، ص ۵۶.

ابراز نمی‌کنند، ولی همه می‌دانستند و می‌گفتند: خانمشان را بگویید بیاید. چند سال قبل در لبنان، که از طرف رهبری برای تشییع جنازه مرحوم شیخ محمد مهدی شمس‌الدین رفته بودند و در اثر دیدن "زندانیان خیام" و شکنجه‌ها، مشکلی قلبی برایشان پیش آمده بود، فوراً گفتند: دنبال خانمشان بفرستید! وقتی خبر را شنیدم، حس کردم دیگر تمام کردم و انگار قلبم ایستاد! چون فکر کردم ایشان در آن جا از دست رفته‌اند! یا مثلاً سال‌ها قبل از آن و در دوران رژیم گذشته که در زندان بودند، ایشان در آن طرف دیوارهای زندان رنج می‌کشیدند و من این طرف و دل همه سربازها و مأمورها برای من و فرزندانم می‌سوخت! چون واقعاً پرو بال می‌زدیم تا شاید بتوانیم ایشان را ببینیم.^۱

همسر شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید:

بعد از چندین سال زندگی، همان مهر و محبت روزهای اول ازدواج بین ما برقرار بود.^۲

دختر شهید مطهری رحمته‌الله در خاطره‌ای می‌گوید:

شاید اگر بگویم محترمانه‌ترین رفتاری که در ذهنم نقش بسته، رفتار متقابل پدر و مادرم بوده، اغراق نکرده‌ام. مادرم زنی فهیم، کوشا، تحصیل کرده و نیز اهل علم و معرفت و شعر بودند. با تمام وجود، موقعیت پدرم را درک می‌کردند و متقابلاً پدرم نیز رفتاری بسیار محبت‌آمیز و صمیمی با ایشان داشتند.^۳

۳-۲. آراستگی

حفظ آراستگی ظاهری و رسیدگی به وضعیت جسمی، از جمله اموری است که به سلامت اخلاقی خانواده می‌انجامد. خداوند زن را به گونه‌ای آفریده که در پی ابراز زیبایی است و مرد را نیز به گونه‌ای آفریده که خریدار

۱. «گفت وگویی خواندنی فارس با همسر آیت‌الله مهدوی کنی»، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۷/۲۱.

۲. سرگذشت‌های ویژه، به روایت جمعی از یاران، ج ۲، ص ۱۰۹.

۳. محمدی صیفا، مشق عشق، ص ۴۸؛ به نقل از خانم سعیده مطهری (دختر شهید مطهری).

این زیبایی است و این امر، یکی از عوامل مهم در تحکیم روابط زناشویی می‌باشد. در آموزه‌های دینی به آرایش زن برای شوهرش، سفارش‌های زیادی شده و در حدیثی از پیامبر خدا ﷺ آمده است:

اگر زن خود را برای شوهرش نمی‌ساخت، بی‌گمان در دل او جا نمی‌گرفت.^۱

البته آرایش زن برای غیر شوهر جایز نیست، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای حواء! زیور خود را برای غیر شوهرت نمایان مساز. ای حواء! برای هیچ زنی حلال نیست که میچ و پای خویش را برای مردی جز شوهرش آشکار سازد. هرگاه چنین کند، پیوسته مورد لعنت و ناخشنودی خدا قرار می‌گیرد و خداوند بر او خشم می‌گیرد و فرشتگان خدا لعنتش می‌کنند و برایش عذابی دردناک آماده می‌سازد.^۲

خانم زهرا مصطفوی، دختر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، نقل می‌کند که: [امام خمینی] در عقد دختر خواهرم در غیاب داماد به او گفتند: «توجوری منزل را آماده کن و در منزل مهیا باش که شوهرت وقتی یادت می‌آید که می‌خواهد بیاید منزل، باشوق و ذوق بیاید؛ طوری نباشد که با اکراه بیاید.»^۳ البته منظور این نیست که زن در این مورد خود را به زحمت و سختی اندازد یا وقت زیادی را صرف این کار نماید، بلکه کافی است در حد معقول و متعارف به آراستگی خود اهمیت بدهد و به تنوع در این امر اهتمام بورزد؛ گرچه به طور معمول زن‌ها در دوران عقد و اوایل ازدواج، این‌گونه مسائل را رعایت می‌کنند؛ ولی اغلب بعد از ازدواج و با گذشت زمان، این امر فراموش

۱. لَوْلَا أَنَّ الْمَرْأَةَ تَصَنَّعَ لِزَوْجِهَا لَصَلَفَتْ عِنْدَهُ. (محمدی‌ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۳۸۷)

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ح ۱۶۶۰۴، ص ۲۴۲.

۳. سبزیان، زندگی به سبک روح‌الله، ص ۹۲.

می‌شود و مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؛ امری که می‌تواند به زندگی صفا بدهد، جلب محبت کند و موجب پای‌بندی بیشتر مرد به همسر خود شود. در منابع اسلامی به برخی از مصادیق خودآرایی بانوان برای همسران خود اشاره شده است. استفاده خانم‌ها از گردن‌بند،^۱ خوشبو کردن خود برای همسر،^۲ به‌کارگیری رنگ برای تزیین دست‌ها،^۳ بلند نگه‌داشتن ناخن‌ها،^۴ رسیدگی به موها و به‌طور خلاصه هرآن‌چه که به آراستگی و زیبایی زن در برابر همسر می‌افزاید، مورد سفارش اولیای دین قرار گرفته است.^۵

بانوی مجتهد «نصرت امین» درباره‌ی وظایف بانوان نسبت به شوهرانشان می‌گوید:

چقدر ثواب و فضیلت است برای زنی که در غیاب شوهر، منزل خود را پاکیزه نماید و مایحتاج زندگانی از قبیل تغذیه و لوازم آسایش را مرتب گرداند و خود را زینت کند و هنگام ورود شوهر، با صورت بشاش او را استقبال نماید ... خلاصه، وظیفه زن این است که سعی نماید شوهر در منزل آسایش داشته باشد و کمتر عملی برای زن به قدر وظیفه‌شناسی و مراعات حق شوهر فضیلت دارد.^۶

۱. همان.

۲. مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۳۹۶.

۴. همان، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸.

۵. مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۱۰۵.

۶. همایونی، زندگانی بانوی ایرانی، ص ۲۳۸-۲۳۹.

۴-۲. عیب پوشی

خداوند، زن و شوهر را نسبت به یکدیگر، تشبیه به لباس می‌کند؛ چنان‌که لباس، محافظ بدن است و عیب‌های انسان را می‌پوشاند، زن و شوهر نیز نسبت به هم باید چنین باشند. اگر زن عیبی از شوهر خود ببیند و آن عیب را به دیگران، حتی به پدر و مادرش بگوید، هم شوهرش را رسوا کرده و عیب او را آشکار ساخته و هم عیب خودش را که وصله‌ی تن شوهر است.

در این زمینه مقام معظم رهبری دامنه‌السلامه می‌فرماید:

اگر دیدید که همسرتان یک نقطه عیبی دارد - هیچ انسانی بی‌عیب نیست - و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم هم‌زمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند. آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد. پس بنا بگذارید بر تحمل. اگر چنان‌چه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید.^۲

خانمی می‌گفت: «برای اولین بار بود که با همسر من به بیرون از منزل می‌رفتیم. من از او خواستم مرا به جای دیدنی خاصی که سخت علاقه داشتم ببرد. او گفت جای دیگری را انتخاب کن که هزینه‌اش کمتر باشد و من جای دیگری را انتخاب کردم؛ اما وقتی به خانه برگشتیم، بلافاصله اعضای خانواده از من پرسیدند که کجا رفتید و پسر چطوری بود؟ من هم برای آنها عین واقعه را نقل کردم و آنها گفتند پس معلوم می‌شود که خسیس است و اگر خست نداشت، لااقل برای اولین بار باید خواسته‌ات را اجابت می‌کرد. تصور خانواده درباره‌ی او این‌گونه شکل گرفت و رفتارهای بعدی

۱. «هُنَّ لِيَأْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسَ لَهُنَّ»؛ ایشان پوششی برای شما و شما پوششی هستید برای آنان. (بقره، آیه ۱۸۷)

۲. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۸/۴/۹.

او همیشه از این زاویه، تجزیه و تحلیل می‌شد. خودم هم از این موضوع ناراحت شده بودم؛ تا این که دفعه‌ی بعد مرا به همان محل مورد نظرم برد و گفت: راستی دلم می‌خواست دفعه‌ی قبل تو را به این جا بیاورم؛ ولی موقعی که لباس‌هایم را تعویض می‌کردم، یادم رفت پولی را که برای گردش در جیب پیراهنم گذاشته بودم، بردارم و به خاطر این بود که نتوانستم تو را به جای دلخواهت ببرم. بعدها هم که شوهرم را به خوبی شناختم، دیدم نه تنها خسیس نیست، بلکه دارای ملکه‌ی سخاوت نیز هست. اما مشکلی که هنوز دارم این است که خانواده‌ام بر اساس همان گزارش اولیه، او را خسیس و مُمسک می‌دانند و تا کنون هر چه تلاش کرده‌ام، متأسفانه این تصور غلط اصلاح نشده است. ای کاش کمی صبر کرده بودم و تا این حد عجله نکرده بودم»!

به دلیل اهمیت عیب‌پوشی و رازداری است که امام صادق علیه السلام به ابراهیم رضی الله عنه فرمود:

بنگر که شخصیت خود را در چه موضعی می‌نهی و چه کسی را شریک امالت می‌سازی و از دین و راز خود آگاهش می‌سازی؟^۲ (یعنی مواظب باش زنی انتخاب کنی که راز نگه‌دار و عیب‌پوش باشد).

حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر حسینی در این باره می‌گوید:

من شیراز بودم، آقایی به من گفت که من اخلاق بدی دارم و خانم مدت‌ها است می‌گوید: من آقای حسینی را ببینم، می‌دانم که از تو چه بگویم. تو بیا

۱. حسین خانی، الگوهای خانواده اخلاقی، ص ۹۳-۹۴؛ به نقل از: ایمانی، بررسی ابعاد تربیتی و روان‌شناختی دوران عقد، ص ۶۸-۶۹.

۲. انظروا این تَضَعُ نَفْسَكَ وَمَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَتُظْلَعُهُ عَلَى دِينِكَ وَسِرِّكَ. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۳)

خانه من و بگذار خانم ما هر چه می خواهد بگوید. یک روز ظهر مرا دعوت کرد و خانمش را صدا کرد و گفت: خانم، بگو آن چه که می خواستی درباره من به استاد حسینی بگویی. خودش هم مثل یک محکومی که منتظر اعدام است نشست. این خانم خیلی زن فهمیده ای بود. شروع کرد محاسن این آقا را گفتن. خیلی از او تعریف کرد. هرگاه سخنش اوج می گرفت سر و سینه ی آقا کمی به حالت عادی برمی گشت. در نهایت خانم گفت: من فقط می خواستم در این جلسه از ایشان تشکر کنم. پس از مدتی این آقا گفت: خانم من طرحی ریخت که هر چه بدی در وجود من بود، خاموش شد.^۱

۵-۲. قدرشناسی و پرهیز از مقایسه ی شوهر با دیگران

مقایسه کردن همسر با دیگران و به زُخ کشیدن نقاط قوت آنان در برابر وی، از جمله اموری است که به صمیمیت روابط بین همسران آسیب می زند. در این گونه موارد، فرد دیده ی خود را از مشاهده ی نقاط قوت همسر فرو بسته و در عوض به نقاط قوت دیگران متوجه می شود. در واقع آن چه در مقایسه اتفاق می افتد، مقایسه نقاط ضعف همسر با نقاط قوت دیگران هست و نتیجه چنین مقایسه ای همیشه احساس دلسردی و نارضایتی از همسر خواهد بود و از سوی دیگر موجب سرخوردگی و اذیت شوهر گشته و باعث می شود که وی گمان کند جایگاه ارزشمندی در نزد شریک زندگی اش ندارد.

برای مثال، خانم دوست دارد چند روزی برای زیارت به مشهد بروند. اما همسرش تمایلی برای مسافرت نشان نمی دهد. در این هنگام زن ناراحت شده و می گوید: از شوهر فلانی یاد بگیر، سالی چند بار خانواده اش را به

۱. «مدارا در خانواده: سلسله گفتارهای اخلاقی و تربیتی»، شماره ۳۷، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۱۹-۲۰.

مشهد می برد، ما که تو شوهر شانس نداشتیم! خوش به حال فلانی! شوهرش خیلی خانواده دوست است و ... زن با بیان این حرف ها به شدت همسرش را آزرده خاطر کرده و اقتدار او را زیر سؤال می برد و زمینه را برای پرخاشگری و بد خلقی او فراهم می کند.

مقایسه می تواند شکل های مختلفی داشته باشد، مانند: مقایسه وضعیت ظاهری، وضعیت مالی و شغلی، وضعیت خانوادگی، وضعیت علمی و تحصیلی، موقعیت اجتماعی و ... اما باید دانست که نه زن و نه مرد هیچ کدام انسان کامل، معصوم و بی عیب و نقص نیستند و همه ی انسان ها مجموعه ای از نقاط ضعف و قوت هستند و هر زندگی، ویژگی ها و اقتضائات خاص خودش را دارد. ممکن است کسی را که با همسر خود مقایسه می کنیم، ضعف ها و عیب های بیشتری از همسر خودمان داشته باشد که از دیده ی ما پنهان هستند.

از سوی دیگر، وقتی ما همسرمان را با دیگران مقایسه می کنیم و کمبودهای زندگی مان را برجسته می کنیم در واقع از نعمت های بی شماری که خداوند به ما ارزانی داشته، غفلت نموده ایم و شکر آنها را به جای نیاورده ایم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

روزی حضرت داوود علیه السلام از خداوند متعال درخواست کرد تا همنشین خود در بهشت را ببیند. پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی کرد که او، ابویونس متی است و داود نبی علیه السلام همراه فرزندش سلیمان به دیدار او رفتند. حضرت می خواستند بدانند که ویژگی های ممتاز این فرد چیست که هم نشین او در بهشت شده است. وقتی به خانه اش رسیدند، دیدند خانه ای بسیار ساده و محقر دارد. از همسرش سراغ او را گرفتند که گفت: «برای شکستن هیزم به

جنگل رفته است». آنها به دنبالش رفتند که دیدند پشته‌ای هیزم بردوش گرفته و برای فروش آن به بازار می‌رود. هیزم‌ها را فروخت و با پول آن مقداری گندم خریداری کرد. حضرت داوود جلورفت و بعد از سلام، خود را معرفی نمود. مرد که از دیدن داوود نبی در پوست خود نمی‌گنجید، با اشتیاق به روی مبارک پیامبر الهی می‌نگریست و از این که افتخار هم صحبتی با پیامبر بزرگ الهی شامل حالش شده، اظهار خشنودی می‌نمود.

حضرت داوود خواست که مهمان مرد شود و مرد هم با خوشحالی آنها را به خانه‌اش دعوت نمود و با یک دیگر به سمت خانه‌ی مرد به راه افتادند. مرد گندم‌ها را آرد کرد و بعد از تهیه‌ی خمیر، چند قرص نان پخت نمود. سفره‌ای پهن کرد. درون سفره سه قرص نان و مقداری آب بود. با یک دیگر مشغول صرف غذا شدند. مرد، هر لقمه‌ای برمی‌داشت، «بسم الله» می‌گفت و وقتی لقمه‌ها را می‌خورد، «الحمد لله» بر زبان جاری می‌نمود. وقتی غذا تمام شد دست به سوی آب برد و آب را هم بدین منوال میل نمود. آن‌گاه دست به آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! به چه کسی همانند من نعمت دادی! چشم و گوش و بدن سالم به من دادی. درخت‌های جنگل را روزی من کردی در حالی که کاری برای آنها انجام نداده بودم. وقتی هیزم‌ها را به بازار بردم، بر دل شخصی انداختی تا هیزم‌ها را از من بخرد و اگر چنین نمی‌کردی، هفته‌ها هم می‌نشستم کسی از من نمی‌خرید. با پول آن گندمی خریدم که دیگری آن را کاشته بود و کاری برای آن انجام نداده بودم. تو آتش را برای من مسخّر کرده‌ای، تا با آن غذا را طبخ کنم و مرا طوری آفریده‌ای که با میل و رغبت آن غذا را بخورم، تا توان بندگی تو را داشته باشم؛ پس سپاس تو را. مرد آن قدر گفت تا اشک بر چشمانش حلقه زد.

حضرت داوود که به راز تقرب او به درگاه الهی پی برده بود، به فرزندش سلیمان فرمود: «پسرم بلند شو برویم که من در تمام عمرم بنده‌ای به این شکرگزاری ندیده‌ام!»^۱.

۶-۲. صداقت و پرهیز از دروغ‌گویی

صداقت میان زن و شوهر، مهم‌ترین عامل تحکیم خانواده به شمار می‌رود؛ زیرا همان‌طور که راستی، انسان را نجات می‌دهد و دروغ او را به سقوط می‌کشاند، راستی میان زن و شوهر، پایه‌های خانواده را استحکام می‌بخشد و دروغ، آن را در پرتگاه سقوط قرار می‌دهد.^۲ دروغ با از بین بردن اعتماد

۱. إِنَّ دَاوُدَ ۞ قَالَ يَا رَبِّ أَحْبَبْتَنِي بِعَرِينِي فِي الْجَنَّةِ فِي قَضِي فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ أَنْ ذَلِكَ مَتَى أَبُو يُوسُفَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ تَعَالَى فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَخَذَ يَبْدَ وَوَلَدِهِ سُلَيْمَانَ حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَبَدَا هُوَ بِبَيْتٍ مِنْ سَعْفٍ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ إِنَّهُ فِي الْحَطَايِينِ يَطْعُمُ الْحَطَبَ وَيَبِيعُهُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِيهِ إِذْ أَقْبَلَ وَعَلَى رَأْسِهِ حُرْمَةٌ مِنْ حَطَبٍ فَأَلْقَاهَا عَنْهُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي طَيِّبًا بِطَيِّبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَاشْتَرَاهُ آخِرُ فَدَنَيْتَا مِنْهُ وَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَابْتَاعَ بِمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ وَضَعَهُ بَيْنَ حَجْرَيْنِ قَدْ أَعَدَّهُمَا لِذَلِكَ وَطَحَنَهُ ثُمَّ عَجَنَهُ فِي نَقِيرِ لَبَةٍ ثُمَّ أَجَّجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا بِالْحَطَبِ ثُمَّ وَضَعَ الْعَجِينَ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ هُنَيْهَةً ثُمَّ نَهَضَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّفِيرِ وَفَلَقَهَا وَوَضَعَ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَانِبِهِ مِظْهَرَةً فِيهَا مَاءٌ وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً وَكَسَرَهَا وَوَضَعَهَا فِي فِيهِ وَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * فَلَمَّا ارْتَدَّهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأَخْرِي ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَقَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِذْ صَحَّحْتَ بَدَنِي وَسَمِعْتَنِي وَجَوَّجْتَنِي وَقَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى شَجَرٍ لَمْ أَغْرِشْهُ بِبَدِي وَلَا زَرَعْتُهُ بِقُوَّتِي وَلَمْ أَهْتَمَّ بِحِفْظِهِ فَجَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَأَعْنَيْتَنِي عَلَى قَطْعِهِ وَحَفْلِهِ وَسَقْتُ إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي وَاشْتَرَيْتُ بِبَعْنِيهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَلَمْ أَنْعَبْ فِيهِ وَسَعَوْتُ لِي حَجْرًا طَحَنْتُهُ وَنَارًا أَنْضَجْتُهُ وَجَعَلْتَ لِي شَهْوَةً قَابِلَةً لِذَلِكَ فَصَوَّرْتَ أَكْلَهُ بِشَهْوَةٍ وَأَقْوَى بِذَلِكَ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا ثُمَّ بَكَى بُكَاءً عَالِيًا فَقَالَ دَاوُدُ لِإِبْنِهِ سُلَيْمَانَ يَا بُنْتَى يَحِقُّ لِمِثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الشَّاكِرِ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْمَنْزِلَةِ الْكُبْرَى فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ أَرْ عَبْدًا أَشْكُرُ مِنْ هَذَا. (متن فارسی با اندکی ویرایش به نقل از: مجموعه ورام، ص ۴۳-۴۵)

۲. ۴۵ و متن عربی به نقل از: دلیلی، (إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰)

۲. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۞: أَلَا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَجَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ أَلَا وَإِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَفَا مِخْجَاةٍ وَكَرَامَةِ أَلَا وَإِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا مِخْجَاةٍ وَهَلَكَةٍ؛ رَاسِتٌ بَكُوَيْدِ كِهْ خَدَاوَنَدٌ بَا رَاَسْتَكُوِيَانِ مِي‌بَاشَد. اَزْ دَرُوغِ دُورِي كَنِيد كِهْ دَرُوغِ بَا اِيْمَانِ مِغَايِرِتْ دَارَد. رَاَسْتِي آدَمِي رَا اَزْ لَغْرَشْ نِجَاتِ مِي‌دِهْد وَگَرَامِيشْ مِي‌دَارَد، وَلِي دَرُوغِ اَنَسَانِي رَا بَهْ سَقُوْطِ مِي‌كِشَانَد وَهَلَاكِ مِي‌كِنَد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۰)

دو طرف، محبت میان آنان را از بین می‌برد و همین امر، بنیان خانواده را فرومی‌پاشد. به همین جهت است که این ویژگی به کامل‌ترین شکل در معصومان عليهم‌السلام وجود داشته است. عایشه گوید:

پس از رسول خدا ﷺ، هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم.^۱

مقام معظم رهبری دام‌ظله می‌فرماید:

اگر زن احساس کرد شوهرش به او دروغ می‌گوید یا مرد احساس کرد که زنش به او دروغ می‌گوید و هر کدام احساس کردند دیگری در اظهار محبت صادق نیست، این دیگر پایه‌های محبت را سست خواهد نمود.^۲

آیت‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته درباره‌ی پرهیز از دروغ در زندگی می‌فرماید: در زندگی نه تنها مرد یا زن، بلکه هر دو باید صداقت داشته باشند، به هم راست بگویند و از دروغ گفتن به یک‌دیگر به شدت بپرهیزند تا همیشه روح اعتماد و اطمینان بر فضای خانواده حاکم باشد.^۳

۷-۲. خوش خلقی و معاشرت پسندیده

خوش اخلاقی، داشتن خوی‌های نیک در ارتباط و رفتار با دیگران به‌ویژه با شوهر است. در روایات به بعضی از مصادیق فرد خوش اخلاق اشاره شده و آمده است که دشنام نمی‌دهد، بدزبانی نمی‌کند، اهل هیاهو در کوچه و بازار نیست، بدی را با بدی پاسخ نمی‌دهد و اهل بخشش و گذشت است.^۴

امام صادق علیه‌السلام بهترین زنان را چنین معرفی کرده است:

۱. حلیمة اُبی نُعَیم و مُسند اُبی یَغلی، قَالَتْ عَائِشَةُ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَضَدَّقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَیْرَ أَبِیْهَا. (ابن شهر

آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱)

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۱/۶/۶.

۳. وافی، نسیم هدایت، ص ۴۹۳.

۴. رک: محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۲۰۴.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبَتْ أَوْ أَغْضَبَتْ قَالَتْ لِرُؤُوسِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَحِلُ بِعَمُضٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي؛^۱ بهترین زنان شما زنی است که اگر عصبانی شد یا شوهر از دست او عصبانی شد، به شوهرش بگوید: دستم در دست تو، نخواهم خوابید مگر این که از من راضی شوی!

امام خمینی قدس سره در ابتدای عقد به دختران و پسران سفارش می‌کردند: سعی کنید با هم رفیق باشید. اگر مرد هستی، در بیرون از خانه مسأله داری؛ وقتی به خانه می‌آیی، ناراحتی‌هایت را پشت در بگذار و سعی کن با لطف و مهربانی داخل خانه شوی. امام خطاب به عروس خانم‌ها می‌فرمودند: تو هم ممکن است در خانه خیلی کار کرده و خسته باشی؛ ولی نباید خستگی خودت را به شوهرت منتقل کنی. به استقبالش برو و زندگی گرمی را برای خودتان درست کنید.^۲

دختر حضرت امام قدس سره نیز در خاطره‌ای نقل می‌کند:

در ابتدای ازدواج، خدمت حضرت آقا رسیدم که توصیه‌ای بفرمایند. ایشان به بنده فرمودند: «اگر شوهرتان ناراحتی داشت، به هر دلیل به شما چیزی گفت و بدسلوکی کرد، شما همان وقت هیچ نگویی؛ گرچه حق با شما باشد. بگذارید آن حالت عصبانیت که فروکش کرد، حرف خود را بزنید.» عین همین توصیه را به شوهرم نیز کرد. بنده وقتی این حرف را شنیدم، در ابتدا خیلی به آن اهمیت ندادم؛ بعدها که فکر کردم دیدم انصافاً ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی به همین جا برمی‌گردد و لذا از آن به بعد، هر وقت کسی از من توصیه‌ای درباره مسایل خانوادگی خواسته است، همین سفارش حضرت امام را گفته‌ام.^۳

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. ستوده، پایه‌های آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. مجله حوزه، ش ۵۵، ص ۵۸، به نقل از آیت الله سیدحسن مرتضوی لنگرودی.

آیت الله مظاهری دامت برکاته نیز چنین می‌فرماید:

خانه باید برای ما مکتب باشد. بهترین مکتب‌ها، بهترین کتاب‌های اخلاقی، بهترین معلم‌های اخلاق برای زن و مرد، مخصوصاً برای خانم‌ها، خانه است. اگر خدای ناکرده آقا بدی کرد و زیربار نرفت، عذرخواهی کند. تقاضا دارم از خانم‌ها فوراً عذرخواهی کنید؛ قهر نکنید؛ فخر نداشته باشید؛ اخم نکنید؛ بی‌نشاط نباشید. قهر از جهنمی‌هاست، نه بهشتی‌ها. بی‌نشاطی و ترش‌رویی و اخم کردن از اهل جهنم است. و اگر می‌خواهی بهشتی باشی، خانه‌ات باید بانشاط باشد. اگر یکی از زن و شوهر زیربار نرفت و عذرخواهی نکرد، تو تقصیر را به گردن بگیر و عذرخواهی کن. نگو تقصیر تو است، بگو تقصیر من است. بالاخره در نزاع‌ها هم همین طور است که اگر یک طرف کوتاه بیاید، نزاع تمام می‌شود. اگر می‌بینی نزاع تمام نمی‌شود، برای این است که کوتاه نمی‌آییم؛ یا هر دو یا یک نفر؛ و اگر بهشت می‌خواهی کوتاه بیا. اگر نشاط و آن تخت‌های زبرجد و در مقابل یک دیگر نشستن و بالاخره آن نعمت‌های عجیب بهشتی را می‌خواهی کوتاه بیا. اگر اختلافی آمد، فوراً این اختلاف را رفع کن. مواظب باش این اختلاف در خانه نماند. حتی یک ساعت در خانه نماند. مرد باید مردانگی داشته باشد. زن باید خانم باشد. و قرآن می‌گوید: زن وقتی خانم است که در مقابل شوهر و لوشوهر تقصیرکار، متواضع باشد. قرآن می‌گوید زن شایسته این است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲.

۸-۲. وفاداری

اعلام وفاداری به همسر در سخت‌ترین شرایط، تأثیری بسیار شگرف در تقویت محبت میان همسران خواهد داشت. نمونه این ابراز وفا را در زندگی

۱. پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند. (نساء، آیه ۳۴)

۲. معاونت تربیتی فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، مجله خانه خوبان، ش ۷، ص ۴.

میرزا کوچک خان جنگلی می‌بینیم:

میرزا [کوچک خان جنگلی] برای آخرین بار به دیدار همسرش رفت و هنگام وداع به همسرش چنین گفت:

اوضاعمان از همه‌ی جهات مغشوش و نامعلوم است؛ خطر از هر سو احاطه‌مان نموده و در معرض طوفان حوادث قرار گرفته‌ایم. جزئیات آینده به قدر کفایت مبهم و تاریک به نظر می‌رسد و امکان هست که باز تاریک‌تر شود و تو گناهی نداری، جز این که همسر من هستی و سزاوار نیست بی‌سرپرست و بلا تکلیف بمانی و زندگی‌ت سیاه و تیره شود، یا خدای نکرده در معرض خطر قرار بگیری. ... طلاق حلال همه‌ی این مشکلات است و تو بعد از طلاق به حکم شرع و عرف مجاز خواهی بود، شالوده نوینی را برای زندگی آینده‌ات بریزی.

همسرش گفت: من این پیشنهاد را نمی‌پذیرم؛ زیرا مایل نیستم به پیمان شکنی و بی‌وفایی متهم شوم. ... من اگر این پیشنهاد را بپذیرم، مردم به من چه خواهند گفت؟ آیا نمی‌گویند هنگام خوشی و اقبال روزگار با شوهرش انباز بود، اما زمان بروز مصیبت ناسازگشته است؟! نه، نه، تسلیم به چنین امری به من گوارا نیست. ... من که به مراتب فرزاندگی‌ات آگاهم، از آن چه بر من گذشته است، تأسفی ندارم و به آن چه به من وارد خواهد شد راضیم؛ زیرا به خدای عادل رؤوف توکل دارم... تو اگر زنده بمانی، خدای بزرگ را سپاسگزار خواهیم بود از این که به کالبدم روح تازه دمیده است و اگر از پای درآیی که طلاق خدایی خود به خود جاری شده است. با این همه محال است که به پیوند دیگری درآیم و شخص دیگری را به همسری برگزینم و مطمئن خواهی بود که عهد خود را تا لب گور ادامه خواهیم داد. این بگفت و های های گریست و اشک از دیدگانش جاری شد. میرزا از این حالت همسرش سخت متقلب و متأثر گردید و از او پویش طلبید و شخصیت و نجابتش را ستود...^۱

و) همدلی و همراهی

طلبه و روحانی نمی‌تواند در تحصیل، پژوهش و تبلیغ موفق باشد، مگر این‌که همسرش با او همراه باشد. بخش بزرگی از موفقیت‌های یک روحانی را همسرش فراهم می‌کند؛ چرا که اگر او نبود، شاید دست‌یابی به قله‌های موفقیت ممکن نمی‌نمود. علمای بزرگی که بر قله‌های موفقیت گام نهاده‌اند، به این امر معترف‌اند و در موقعیت‌های گوناگون به آن اذعان کرده‌اند.

اولین جلد «تفسیرالمیزان» که درآمد، علامه‌ی طباطبایی همسرش را صدا کرد. کتاب سبزه‌زنگ را گذاشت زمین و گفت: «جلد اول تفسیر است.» او همان‌طور که نشسته بود، کمی آمد جلو و دست کشید به کتاب؛ بعد به علامه نگاه کرد و گفت: «آن همه زحمات شما بالأخره نتیجه داد.» و علامه‌ی طباطبایی در جواب فرمود: «و آن همه زحمات شما.»^۱

نجمه سادات طباطبایی، دختر علامه رحمته‌الله نیز چنین نقل می‌کند که: پدرم پیوسته می‌فرمود: «این زن بود که مرا به این جا رساند. او شریک من بوده است و هرچه کتاب نوشته‌ام، نصفش مال این خانم است.»^۲

مواردی که در ادامه به آن اشاره شده، صفت همدلی و همراهی را در همسران تسهیل می‌کند.

۱. درک و پذیرش شرایط همسر

همسر طلبه برای این‌که بتواند شرایط شوهرش را درک کند، نیازمند آشنایی با رسالت‌ها و اهدافی است که طلبه برای دست‌یابی به آن‌ها تلاش

۱. جعفریان، زندگی‌نامه سید محمدحسین طباطبایی، ص ۲۵.

۲. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۷۲؛ به نقل از نجمه سادات طباطبایی.

می‌کند. توضیح آن‌که عالمان، وارثان و جانشینان پیامبران هستند^۱ و از این رو مسئولیت‌های آنان را برعهده دارند. آیه‌ی ۱۲۲ سوره‌ی توبه به این سه تکلیف اشاره می‌کند.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهنده باشد که آنان [از کفر اهل] بترسند. در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم وجوب جهاد و حرکت به سوی جبهه‌ی جنگ استثنا شده‌اند تا این سه هدف را دنبال کنند:

۱. فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی (لِيَتَفَقَّهُوا/تفقه)؛
 ۲. بازگشت به میان مردم، انداز و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین (لِيُنذِرُوا/تبلیغ)؛
 ۳. تلاش برای تحقق آرمان‌های دینی (هدف‌مند بودن تبلیغ و امید اثرگذاری آن اشاره به این وظیفه دارد؛ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ/اجرای دین).
- سه وظیفه‌ی تفقه، تبلیغ و اجرای دین از وظایف انبیا و امامان عليهم السلام است که پس از آنها، برعهده‌ی علمای دین گذاشته شده است. بنابراین روحانیت، سِمَت و مقامی نیست که در سایه‌ی آن روحانیان امتیازهای مادی کسب کنند یا حرفه‌ای که نظیر حرفه‌های دیگر، یک دسته آن را پیشه و وسیله‌ی امرار معاش خود قرار دهند. روحانیت در اسلام به معنای آراسته بودن به

۱. إِنْ الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴)

فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است؛^۱ بی آن که علم و تقوا سرمایه دنیا طلبی گردد.^۲ برای انجام این وظایف، طلبه باید چند سال به تحصیل علوم دینی پردازد، جهت تبلیغ دین خدا، به مناطق مختلف برود یا برای اجرای احکام و رسالت دینی، در ارگان‌های کشور ارائه خدمت دهد. برخلاف دیگر مردم که عمده‌ی زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگری می‌گذرانند، طلبه سرمایه‌ی توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.^۳

بنابراین لازم است همسر طلبه خود را با این وضعیت وفق دهد. با توجه به شرایط فردی و اجتماعی یک طلبه، همسر او نمی‌تواند انتظار یک زندگی تشریفاتی داشته باشد، هر جایی خواست برود و در هر مجلسی شرکت کند، مثل سایر مردم لباس بپوشد و...؛ چراکه او در نقش همسر فردی است که دارای موقعیت اجتماعی خاصی (نماینده‌ی دین) است و به عنوان الگوی رفتاری در جامعه شناخته می‌شود.

دختر علامه می‌گوید:

مادرم مشکلات را از پدرم پنهان می‌کرد و معتقد بود حتی یک ساعت اشتغال ذهن پدرم به مسائل زندگی، برای مادر گناه محسوب خواهد شد و تمامی مشکلات زندگی را از پدر پنهان می‌کردند تا ایشان با خیال آسوده به تحصیل

۱. بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۱۳۹.

۲. برای آگاهی بیشتر، رک: عالم‌زاده نوری، راه و رسم طلبگی، ص ۴۰-۴۳.

۳. رک: همان، ص ۴۵.

و تدریس بپردازند.^۱

همسر علامه که در خانه‌ی ایشان خیلی سختی کشید؛ ولی هیچ وقت گلایه‌ای نداشت، همیشه به دخترش نجمه سادات می‌گفت:

مردها تحملشان کم است. اگر زن، زندگی را یک جور اداره کند که مرد فکرش آزاد باشد، آن وقت می‌تواند پیشرفت کند، کارش را بهتر انجام بدهد. الآن نورالدین مریض است؛ نافش چرک کرده؛ هیزمشان برای اجاق تمام شده؛ بچه‌ها لباس زمستانی ندارند؛ اما آقا چون هیچ‌کدام این‌ها را نمی‌داند. مادر نمی‌گذارد بفهمد. می‌گوید: حاج آقا روحش لطیف است، با تلنگری به هم می‌ریزد.^۲

همسر شهید قدوسی رحمته‌الله نیز می‌گوید:

در اوایل ازدواجمان بسیار فعال و درس خوان بود. از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ شب یک سره درس می‌خواند. ۶ ساعت صبح و ۴ ساعت بعد از ظهر و پس از نماز مغرب نیز تا ساعت ۱۲ شب، بدون این‌که خستگی بشناسد، مشغول درس خواندن بود. حتی روزهای تعطیل نیز کار می‌کرد و بلکه کارش بیشتر هم بود؛ چون در روزهای جمعه، جلساتی برای مسائل سیاسی داشت. حدود ۱۰ سال با همین جدیت درس خواند. ما نیز به این وضع عادت کرده بودیم و من سعی می‌کردم در این زمینه‌ها به او کمک کنم.

از خرداد ۴۲ به بعد، درس‌های ایشان سبک و کارهای سیاسی و فرهنگی جای‌گزين آن شد. مدرسه‌ی حقانی و مکتب توحید را نیز در همین سال‌ها به کمک دوستان دایر کرد. با تأسیس این مدارس، تراکم کارش بسیار زیاد شد تا آن‌جا که بیش از ۳ یا ۴ ساعت در شبانه‌روز استراحت نمی‌کرد. من در این میان به راستی خوشحال بودم که همسری این‌گونه فعال و پرتلاش دارم و کوشش می‌کردم محیط خانه، محیطی مساعد برای آماده کردن او در

۱. «فداکاری مثال‌زدنی همسر علامه طباطبایی»، خبرگزاری حوزه، شناسه خبر: ۳۵۵۸۱۶، ۱۵/۰۵/۱۳۹۴.

۲. جعفریان، زندگی سید محمدحسین طباطبایی، ص ۲۵ و محمدی صیفا، مشق عشق، ص ۳۲.

فعالیت‌های بیرون از منزل باشد.^۱

ایشان پس از انقلاب، به فرمان امام خمینی قدس سره به سمت دادستان کل انقلاب اسلامی برگزیده شد. همسر شهید می‌گوید:

هنگامی که به تهران آمدم و ایشان منصبی گرفت، بسیار متواضع‌تر هم شد. تراکم کارش بسیار زیاد بود و مکرراً از ما معذرت می‌خواست و می‌گفت: من شما را در این خانه چون زندانیان محبوس کرده‌ام، اما اینها همه گذراست و به امور دنیا مربوط می‌شود. در عوض اجراخوری بسیار در انتظارتان است و وقتی احساس می‌کرد من این مسائل را کاملاً پذیرفته‌ام، بسیار خوشحال می‌شد.^۲

در تابستان ۱۳۳۱ شمسی، وقتی استاد مطهری رحمته الله علیه برای زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و دیدار با والدین و خویشاوندان، به مشهد مقدس رفتند، از سوی والدین به ایشان پیشنهاد تشکیل خانواده می‌شود. به همین دلیل پس از مشورت‌ها و بررسی‌های لازم، تصمیم گرفتند به خواستگاری دختری از علمای وارسته خراسان به نام آیت‌الله روحانی بروند. خانواده استاد مطهری، موضوع را با آیت‌الله روحانی در میان گذاشتند. از آن جا که ایشان، پیش از این در مدرسه فیضیه قم، مدتی به عنوان مهمان، در حجره‌ی استاد مطهری اقامت داشته و کاملاً با اخلاق و ویژه‌گی‌های روحی و خصوصیات فکری و اعتقادی وی آشنا بودند، با این وصلت خجسته موافقت کردند. به دنبال آن، مراسم بسیار مختصر و ساده‌ای برگزار شد و چند روز پس از آن، استاد مطهری، همراه همسرش عازم قم شدند و با تهیه‌ی یک خانه بسیار کوچک استیجاری،

۱. همان.

۲. همان، ص ۷۵.

زندگی مشترک سرشار از صفا و صمیمیت شان را آغاز کردند.^۱

همسر شهید مطهری رحمته الله در خاطراتش تعریف می‌کند:

زن باید بداند چه کاری باید انجام بدهد. من بچه‌ها را طوری تربیت کرده بودم که برای پدرشان ایجاد مزاحمت نکنند. تا وقتی استاد مشغول نوشتن و مطالعه بود، با سرو صدای آنها آرامش شان به هم نخورد. به بچه‌ها دائم تذکر می‌دادم: آقا جان درس دارند، مبادا داد و قال کنید. به یاد دارم که یک روز آقای فلسفی خطاب به همسرم گفتند: چقدر نوشته‌های شما زیاد است. حتماً به این دلیل است که فرزند ندارید و فرصتتان زیاد است؟ آقا پاسخ داد: من پنج بچه دارم و همگی هم کم سن و سال! آقای فلسفی با تعجب گفت: پس چرا هر وقت به منزلتان می‌آیم، صدایی از آنها نمی‌شنوم؟!^۲

حجت الاسلام و المسلمین احمد مروی می‌گوید:

این را هم خودشان [مقام معظم رهبری دامت برکاته] فرمودند که: من برای این که بیشتر در داخل خانه حضور داشته و کنار بچه‌ها باشم - چون قبل از انقلاب که همه‌اش مبارزه و زندان و تبعید و این‌ها بود و ما نبودیم که بچه‌ها خیلی خلایق نبود پدر را احساس نکنند - فرمودند من به دفتر گفتم که یک مبل دو نفره - نه یک سرویس - برای ما تهیه کنند که وقتی داخل خانه و زندگی شخصی می‌روم، روی مبل باشم که کمر و پایم درد می‌گیرد، راحت باشم؛ ضمناً بتوانم در آن فرصت به کارها هم برسیم؛ نامه‌ها و گزارش‌ها را مطالعه کنم. در ضمن، در خانه حضور داشته باشم تا بچه‌ها وجود پدر را احساس کنند. بعد فرمودند: یک روز آمدم دیدم این مبل را که آورده‌اند، خانواده ما آن را بیرون گذاشته‌اند. به ایشان گفتم که چرا بیرون گذاشتید؟ خانواده گفتند که آقا! تا حالا در خانه ما مبل نبوده؛ تا الآن زندگی ما طلبگی بوده؛ الآن هم مبل در

۱. حکمت مطهر؛ ویژه شهادت استاد مطهری، مجله گلبرگ، اردیبهشت ۱۳۸۳، ش ۵۰، ص ۸۷.

۲. مجله خانه خویان، ش ۷، ص ۳۹.

خانه نیاورید. حضرت آقا فرمودند: گفتم این را از پول شخصی ام تهیه کردند، نه از پول دفتر که حضورم در خانه بیشتر باشد. گفتند: خیلی خوب؛ حالا اگر این باعث می شود شما حضورتان در خانه بیشتر باشد؛ بچه ها بیشتر پدر را احساس بکنند، ما این مبل دو نفره را تحمل می کنیم. بعد من سؤالی از دوستان دفتر کردم، گفتند: این یک مبل دست دومی بود. این را تهیه کردیم، دادیم تعمیرش کردند، پارچه ای روی آن کشیدند و برای آقا آوردیم. این خاطره ای بود که خود آقا تعریف کردند.^۱

برای درک و پذیرش شرایط همسر، توجه به امور زیر بسیار کمک کننده خواهد بود:

۱-۱. درک متقابل، عامل محبت

زن و شوهر باید یک دیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است، ولی تعبیر خوبی است...؛ یعنی هرکسی درد و خواسته های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید. به این می گویند درک کردن؛ یعنی به قول معروف، در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. این ها محبت را زیاد می کند.^۲

مرحوم علامه [طباطبایی رحمته الله علیه] در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقررری^۳ که از ملک زراعی شان در تبریز به دست می آمد، مجبور به مراجعت به ایران می شود و مدت ده سال در قریه «شادآباد» تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می شود؛ اما دوباره تصمیم می گیرد به قم عزیمت کند. کاش می توانست به همسرش بگوید که دیگری طاقت شده و دوست دارد قم برود یا هر جای دیگری

۱. «نگاهی به سلوک و ساده زیستی مقام معظم رهبری»، خبرگزاری تسنیم، ۱۳/۳/۱۳۹۳، شناسه خبر: ۳۹۰۶۲۳.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۳۱/۶/۱۳۷۱.

۳. ماهیانه، حقوق، دست مزد.

که بشود بیشتر از این‌ها درس خواند، درس داد، بحث کرد و نوشت. هر بار که صورت همسرش را می‌دید که پس از سال‌ها سختی و ننداری زندگی در نجف، به آسایش نسبی رسیده و چشم‌هایش برق می‌زند، سست می‌شد و دیگر دلش نمی‌آمد چیزی بگوید. خانه‌شان بزرگ بود. اندرونی و بیرونی داشت... فرزند ایشان سید عبدالباقی طباطبایی می‌گوید:

هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم، به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست. در این هوای سرد، کجا می‌خواهیم برویم؟! مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد، این شعر را خواند:

رشته‌ای برگردم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست
رشته برگردن نه از بی‌مهری است رشته عشق است و برگردن نکوست^۱

همسر شهید آیت‌الله مهدی شاه‌آبادی رحمته‌الله در رابطه با درک و پذیرش شرایط خاص همسرش چنین نقل می‌کند:

ایشان گفتند: من مادر ناتوانی دارم که از او مراقبت می‌کنم. البته برادر و خواهر هم دارم، اما دوست دارم خودم مستخدم مادرم باشم و به ایشان خدمت کنم. مادرم داغ‌دیده هستند و خیلی نیاز به مراقبت دارند. من هم به خاطر علاقه و احترام خاصی که نسبت به مادرم دارم، دوست دارم ایشان پیش خودم باشند. من هم قبول کردم.^۲

۱-۲. پذیرش لباس روحانیت

لباس روحانیت، نماد دین، معنویت، اخلاق، علم و کارشناس دین است و کسی که با طلبه ازدواج می‌کند، با توجه به این نوع پوشش، وارد زندگی

۱. پایگاه اینترنتی راسخون، صفحه مشاهیر، شناسه مطلب: ۶۰۲۲۱۵.

۲. «گفت‌وگو با همسر شهید حجت الاسلام مهدی شاه‌آبادی»، نشریه شاهد یاران، ش ۶۲، ص ۸۸.

مشترک با طلبه می‌شود. در جامعه و در بین مردم برخی دوست‌دار این لباس هستند و عده‌ای هم مخالف. از این رو، ممکن است برخی از مخالفان در شرایط خاصی، رفتارهای نامناسبی از خود نشان دهند و موجب رنجش طلبه یا خانواده‌اش گردند. درک این مطلب، همسر را برای رویارویی با شرایط ناگوار آماده می‌سازد و او را از زندگی با یک طلبه، ناامید نمی‌گرداند؛ زیرا می‌داند که تلاش در راه خدا با سختی‌ها و ناگواری‌هایی همراه است و صبر و تحمل در این راه، اجرو پاداش بسیار در پی دارد. عالمان راستین دین، همواره در طول تاریخ کوشیده‌اند که لباس روحانیت را به عنوان نماد دین حفظ کنند.

آیت‌الله علامه حسن‌زاده آملی می‌فرمود:

در ایام کشف حجاب که پوشیدن لباس بلند - جز برای عده‌ای از علمای بزرگ و مجتهدان با سابقه - ممنوع اعلام شده بود و مأموران دولت رضاخان، لباس روحانیت را به زور از تن طالبان علوم دین بیرون می‌کردند، یکی از علمای بزرگ خود را موظف کرده بود که روزانه یکی دو ساعت در بازار شهر حضور یابد و قدم بزند. ایشان می‌فرمودند: می‌خواهم با این عمل از فراموش شدن دین و روحانیت جلوگیری کنم.^۱

بنابراین لباس روحانیت از آن جهت که لباس دین و منتسب به معصومین علیهم‌السلام است، بسیار ارزشمند می‌باشد و بر روحانی و همسرش لازم است که حرمت آن را پاس دارند.

۱. عالم‌زاده نوری، لباس روحانیت، ص ۳۵.

۳-۱. مسئولیت‌پذیری

هر فردی در جامعه، دارای موقعیت اجتماعی، شغلی و خانوادگی خاصی است. ازدواج با او پذیرش این موقعیت‌ها است و به طور طبیعی، فرصت‌ها و برکاتی متوجه فرد می‌کند؛ هم‌چنان‌که محدودیت‌هایی را نیز تحمیل می‌کند. زندگی با طلبه نیز این‌گونه است. کسی که زندگی با طلبه را برمی‌گزیند، فرصت‌ها و منافع زیادی را به دست می‌آورد و در مقابل، آگاهانه محدودیت‌هایی را می‌پذیرد. همسریک طلبه نمی‌تواند هر مجلسی برود، هر لباسی را در بیرون از منزل بپوشد و...؛ اما زمینه‌های بسیاری برای رشد علمی، معنوی، اخلاقی و ایمانی او فراهم می‌شود و اگر بخواهد می‌تواند با ارتقای علمی و معنوی خود، شوهرش را در امور تبلیغی و فرهنگی یاری کند و فرزندان صالح تحویل جامعه دهد.

آیت‌الله کوهستانی رحمته‌الله‌علیه در خاطراتش می‌گوید:

هنگامی که از نجف به مازندران آمدم، به همسرم گفتم: تو حاضری در حق طلاب مادری کنی و من پدری کنم و آنها را تربیت نمایم تا نزد پروردگار روسفید باشیم؟ قبول کرد و من هم تصمیم گرفتم در آن زمان که رضاشاه نمی‌گذاشت یک نفر معتم در ایران وجود داشته باشد، طلاب زیادی را تحت تربیت و پوشش قرار دهم.^۱

داشتن همسری صالح و شایسته، از عوامل موفقیت آیت‌الله کوهستانی بود. طلاب حوزه‌ی علمیه «کوهستان» بسیاری از موفقیت‌های خود را مدیون فداکاری، سعه‌ی صدر و محبت‌های بی‌دریغ این بانومی‌دانند؛ چون در

۱. کوهستانی، برقله پارسایی، ص ۵۶.

آن سال‌ها وضع معیشتی طلاب آشفته بود و بیش‌تر آنان از خانواده‌های کم‌درآمد بودند که محبت آن مادر و رفع بخشی از نیازهای آنان در دل‌گرمی طلاب فوق‌العاده مؤثر بود. به همین دلیل، حاج شیخ محمد شاهرودی بهشهری می‌گوید: نیمی از کارهای حوزه‌ی کوهستان و کمک به ریاست دینی آیت‌الله بردوش همسرش بود.^۱

شهید هاشمی‌نژاد نیز در این باره می‌گوید:

اگر نه جان نبود، آقا نمی‌توانست این‌طور در کارشان موفق باشند و چنین حوزه با عظمتی را اداره کنند.^۲

فرزند آیت‌الله کوهستانی می‌گوید:

مادرم برای من نقل کرد که: در یکی از روزها که کارگران مشغول ساختن بنای مدرسه بودند، یکی از فرزندانم سخت بیمار و در حال احتضار بود. من می‌بایست از یک طرف کارگران را پذیرایی و برای مهمان‌ها غذا تهیه‌نمایم و از طرف دیگر با پنبه، لبان خشکیده‌ی فرزندم را با آب ترکنم تا او را از مرگ نجات دهم. گرچه فرزند عزیزم با آن بیماری از دست رفت؛ اما این‌گونه خود را تسلی می‌دادم که ادای وظیفه کردم و خوشحال بودم که من نیز در پایه‌ریزی و اساس این هدف بزرگ و مقدس سهمی دارم.^۳

۲. یاری و همراهی

پس از آن‌که همسر طلبه، شناخت نسبی از راه و روش طلبگی پیدا کرد و دانست که همراهی او با شوهرش در مسیر تحصیل و تبلیغ بسیار تأثیرگذار است، چه بهتر که در این مسیر مقدس، تصمیم خود را بگیرد و گام در جهادی مقدس بگذارد و آن همان،

۱. همان، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۷۵.

خوب شوهر‌داری کردن و یاری شوهر در تحصیل، تبلیغ یا وظایف دیگر است. این مسیر، پرپیچ و خم است و کسانی در آن موفق می‌شوند که به هدف و آرمان الهی خود ایمان داشته باشند. این یاری و همراهی به شکل‌های مختلف امکان‌پذیر است:

۲-۱. داشتن انتظارات متناسب با موقعیت

گاهی همراهی کردن با همسر به معنای تنظیم انتظارات و خواسته‌های خود با توان مالی اوست. مطالعه‌ی زندگی خانوادگی بسیاری از علمای دین بیانگر این امر است. نجمه سادات، دختر علامه طباطبایی رحمته‌الله در این باره چنین نقل می‌کند:

مادرم مشکلات را از پدر پنهان می‌کرد و معتقد بود حتی یک ساعت اشتغال ذهن پدرم به مسائل زندگی، برای مادر گناه محسوب خواهد شد و تمامی مشکلات زندگی را از پدر پنهان می‌کردند تا ایشان با خیال آسوده به تحصیل و تدریس بپردازند.^۱

در خاطرات همسر شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی نیز آمده است:

هنگامی که [شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی] به قم رفته بود، به دلیل ناتوانی مالی نتوانسته بود همسرش را با خود به همراه ببرد. همسرش نیز با صرفه‌جویی، زندگی را با سختی و تنهایی در شهر اصفهان می‌گذراند، تا او بتواند در قم درس بخواند.^۲

۲-۲. همکاری روحی و معنوی

درباره‌ی یاری رساندن زن به همسر خود در زندگی، رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: یک زن صالح بهتر از هزار مرد غیر صالح است و هر زنی که شوهرش را هفت

۱. خبرگزاری رسمی حوزه، شناسه خبر: ۳۵۵۸۱۶، ۱۵/۰۵/۱۳۹۴.

۲. مجله شاهد یاران، ش ۴۴، سال ۱۳۸۸، ص ۳۷.

روز یاری دهد، خداوند، هفت در دوزخ را به روی او می‌بندد و هفت در بهشت را به رویش می‌گشاید تا از هردری که می‌خواهد، وارد شود.^۱

مقام معظم رهبری دام‌ظله می‌فرماید:

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یک دیگر بشوند، نه؛ بلکه یک دیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل‌تری در جامعه برخورد دارند. زن‌ها می‌توانند به آنها روحیه بدهند؛ می‌توانند خستگی آنها را از نشان بیرون کنند؛ به آنها تبسم کنند و به آنها دل‌خوشی دهند.^۲

مراد از همکاری، همکاری روحی است. این‌که زن ضرورت‌های مرد را درک کند؛ فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد؛ کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید.^۳

علاوه بر یاری روحی و روانی، همسران می‌توانند در مسائل معنوی نیز یاور هم‌دیگر باشند. سیر موازی آنان در افق معنویات، کمک شایانی به حل مشکلات احتمالی خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از علی پرسیدند: همسرت را چگونه یافتی؟ عرض کرد: خوب یآوری است در طاعت و بندگی خدا.^۴

مقام معظم رهبری دام‌ظله در جلسه عقدی می‌فرماید:

به هم کمک کنید، خصوصاً در امر دین. اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است؛ به نماز کم اهمیت می‌دهد؛ به راست‌گویی کم اهمیت می‌دهد؛ به مال مردم کم اهمیت می‌دهد؛ به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد؛

۱. الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنَ الْفَرْجِ غَيْرِ صَالِحٍ وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمْتُ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ غَلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيَّتِمَا شَاءَتْ. (دبلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵)

۲. بیانات در مراسم خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۳. همان، ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۴. فَسَأَلَ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا رضي الله عنه: كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷)

او را بیدار کنید؛ به او بگویید؛ به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می‌بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاک و نجسی، در امر حلال و حرام، آدم بی‌اعتنا و بی‌مبالائی است؛ به او توجه بدهید؛ او را آگاه کنید؛ کمک کنید که خوب شود. دروغ‌گوست، غیبت‌کن است، به او تفهیم کنید. نه این‌که دعوا کنید؛ نه این‌که اوقات تلخی کنید؛ نه این‌که مثل یک منتقد بداخلاق بنشینید یک کناری، هی نق بزنید!

زن و شوهر باید هم‌دیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از این‌ها مشاهده می‌کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرشان سر می‌زند، آن را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی - خدای نخواستہ - وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یک‌دیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند.^۲

وجه مشترک زوجین در زندگی، باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید هم‌دیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می‌بیند که شوهر او بی‌اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می‌بیند زنش بی‌اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی زندگی است.^۳

همسر شهید نواب صفوی رحمته‌الله می‌گوید:

در این هشت سال زندگی پرماجرا با نواب، من یک بار معترض نشدم که آقای نواب! من تا کی باید مخفی بمانم، استقلال نداشته باشم، بلکه همیشه مطیع بودم. اگر زندگی برای رضای خدا باشد، راحت ترمی‌گذرد. مردم بیگانه آن‌قدر به من علاقه داشتند و مثل یک خواهر و مادر به من لطف داشتند و

۱. همان، ۱۳/۶/۱۳۷۴.

۲. همان، ۴/۶/۱۳۷۹.

۳. همان، ۱۳/۲/۱۳۷۲.

همیشه می آمدند به من می گفتند خانم نیره سادات، همه زحمات ما برگردن شماست و اگر آقا رهبر آقایان است، شما هم رهبر خانم ها هستید و همه مطیع شما هستیم.^۱

۲-۳. مشورت و هم فکری

مشورت دادن همسربه شوهرش در اموری که تخصص یا تجربه ی را لازم دارد و نیز در مسائل خانوادگی اشکالی ندارد.

یکی از هم زمان شهید اندرزگو نقل می کند:

همسر شهید، پشتوانه و مشاوره عالی برای ایشان بود و افکار و راهکارهای خوبی ارائه می داد. حتی گاهی شهید اندرزگو در برنامه ریزی برخی کارها به من می گفت که مثلاً فلان مطلب را خانمم به من گفته است.^۲

۲-۴. رازداری

زن با جلب اعتماد همسرش، می تواند محرم اسرار او گردد و در این صورت، حتی اگر نتواند در حل مشکلات او را یاری کند، می تواند سنگ صبور همسرش باشد و با شنیدن درد دل او و پوشیده داشتن رازهایش، مرهمی بر غم او نهد. همان گونه که اگر رازدار اسرار شوهرش نباشد، ضمن تشدید دلسردی و افسردگی وی، تزلزل نظام خانواده را نیز موجب می شود.^۳

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می فرماید:

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهر را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و ... راز

۱. «روایت همسر شهید نواب صفوی از زندگی مخفیانه تاهشدار به رزم آرا»، خبرگزاری تسنیم، شناسه خبر: ۶۲۴۶۴۷، ۱۳۹۳/۱۰/۳۰.

۲. افشار صفوی، به نقل از قاصد نیوز، شناسه خبر: ۱۵۱۲، ۱۳۹۳/۰۶/۰۱.

۳. حسین خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص ۱۳۳.

همسرش را بازگو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود.^۱

۵-۲. صبر و تحمل در مشکلات مادی

چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، سطح زندگی عموم طلاب نسبت به سایر مردم، اغلب پایین است و در اوایل زندگی مشترک با مشکلات معیشتی مواجه هستند؛ چرا که بیشتر وقتشان را مشغول درس و بحث می‌باشند. با این همه، وضعیت معاش طلاب در زمان حاضر، بسیار بهتر از روزگار گذشته است و سختی‌هایی که طلاب و علمای آن روزگار می‌کشیدند، قابل مقایسه با الآن نیست.

مقام معظم رهبری «عَلَيْهِ السَّلَامُ» در خاطراتش نقل می‌کند:

من شب‌هایی را از کودکی به یاد می‌آورم که در منزل شام نداشتیم و مادر با پول خردی که بعضی از وقت‌ها مادر پدر بزرگم به من یا یکی از برادران و خواهرم می‌داد، قدری کشمش یا شیر می‌خرید تا با نان بخوریم.^۲

اوضاع که عادی می‌شد، شب‌های جمعه برنج دم می‌کردند؛ و این پلو، موضوع مهم و جالبی در جدول غذایی این خانواده بود و باز در این اوضاع، آب‌گوشت که با پنچ سیر گوشت عمل می‌آمد، قوت غالب به شمار می‌رفت. سهمی از این غذای کهن در کاسه‌ای چینی جا می‌گرفت و در طبقه بالا جلو پدر گذاشته می‌شد و خیلی زود با رفت و آمد هفت دست، هفت نفری که دور آن نشسته بودند، خالی می‌شد. مادر و خواهران بزرگ ملاحظه کودکان را می‌کردند. با این حال «گاهی اتفاق می‌افتاد که نفری دو لقمه ... می‌رسید ... باقی را باید با نان و پنیری، چیزی، خودمان را سیر می‌کردیم ... مادرم زن

۱. بیانات در اجرای خطبه‌ی عقد زوج‌های جوان، ۱۳۷۸/۱/۲۴.

۲. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، خاطرات و حکایت‌ها، ص ۳۰؛ بهبودی، شرح اسم، ص ۴۶.

کم توقع و بی‌اعتنایی به خوراک [بود]... برایش مهم نبود یک لقمه هم غذا بخورد؛ اما برای ماها خیلی جوش می‌زد که بچه‌هایش... سیر [شوند].^۱

همسر آیت‌الله الهی رحمته الله نقل می‌کند:

اگر ایشان نداشت و من خودم چیزی داشتم، شب می‌بردم می‌گذاشتم توی جیب ایشان که پیش بچه‌ها ناراحت نشوند که دارم یا ندارم. بعد که فهمیدند، گفتند: تو این قدر نسبت به من دل‌واپس هستی که پول در جیب من می‌گذاری؟ گفتم: بله، نمی‌خواهم پیش بچه‌ها ناراحت شوی. اول که تشکر کردند و بعد دعا کردند که خدا یک تومان تو را هزار تومان کند. الحمدلله شده. ایشان نیستند؛ اما همه کارهای من درست شده. مکه رفتم، زیارت همه معصومین رفتم. هشت سال بود فقط به خاطر ایشان مکه نمی‌رفتم. پاسپورتم را می‌آوردند در خانه که خانم بیا برو مکه؛ من نمی‌رفتم؛ چون ایشان مریض بودند. اگر می‌رفتم غصه می‌خوردند که نمی‌توانند بروند. اگر ایشان ناراحت می‌شدند، مکه و حج من چه می‌شد؟ من خودم چه می‌شدم؟^۲

۲-۶. مهاجرت

فراگیری دانش دین از چیزهایی است که در روایات به آن سفارش زیادی شده است و کسی که در این راه قدم بردارد و به سبب آن از خانه و وطن و خانواده‌ی خود جدا بیفتد و سختی غربت را تحمل کند، پاداش بزرگی در انتظار اوست. همسران طلاب و روحانیان نیز از جمله‌ی آن کسانی هستند که به سبب دانش‌اندوزی شوهرانشان، اغلب از خانه، شهر و گاه از کشور خود هجرت می‌کنند و اگر نیتشان الهی باشد، به طور قطع نزد خداوند دارای اجر و ثواب فراوان هستند.

۱. بهبودی، شرح اسم، ص ۴۶-۴۷.

۲. مؤسسه شمس‌الشموس، الهیه، ص ۶۶.

همسر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر رحمته الله درباره‌ی مهاجرت به عراق و دوری از خانواده خویش می‌گوید:

من پس از ازدواج، از ایران به عراق منتقل شدم. دوری و فراق از خانواده و تفاوت زیادی که بین آن‌جا و ایران بود، مرا رنج می‌داد. یک روز به حرم امیرالمؤمنین شدم و درخواست نمودم تا خداوند به من قدرت و تحمل شرایط سخت زندگی را بدهد. پس از زیارت احساس عجیبی به من دست داد. با خود گفتم: من با یک شخصی عادی زندگی نمی‌کنم، بلکه با یکی از اولیای خدا و رهبری دانشمند ازدواج کردم. پس از آن دعا و زیارت، آرامشی خاص و ظرفیتی بزرگ در برابر همه‌ی سختی‌ها در خود احساس کردم و به تمام اوامر ایشان، با کمال رضایت و خوشحالی حاضر بودم.^۱

حتی بعضی از همسران، خود مقدمات سفر را آماده می‌کردند. در مورد همسر علامه طباطبایی رحمته الله نقل است:

قمرسادات می‌دید که شوهرش مثل روزهای اول نیست. خوشحال نیست. حتی چند ماه بعد، وقتی پسرشان دنیا آمد، باز هم محمدحسین خوشحال نبود. یعنی این‌طور نشان می‌داد که خوش و خوب است، اما او می‌فهمید محمدحسین متأثر است. دلش می‌خواست برود نجف، اما خرج راه را نداشتند. قمرسادات گفت: «شما چرا این قدر ناراحت می‌کنید خودتان را؟ پول نمی‌دهند، خب ندهند. بالاخره يك مقدار ائاثیه داریم. این‌ها را می‌فروشیم، خرج سفرمان درمی‌آید.» ائاثیه، همان جهاز قمرسادات بود: چینی‌های خوشگل لب‌طلایی، طلاهای ریز و درشت بیست و چهار عیار و... . حالا چند صد تومان پول داشتند که می‌توانستند بدهند خرج کجاوه و کاروان و خورد و خوراک تا برسند به نجف.^۲

۱. گفت‌وگو با سیده فاطمه صدر (همسر شهید صدر)، شاهد یاران، ش ۱۸، ۱۳۸۶، ص ۳۵.

۲. جعفریان، زندگی‌نامه سید محمدحسین طباطبایی، ص ۱۱ و ۱۲.

۲-۷. مجاهدت و دفاع

مجاهدت، جنگ در راه خدا و مبارزه با هواهای نفسانی است. کسی که آسایش و راحتی زندگی را رها کند و برای اعتلای دین خدا، به تلاش علمی یا مبارزه با دشمن و پشتیبانی از آن روی آورد، مجاهد است و همراهی با این مجاهدان، پاداش جهاد دارد. مجاهدت در کنار همسر به سه شکل قابل تصور است:

۲-۷-۱. همراهی در مجاهدت علمی

تحمل و کنار آمدن با شرایط سخت زندگی، چشم پوشی از برخی خواسته‌ها، تدبیر درست منزل، فراهم نمودن شرایط مناسب برای تحصیل علم و...، بخشی از فعالیت‌هایی است که زمینه را برای رشد علمی و معنوی طلبه فراهم می‌سازد. بسیاری از علما به این امر اذعان کرده و در مواقع مناسب، از تلاش‌های همسران خود تقدیر و تجلیل کرده‌اند.

یکی از فرزندان امام خمینی قدس سره می‌گوید:

[همسر امام خمینی] دختری بودند که در تهران و در خانواده‌ای بزرگ شده بودند که تقریباً از وسایل رفاهی نسبتاً خوبی برخوردار بودند و بعد آمده بودند تا در قم زندگی کنند. تا کسی قم شصت - هفتاد سال پیش را ندیده باشد، نمی‌تواند تصور کند که چطور بود. در عین حال، خانم تحمل می‌کردند. به خاطر محبتی که به آقا داشتند و محبتی که آقا نسبت به ایشان اعمال می‌کردند، خانم هم غریبی و زندگی در غربت را تحمل می‌کردند. من یادم است که در بچه‌داری، خانه‌داری، مهمان‌داری و کارهای دیگر، ابداً این طور نبود که خانم کلامی بگویند و حرفی بزنند که سردی بیاورد یا خدانا کرده شماتتی باشد.^۱

۱. ستوده، پایه پای آفتاب، ج، ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵.

برنامه‌ی معمول استاد [علامه جعفری رحمته‌الله] این بود که پیش از اذان صبح از خواب برمی‌خاست و پس از نماز و مناجات، به کتابخانه می‌رفت و تا ظهر مشغول کار بود. هنگام ظهر به نماز و استراحت می‌پرداخت و مجدداً به کتابخانه می‌رفت و تا پاسی از شب، با شاگردان و محققان به تدریس و مباحثه و تحقیق می‌پرداخت. رفت و آمد افراد به منزل استاد، با پذیرایی‌هایی همراه بود و مدیریت همه‌ی آن را جمیله خانم برعهده می‌گرفت. بسیاری از اوقات، در هر هفته دوسه بار جمعیتی در حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر برای استفاده از محضر استاد به حضورش می‌رسیدند و همسر صبور ایشان همه را پذیرایی می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد!

علامه جعفری رحمته‌الله پس از دفن پیکر همسرشان، در جمع ارادت‌مندان به پا خاست و مطالبی درباره آن بانوی فداکار گفت؛ از جمله:

حدود ۴۰ سال این بانوی از دست رفته در زندگی ما بود. مشکلات کارهای ما را تحمل کرد و مقتضیات نفس را کنار گذاشت... حقیقت این است که من جز این که از ایشان تشکر کنم و از ایشان طلب عفو کنم، امشب هیچ چاره‌ای غیر از این نمی‌بینم؛ چون خیلی خیلی گذشت کرد... خدایا! پروردگارا! این بانورا با فاطمه زهرا علیها‌السلام محشور بفرما.^۱

ملاعباس [تربتی رحمته‌الله] از فضای آموزشی محروم بود و هم مباحثه‌ای نداشت. وی برای جبران محرومیت از فضای آموزشی، از همسر مهربانش تقاضا کرد که به عنوان هم‌مباحثه، وی را در این راه یاری رساند؛ زیرا بحث و تمرین آموخته‌ها، آن هم در محیط گرم خانواده، تأثیرشایانی در رشد و

۱. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۲۲-۵۲۳.

۲. جوادی، فیلسوف شرق، ص ۱۹۶ و ۱۹۷ (در احوالات علامه محمدتقی جعفری).

تعالی آن خواهد داشت. از آن جایی که همسر مکرمه‌ی وی، دختر آخوند ملاعلی اکبر مزگردی، در خواندن قرآن و ادعیه نیز موفق بود، به این پیشنهاد جواب مثبت داد. این بانوی گرامی، خاطرات آن روزها را برای فرزندش چنین بازگو کرده است:

پدرت مرا با خودش به مزرعه می‌برد و کتاب را به دست من می‌داد که از روی آن، آن چه را از بر می‌خواند، گوش بکنم. و او متن بعضی از کتاب‌ها را هم چنان که بیل می‌زد، می‌خواند و من از روی کتاب گوش می‌دادم. گاهی مطلبی را چنان که برای هم‌مباحثه‌ای تقریر می‌کند، برایم تقریر می‌کرد تا در یاد خودش بماند... روزی یونجه درو می‌کرد و اشعار الفیه ابن مالک را یک بار از اول تا به آخر و بار دیگر از بیت آخر وارونه تا به اول خواند و من از روی کتاب گوش دادم و هیچ اشتباه نکرد.^۱

۲-۷-۲. همراهی در تبلیغ

نقش همسران مبلغان در تبلیغ، همانند پشتیبانی جبهه را دارد و بسیار برجسته است؛ چرا که اگر خیال یک مبلغ از اداره‌ی خانواده توسط همسرش راحت نباشد، نمی‌تواند به تبلیغ برود یا اگر همسرش مدام بی‌تابی کند و به اصطلاح نق بزند، مبلغ در کار تبلیغی‌اش موفق نخواهد بود.

بنابراین همسر مبلغ می‌تواند با زمینه‌سازی، یعنی ایجاد انگیزه‌ی تبلیغ، صبر و تحمل، حفظ نشاط خانواده و تدبیر درست، شوهرش را برای تبلیغ دین خدا، روانه‌ی عرصه‌های تبلیغی و فرهنگی کند. آیت‌الله حائری شیرازی در درس اخلاق خود می‌گوید:

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ایران، ج ۴، ص ۳۶۶.

زمانی که زن، نشاط، محبت و لطف خود را اندوخته و برای همسرش صرف کند، مبلغ نیز می‌تواند با جدیت بیشتری به فعالیت‌های دینی و تبلیغی بپردازد؛ در چنین شرایطی، اجری که مبلغ از تبلیغ خود می‌برد، همسر او نیز از آن بهره‌مند می‌شود.^۱

هم‌چنین، وی می‌تواند با یادگیری بعضی از مهارت‌ها (مثل کلاس داری، مهارت‌های ارتباطی، مهارت بیان احکام و...) و دانش‌ها (مثل احکام، آموزش قرآن و...)، گام در عرصه‌ی تبلیغ گذاشته و هم‌دوش با شوهر به تبلیغ بپردازد و مسائل مبتلابه و دامن‌گیر بانوان را آموزش دهد.

امام حسن عسکری علیه السلام از پدرشان امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کنند که:
 زنی به حضور فاطمه زهرا رسید و عرض کرد: مادری ناتوان دارم که در نمازش مشکل دارد و مرا به سوی شما فرستاده تا از آن بپرسم. او پرسش خود را مطرح کرد و حضرت فاطمه به آن پاسخ داد. آن زن پرسش دیگری پرسید و پاسخ گرفت. سپس پرسش سوم و چهارم و تا ده پرسش پرسید و حضرت همه را پاسخ داد. زن از فراوانی پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: ای دختر پیامبر خدا! دیگر مزاحم نمی‌شوم. فاطمه فرمود: نه. بیا و هرچه می‌خواهی بپرس. به نظر تو اگر کسی را یک روز برای بالا بردن باری سنگین به پشت بام استخدام کنند و در عوض به او یک صد هزار دینار مزد دهند، آیا این کار برای او دشوار و سنگین به نظر می‌آید؟ آن زن گفت: نه. حضرت فرمود: مزدی که من در برابر پاسخ هر پرسش می‌گیرم، ارزشش بیش از مرواریدهایی است که از زمین تا آسمان را پر کرده باشد! پس چنین کاری با چنین مزدی سزاوارتر است که بر من گران نیاید. از پدرم شنیدم که می‌فرمودند: دانشمندان شیعیان ما پس از آن که محشور شوند، به اندازه فراوانی دانششان و مقداری که در راه هدایت

۱. «سخنرانی آیت‌الله حائری شیرازی در اختتامیه ششمین همایش همیاران تبلیغ در قم»، خبرگزاری حوزه،

بندگان خدا تلاش کرده باشند، بر آنها خلعت های کرامات پوشانده خواهد شد، تا آن جا که بر برخی از آنها هزار هزار خلعت نور ببوشانند.^۱

نیز در روایت دیگری امام عسکری علیه السلام نقل می کنند که:

روزی بین یک زن مؤمن و یک زن کافر مشاجره ای بر سر دین پیش آمد. این موضوع خدمت حضرت فاطمه علیها السلام مطرح شد. آن حضرت استدلال زن مؤمن را تأیید و تشریح نمود. در نتیجه او بر رقیب خود پیروز شد و از این پیروزی شادمان گشت. حضرت زهرا علیها السلام به آن زن مؤمن فرمود: بدان که شادی فرشتگان به واسطه پیروزی تو بر او بیش از خوشحالی توست. خداوند به فرشتگان فرمود: به جهت پشتیبانی فاطمه از آن زن، هزار هزار درجه در بهشت برین بیش از آن چه برای این زن تعیین شده، برایش منظور دارید و این را ملاکی قرار دهید که هر کس به کمک یاران حق بشتابد و راه پیروزی آنان را هموار سازد، هزار هزار مرتبه بیش از پاداش مقرر به او عطا شود.^۲

اگر برای همسر، زمینه های یادگیری مهارت ها و دانش ها فراهم نیست، حداقل می تواند در صورت حضور در محل تبلیغ، با گفتار و رفتار نیک و

۱. حَضْرَتِ امْرَأَةٍ عِنْدَ الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ علیها السلام فَقَالَتْ إِنَّ لِي وَالِدَةَ ضَعِيفَةً وَ قَدْ لَبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَلَاتِهَا شَيْءٌ وَ قَدْ بَعَثْتَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَأَجَابْتَهَا فَاطِمَةُ علیها السلام عَنْ ذَلِكَ فَتَنَنْتُ فَأَجَابَتْ ثُمَّ تَلَمَّحْتُ إِلَيْهَا أَنْ عَشَّرْتُ فَأَجَابَتْ ثُمَّ حَجَلْتُ مِنَ الْكُثْرَةِ فَقَالَتْ لَا أُشَقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ: هَاتِي وَ سَلِي عَمَّا بَدَا لَكَ أَرَأَيْتِ مِنْ أَكْثَرِي يَوْمًا يَصْعَدُ إِلَى سَطْحِ بَحْمَلٍ نَقِيلٍ وَ كِرَاءَ مِائَةِ أَلْفِ دِينَارٍ يُثْقَلُ عَلَيْهِ فَقَالَتْ لَا فَقَالَتْ: أَكْثَرِيَتْ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرٍ مِنْ مِائَةِ مَا بَيْنَ النَّرِيِّ إِلَى الْعُرْشِ لَوْلَا فَأَخْبَرِي أَنْ لَا يَثْقَلُ عَلَيَّ سَمِعْتُ أَبِي علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ عُلَمَاءَ نِسْبَتِنَا يَخْشَوْنَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلْعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدَرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَ حِدْثِهِمْ فِي إِشْرَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حُلَّةٍ مِنْ نُورٍ. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳)

۲. الإحتجاج بالإستناد عن أبي محمد علیه السلام قَالَ: قَالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام وَ قَدْ احْتَضَمَ إِلَيْهَا امْرَأَتَانِ فَتَنَزَعَتَا فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ إِخْدَاهُمَا مُعَانِدَةً وَ الْأُخْرَى مُؤْمِنَةً فَفَتَحَتْ عَلَى الْمُؤْمِنَةِ حُجَّتَهَا فَاسْتَفْظَهَرْتُ عَلَى الْمُعَانِدَةِ فَفَرِحَتْ فَرِحًا شَدِيدًا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام إِنَّ فَرِحَ الْمَلَائِكَةُ بِاسْتِظْهَارِكَ عَلَيْنَا أَشَدَّ مِنْ فَرِحِكَ وَ إِنَّ حُرْنَ الشَّيْطَانِ وَ مَرَدَّتِهِ بِحُزْنِنَا أَشَدَّ مِنْ حُزْنِنَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْجِبُوا لِفَاطِمَةَ بِمَا فَتَحَتْ عَلَيَّ هَذِهِ الْمُسْكِينَةَ الْأَسِيرَةَ مِنَ الْجَنَانِ أَلْفَ أَلْفِ ضِعْفٍ مِمَّا كُنْتُ أَعْدَدْتُ لَهَا وَ اجْعَلُوا هَذِهِ سُنَّةً فِي كُلِّ مَنْ يَفْتَحُ عَلَيَّ أَسِيرَ مُسْكِينٍ فَيُعْلَبُ مُعَانِدًا وَمِثْلَ أَلْفِ أَلْفِ مَا كَانَتْ مَعْدَّةً لَهُ مِنَ الْجَنَانِ. (همان، ص ۸)

اخلاقی خود، بانوان را تحت تأثیر قرار دهد. به ویژه دلسوزی و یاری آنان در مسائل مختلف، تأثیر عمیق و ماندگاری دارد. البته سختی‌هایی هم دارد که نیازمند حوصله، صبر و تحمل است؛ یعنی احتمال دارد گاهی تنها باشند، با آداب و رسوم سخت‌گیرانه بسازند و سختی‌های زندگی در یک مکان ناآشنا و کم‌امکانات را تحمل کنند.

۳-۷-۲. همراهی در مبارزه

مقام معظم رهبری دام‌عزیزه در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی می‌فرماید: ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می‌آمدند خطبه‌ی عقدشان را می‌خواندم - آن وقت‌هایی که می‌خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - می‌گفتم خیلی از خانم‌ها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت می‌کنند؛ خیلی خانم‌ها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم می‌کنند؛ دست آنهاست. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است.^۱

ایشان درباره‌ی همسر حضرت امام خمینی قدس سره اظهار می‌دارند: خانم؛ خیلی قوی‌اند. در قوت خانم همین بس که توانستند این همه سال، پا به پای امام بیایند. کار آسانی نبود؛ زن‌ها معمولاً به فغان می‌آیند.^۲ ... خانم را، من یک زنی دیدم با یک شخصیت مستحکم و قوی. خیلی برای من این مهم بود. البته شنیده بودم قبلاً؛ وقتی قم بودیم. آن‌جا با رفقا صحبت بود. نقل می‌کردند به مناسبت کارهای مرحوم حاج آقا مصطفی و شلوغ‌کاری که

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰.

۲. یاد و یادگار (خاطراتی از دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با همسر مکرمه حضرت امام)، ص ۹.

می‌کرد (در دوره نوجوانی)؛ می‌گفتند خانم خیلی مستحکم است. ... دیدم این را در قضایای مختلف؛ نجف رفتند، سال‌ها بودند؛ امام را آن‌گونه دستگیر کردند؛ مرحوم آقا مصطفی در نجف از دنیا رفت، بعد هم حاج احمدآقا؛ این خانم قرص و محکم. خیلی شخصیت محکمی داشت. ... اگر این شخصیت را ایشان نداشت، با امام هم مشکل بود بتواند زندگی کند و آن علاقه‌ای هم که امام داشتند به خانم، خیلی علاقه داشتند، پیداست.^۱ من همیشه می‌گفتم که واقعاً یکی از نعمت‌های خدای متعال به امام، وجود این خانم بود که این جور با استقامت و قرص و محکم، مشکلات زندگی امام را تحمل بکند؛ در همه‌ی دوران‌ها؛ طلبگی یک جور، دوران مبارزه یک جور دیگر، بعد از پیروزی یک جور دیگر...^۲.

هم چنین می‌فرمایند:

بعضی از زن‌ها تاب سختی‌های زندگی مردشان را نمی‌آورند؛ اما هستند خانم‌هایی که نه تنها شکوه نمی‌کنند، بلکه حتی دل‌گرمی هم می‌دهند. به مرد می‌گویند: ناراحت نباش، چیزی نیست؛ صبر می‌کنیم؛ می‌گذرد. چنین زن‌هایی واقعاً قیمت دارند. ... الحمدلله از این جهت خدای متعال به من هم لطف کرده است. عیال من چنین خانمی است. وقتی در زندان بودم، به دیدن من که می‌آمد، از اوضاع و احوال می‌پرسیدم، می‌گفت: اصلاً و ابداً ناراحتی و مشکلی ندارم؛ با این‌که ما بچه‌ی کوچک هم داشتیم. بعدها که من از زندان بیرون آمدم، فهمیدم که چه مشکلاتی داشته. مریض بوده؛ بی‌پول بوده؛ سختی فراوان کشیده؛ اما اصلاً و ابداً یک ذره‌اش هم در زندان به من منتقل نمی‌شد.

خدا می‌داند بعضی از این حوادثی که برای ایشان پیش آمده بود، من بعد از انقلاب فهمیدم؛ یعنی همین‌طور در خلال صحبت به مناسبتی پیش آمد

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۷۰.

که ایشان گفتند. وقتی هم می‌گفتند، من دیدم واقعاً طاقت نمی‌آورم. می‌گفتم: چطور این‌ها را آن موقع به من نگفتی؟! مرحوم مادرم به خانم من می‌گفت که شما چرا ساکتی؟ چیزی بگو، آه و ناله کن! چون شما همه‌اش احساس راحتی می‌کنی، او هم دل‌گرم می‌شود و دنبال این کارها می‌رود! به هر حال، ایشان نعمت بزرگی است؛ خدا را شکر می‌کنم.^۱

شهید سیدعلی اندرزگوز مبارزان و انقلابیون پیش از انقلاب است که برای سرنگونی رژیم پهلوی، بسیار کوشید تا جایی که رژیم، حکم اعدام او را به صورت غیابی صادر کرد. وی برای مخفی ماندن و فرار از دست مأموران رژیم پهلوی، مخفیانه از شهری به شهری یا به بعضی از کشورها می‌رفت و گاهی برای در امان ماندن خانواده‌اش، آن‌ها را با خود همراه می‌کرد.

همسر شهید سیدعلی اندرزگو، از جمله زنان مقاوم و مبارزی است که خاطرات همراهی او با آن شهید بزرگوار شنیدنی است. وی می‌گوید:

سال ۱۳۴۹، یک ماه مانده بود به تولد حضرت زهرا علیها السلام که عقد کردیم. یک ماه عقد کرده ماندم و روز تولد حضرت زهرا به خانه‌ی بخت رفتم. ایشان خانه‌ای در [محلّه] چیندر [تهران] گرفته بود. مستأجر بودیم با دو اتاق... مهدی چهار ماهه بود که از این خانه رفتیم. خانه‌ای رهن کرده بودند کنار خانه‌ی آقای صدری. حدود چهار ماه آن‌جا بودیم که یک روز ایشان آمدند و گفتند: من تحت نظر هستم و باید فرار کنیم. اگر شما مایل هستید با من بیایید. مقداری از اسباب‌ها را زود جمع کردیم و آمدیم به قم... چند ماهی در همین کوچه که آن روزها در اطراف شهر قم بود، زندگی کردیم؛ ولی به خاطر این‌که خانه لو رفته بود، دوباره فرار کردیم تهران. البته دیگر اسباب و اثاثیه نیاوردیم. یک ساک برداشتم و مهدی را.

... وقتی رسیدیم تهران، سه روز ماندیم... با قرض گرفتن یک اتومبیل پیکان از دوستی به طرف مشهد رفتیم. ده روزی مشهد ماندیم و دوباره مجبور به فرار شدیم. رفتیم زابل تا از آن جا برویم افغانستان و گذرنامه‌ای درست کنیم و برویم عراق و در این کشور ماندگار شویم.

... در آن چند سال، آن قدر خانه عوض کردیم که تعداد آنها از یادم رفته است. آن قدر جابه جا شدیم که امید استقرار در یک خانه را ولوبه مدت یک سال نداشتیم. البته در خانه‌ی آخری که فرزند سوممان به دنیا آمد، یک سالی بود که نشسته بودیم. سه فرزند من در مشهد به دنیا آمدند. چون کسی را نداشتیم، موقع وضع حمل، همه‌ی کارها را خودم می‌کردم و بعد از چند روز بلند می‌شدم و به کارهایم می‌رسیدم. حالا خدا چه قوتی به من داده بود، فقط خودش می‌داند. البته هفته اول را خود شهید اندرزگوز خانه بیرون نمی‌رفت و به کارهایم می‌رسید.

... [ساواک همسر شهید را با فرزندان کوچکشان دستگیر می‌کند و به زندان می‌برد. در زندان] بازجویی از من حدود دو ماه طول کشید. ... یادم هست که برایم جانماز آوردند. دو، سه تا پتو آوردند که همه‌اش پراز شپش بود! بچه‌ام دایم گریه می‌کرد. گرسنه بود. یک شب سربازی آمد دم سلول و گفت: چرا این بچه این قدر گریه می‌کند؟ گفتم: گرسنه است؛ سلول هم تاریک است؛ این پتوها هم پراز شپش است؛ آدم بزرگ با این شرایط نمی‌تواند بخوابد؛ این طفل شیرخوار چطور بخوابد؟ سرباز سرش را پایین انداخت و رفت یک شیشه شیرپاستوریزه کوچک آورد. اول یک تکه نان آورد که پس دادم و گفتم، این بچه که نمی‌تواند نان بخورد. رفت و شیر آورد. به سرباز گفتم: این بچه، اگر شیر را بخورد، دل درد می‌گیرد. سرباز گفت: می‌روم کمی نبات می‌آورم و آورد. به من هم گفت: به کسی نگویی که این‌ها را برایت آوردم. دلم برای این بچه می‌سوزد.^۱

۱. «شهید اندرزگو در قامت یک همسر»، در گفت‌وگو با کبری سیل سه‌پور، شاهد یاران، ش ۲۴، ص ۵۲-۵۶.

همسر استاد شهید مطهری نیز می‌گوید:

در ۱۵ خرداد سال ۴۲ که امام دستگیر شدند، عوامل رژیم دنبال آقای مطهری آمدند. شب عاشورایی بود که ایشان سخنرانی عجیبی کرده بودند و به منبری‌ها گفته بودند که: باید واقعیت را بگویید و در مقابل همه نوع حادثه و گرفتاری بایستید. بعد از آن سخنرانی بود که نیم ساعت بعد از نیمه شب، ایشان به منزل آمدند. منزل ما یک حیاط ۱۰۰ متری در کوچه [دردار] بود. آن روز بچه‌ای دوماهه نیز داشتم. ایشان طبق معمول یک ذره پنیر و یا کره می‌خوردند. همان شام مختصر را از من طلب کردند و من رفتم شام بیاورم. در زدند و استاد برای بازکردن در به حیاط رفتند. آنها دائم مطهری را می‌کشیدند و ایشان می‌خواستند لباس عوض کنند؛ ولی اجازه نمی‌دادند. من آمدم جلو. ایشان به من گفتند: [لباس‌های مرا بیاور]. در جیب قبای ایشان پر بود از اعلامیه و دفتر تلفن و مدارک. من فوراً رفتم و قبای دیگری برای ایشان آوردم. آن شب ایشان را دستگیر کردند و نزدیک به دو ماه زندانی بودند. وقتی آزاد شدند، در اولین دیدار با من، خندیدند و گفتند: اگر کار تو نبود و آن قبا را عوض نکرده بودی، رازهای ما کشف شده بود! تو خیلی زرنگی کردی.^۱

شجاعت انقلابی و دفاع از راه و هدف شهید نواب صفوی، از زبان همسر وی شنیدنی است:

همسر شهید نواب صفوی پیرامون واکنش به تیرباران آن مرد بزرگ گفت: من به مسگرآباد محلی که آقای نواب را دفن کرده بودند، رفتم. ۲۸ کامیون نظامی آنجا بود، سربازهای دربار صف به صف آنجا ایستاده بودند. عده‌ای از مردم هم حضور داشتند و در کل فضا زیاد شلوغ بود. من داشتم به شدت گریه می‌کردم تا این‌که یکی از سربازهای شاه با پوتین به من زد و گفت: بلند شو اتفاقی نیفتاده است! من بلند شدم و گفتم: شما هم کسانی هستید که آل محمد را مانند بنی‌امیه

۱. شیرودی، «تبیین مبارزات انقلابی شهید مطهری در عرصه خاطره‌ها»، مجله رواق اندیشه، ش ۴.

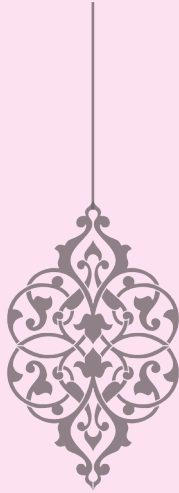
دلدار می دادید و شروع کردم حماسی صحبت کردن، طوری که نظامی‌ها گریه می‌کردند؛ گفتم: نواب همیشه می‌گفت: ای کاش من عاشورا بودم و جدم را یاری می‌کردم و چه خوب یاری کردی جدت را. خدایا این قلیل قربانی را از ما بپذیر و همین‌طور ادامه می‌دادم و سربازها گریه می‌کردند رو کردم به آنها و گفتم گریه کنید که اشک‌های شما هرگز خشک نخواهد شد. به خدا اگر مردهای ما را بکشید ما زنان مقابل‌تان خواهیم ایستاد و شروع کردم به خاندان پهلوی اعتراض کردن. یک ساعت و نیم بدون انقطاع صحبت کردم که بعضی‌ها تعجب می‌کردند چطور من در آن حال و هوا می‌توانستم این‌گونه صحبت کنم. دلم می‌خواست رگبار را به من ببندند و من نیز به شهادت برسم.

یکی از علمای بزرگ تهران رفته بودند پیش پدرم و به ایشان گفته بودند: آقای نواب احتشام من خطبه حضرت زینب علیها السلام را در کتاب‌ها خوانده بودم؛ ولی امروز با چشم خودم دیدم که شبیه شما چه سخنرانی کرد. بلا تشبیه مثل عمه ایشان حضرت زینب علیها السلام سخنرانی گفتند که همه را به تعجب واداشته بود. در روزنامه‌ها آن زمان هم نوشته بودند سخنرانی‌های همسر نواب صفوی مردم را آماده انقلاب کرده و سخنان آتشین همسر نواب شوری به پا کرده که ممکن است مردم انقلاب کنند.^۱ مادر شهیدی خدمت حضرت امام قدس سره رسید. عکس اول را تقدیم کرد و گفت: پسر اولم، اسمش آقا محسن. عکس دوم را تقدیم کرد و گفت: پسر دومم، اسمش آقا محمد بود. دو سال از آقا محسن کوچیک‌تره. عکس سوم را که می‌خواست تقدیم کند دید، شانه‌های امام از گریه می‌لرزید. مادر شهید عکس‌ها را جمع کرد، گذاشت زیر چادرش و گفت: چهار پسر دادم تا اشکت را نبینم عزیز زهرا علیها السلام.^۲

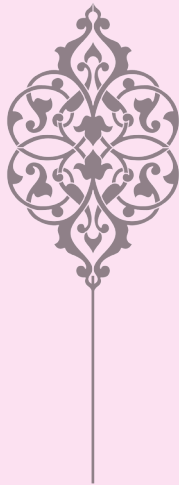
۱. «همسر شهید نواب صفوی در گفت‌وگو با صابرنیوز»، پایگاه خبری - تحلیلی صابر، شناسه خبر: ۹۱۳۵۸.

۱۳۹۵/۰۲/۲۷.

۲. «عشق به امام در نگاه مادر شهید»، پایگاه بدریون، شناسه خبر: ۱۱۲۷/۰۴/۱۳۹۲.



فصل چهارم:
فرزند پروری



این سخن حکیمانه حضرت امام ع فرمود: «مرد از دامن زن به معراج می‌رود»^۱، اشاره به بانوان بزرگوار و مردآفرینی دارد که بسیاری از موفقیت‌های مردان بزرگ و اثرگذار تاریخ، مرهون زحمت‌ها و فداکاری‌های آنان است. در رأس ایشان، سرور زنان دو عالم حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا ع قرار دارد که الگویی کامل و جاویدان برای همیشه تاریخ بشریت می‌باشند و به پاس داشت آن بانوی گرامی، روز میلادش، از سوی امام خمینی ع روز زن و روز مادر نام گرفت.

روز بزرگ و اجتماع عظیم و محلّ مبارک، روز ولادت زهراى مرضیه (روز زن) است؛ روز پیروزی زن و روز نمونه‌ی زن در عالم. زن نقش بزرگی در اجتماع دارد و مظهر تحقق آمال بشری باشد. زن پرورش‌ده زنان و مردان ارجمند است. مرد از دامن زن به معراج می‌رود. دامن زن، محلّ تربیت بزرگ‌زنان و بزرگ‌مردان است. روز بزرگی‌ست، زیرا زنی به دنیا آمد که مقابل همه مردان است؛ زنی به دنیا آمد که نمونه‌ی انسان است و زنی به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه‌گراست. پس روز، روز بزرگی‌ست؛ روز شما زنان است!^۲

در طول تاریخ، زنان بسیاری با الگوگرفتن از آن بانوی نمونه و بی‌همتای اسلام، به روشنی درخشیدند و فرزندانى را به جامعه اسلامى تحویل دادند

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱.

۲. همان.

که نامشان پس از گذشت قرن‌ها، مثل خورشید فروزان، هنوز می‌درخشد و به جان‌ها روشنی می‌بخشد.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام گرفته تا همه بزرگان و اندشمندان مسلمان و حتی غیرمسلمان براهمیت و جایگاه حساس و والای مادر در تربیت فرزند تأکید دارند. امام خمینی ره در اهمیت نقش مادر می‌فرماید: اوّل مدرسه‌ی کودک، دامن مادر است. مادرِ خوب، بچه‌ی خوب تربیت می‌کند؛ و خدای نخواستہ، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید؛ چون بچه‌ها آن علاقه‌ی که به مادر دارند، به هیچ کس ندارند، و تمام آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند. حرف مادر، خُلق مادر، و عمل مادر، در بچه‌ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر، که اوّل کلاس است، رشد می‌کند. این دامن اگر دامن‌ی طاهر، پاکیزه و مهذب باشد، بچه از همین اوّل که دارد رشد می‌کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می‌نماید. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاقِ خوش، اعمال صحیح و گفتار خوش دارد. از این رو از همان جا، اعمال و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است، تربیت می‌شود.^۱

نیز خطاب به مادران چنین می‌فرماید:

با بچه رو راست باشید تا آنها هم رو راست باشند. الگوی بچه، پدر و مادر هستند. اگر با بچه‌ها درست رفتار کنید، بچه‌ها درست بار می‌آیند. هر حرفی را که به بچه‌ها زدید، به آن عمل کنید.^۲

دامن مادرها دامن‌ی است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۸۳.

۲. رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۳۱.

مرتبه‌ی تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای این‌که علاقه بچه به مادر، بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه‌ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می‌کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند.^۱

از این رو، در این بخش به بیان نکاتی ارزشمند و کاربردی از سیره‌ی همسران علما و بزرگان در زمینه فرزندپروری پرداخته شده است.

۱. استمداد از خداوند در تربیت

از آن‌جا که شیطان برای انسان دشمنی قسم خورده است و با از دست دادن ثمره‌ی عبادت چندین هزار ساله خود، چیزی برای از دست دادن ندارد، پیوسته به دنبال وسوسه و به انحراف کشاندن انسان است. انسان در شرایط طبیعی، قدرت رویارویی با فریب‌های شیطان را ندارد و لازم است با یاری از قدرتی که مافوق قدرت اوست، به دفع حملات او پردازد: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲؛ به طور یقین، اگر از شیطان به خدای متعال پناه ببریم، از سوی او تهدیدی متوجه ما نخواهد بود؛ به همین دلیل، همسر عمران همین که فرزندش را به دنیا آورد و نام «مریم» براو نهاد، او را برای همیشه از شیطان به خدا پناه داد و نشان داد که انسان پیش از هر چیز باید به فکر سلامتی فرزند از شر شیطان باشد.^۳ خدای

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۹۰.

۲. و اگر از جانب شیطان دست‌خوش وسوسه‌ای گردی، به خدا پناه ببر که او شنوا و داناست. (فصلت، آیه ۳۶)

۳. قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۶.

سبحان نیز این خواسته مادر مریم را اجابت کرده، خود تربیت او را برعهده گرفت و پیامبرش زکریا را نیز سرپرست امور وی قرار داد و ثابت کرد که اگر کسی به تربیت معنوی فرزند خود اهتمام ورزد و این بخش مهم از تربیت را به خدا واگذار نماید، خدا نیز این وکالت را پذیرفته و به نحو شایسته‌ای به انجام می‌رساند. «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ... وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»^۱

۲. تربیت فرزند، بهترین عبادت مادر

در خاطرات یکی از نوه‌های حضرت امام خمینی قدس سره آمده است:

امام همیشه به مادرم توصیه می‌کردند که بهترین عبادت برای مادر، نگه‌داری از فرزندان و تربیت آنان است. چنان که مادرم، در اوایل انقلاب خواسته بودند که در کارهای اجتماعی شرکت کنند؛ ولی، به دلیل کوچک بودن بچه‌ها، امام از ایشان خواستند که به تربیت فرزندان خود بپردازند.^۲

در فرمایش‌های رهبری علیه السلام نسبت به اهمیت نقش زن در خانواده آمده است: علت این‌که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پای بند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشائید، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد.

۱. هنگامی که زن عمران گفت: ... او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تومی‌آورم. پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او پذیرفت و به وجهی پسندیده پرورش داد و زکریا را به سرپرستی او گماشت. (آل عمران،

آیه ۳۵-۳۷)

۲. ستوده، پایه‌های آفتاب، ج ۱، ص ۳۳۰.

این، هنرزن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.^۱

۳. نقش مادر در تربیت انسان‌های والا

علامه حسن‌زاده آملی در خاطراتش می‌گوید:

پدرم کاسب بود و مادرم خانه‌دار. در خردسالی مادرم را از دست دادم، ولی آن‌چه برکت زندگی من است، از مادرم و روزی حلال پدرم بوده است. مادر من به قداست، طهارت، پاکی، نجابت و تقوا زبان زد بود. در کتاب قانون شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا هم هست که نیتات و حالات پدر و مادر در شرایط نطفه بر کودک اثر دارد؛ رفتار و کردار والدین بر کودک اثر می‌گذارد؛ خلق و خوی و رحم مادر در کودک اثر می‌گذارد. مادر هر چه پاک‌تر، شایسته‌تر، نجیب‌تر و باتقواتر باشد، فرزندش هم ارزنده‌تر خواهد شد.

کودکی ده ساله بودم، در کلاس دوم ابتدایی که مادر جوانم مخاطب به خطاب «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»^۲ گشته، به رحمت الهی رفت. در همه‌ی آثارم به فارسی و عربی گفته‌ام: خیر و برکتی که دارم، از مادرم دارم. من خیلی مفتخرم و به خود می‌بالم که در دامن پاکی رشد کرده‌ام.^۳

مرحوم خانم میردامادی (مادر مقام رهبری دامت‌الله) نیز در اهمیت نقش مادر چنین می‌گوید:

به بچه‌هایتان ظلم نکنید تا بچه‌هایتان ظالم نشوند؛ به بچه‌هایتان رحم کنید تا بچه‌هایتان رحم‌دل شوند؛ به بچه‌هایتان دروغ نگویند تا بچه‌هایتان دروغ نگویند؛ مال حرام به بچه‌هایتان ندهید؛ شیر ناپاک به بچه‌هایتان

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. فجر، آیه ۲۷-۲۸.

۳. واحد پژوهش انتشارات هنارس، شیخ خرابات، ص ۱۹-۲۰.

ندهید؛ غذای ناپاک به بچه‌هایتان ندهید؛ بچه‌هایتان را فقط تشویق به درس [خواندن] نکنید، تشویق به امور دینی هم بکنید. بچه‌هایم وقتی قصه می‌خواستند، قصه‌های قرآن را می‌گفتم. مادر در [تربیت] اولاد خیلی تأثیر دارد ... من بچه‌هایم را این طور بزرگ کرده‌ام.^۱

۴. اثر روحيات و معنويت مادر بر فرزند

گاهی پرسیده می‌شود که چه کنیم بچه‌ها در خانه معنوی بار بیابند؟ بهترین پاسخ آن است که والدین و به‌ویژه مادران باید از خودشان شروع کنند. وقتی فرزندان، پدر و مادر خود را اهل ذکر، دعا، نماز، عبادت و به طور کلی اهل معنویت ببینند، به طور فطری از آنان الگومی گیرند.

حضرت امام رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در اهمیت نقش مادر در این زمینه می‌فرماید:

اسلام از شما این معنا را می‌خواهد که فرزندان را، در دامن خود مهذب کنید! دامن خود را منور نمایید به نور این بچه‌های اسلامی، که این‌ها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت به دست آنهاست.^۲

مقام معظم رهبری رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نیز در بیان خاطرات کودکی خود می‌فرماید:

یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به‌جا آوردم. اعمال آن روز، طولانی هم هست - لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند - چند ساعت طول می‌شد. اعمال از بعد از نماز ظهر و عصر شروع می‌شود و اگر انسان بخواهد به همه‌ی آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب، روزهای نه چندان بلند، به طول می‌انجامد. آن وقت من یادم است که با مادرم، چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبی بود، می‌رفتیم یک گوشه‌ی حیاط که سایه بود، منزل ما حیاط کوچکی داشت، آن‌جا فرش پهن می‌کردیم؛

۱. بهبودی، شرح اسم، ص ۲۶.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۹.

چون مستحب است که زیر آسمان باشد. هوا گرم بود. آن سال‌هایی که آن در ذهنم مانده یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می‌نشستیم و ساعت‌های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می‌دادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم می‌خواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، می‌خواندیم. دوره‌ی جوانی و نوجوانی من این‌گونه بود؛ دوره‌ی اُنس با معنویات و با دعا و نیایش^۱.

۵. دقت در لقمه‌ی حلال

از مادر مقدس اردبیلی رحمته‌الله سبب مقام ارجمند فرزندش را سؤال کردند، فرمود: من هرگز لقمه‌ی شبهه‌ناک نخوردم و قبل از شیر دادن به او، وضو می‌گرفتم؛ و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت کودک بعد از شیرباز گرفتن، کوشیدم؛ و نظافت و طهارت او را مراعات داشتم؛ و با بچه‌های خوب، او را می‌نشاندم^۲.

شهید بزرگوار حاج شیخ فضل‌الله نوری، چون مشروطه را در جهت اسلام نمی‌دید، با آن مخالفت کرد. عاقبت او را گرفتند و زندانی کردند. شیخ پسری داشت که این پسر بسیار اصرار داشت پدرش را اعدام کنند! یکی از بزرگان گفته بود به زندان رفته و علت را از شیخ فضل‌الله پرسیده بود که چرا یکی از پسران شما از باب «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ» به این اندازه شرور شده است؟ مرحوم شیخ فضل‌الله ابراز داشت که خود من هم انتظارش را داشتم. پسر من چنین از کار درآید و فرمود: «آن چیزهایی که من از او دیده‌ام و می‌بینم، شما ندیده‌اید و بعداً خواهید دید. این فرزند همانا قاتل من خواهد بود و کسی است که در پای دار

۱. گفت‌و شنود صمیمانه رهبرانقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۴/۱۱/۱۳۷۶.

۲. حسینی یزدی، «داستان‌هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی»، مجله پیام حوزه، ش ۱۱ و ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.

من کف زنان، شادی کند و تبریک بگوید!»

چون شیخ شهید، اثر تعجب را در مخاطب دید، اضافه کرد: «شیری که خورده، نجس و خبیث بوده و زن شیردهی که او را تربیت نموده، نجس و پلید بوده است.» و ماجرایش را بیان کرد که: «آن زمانی که در سامرا در محضر استاد بزرگ میرزای شیرازی مشرف بودم، خداوند این پسر را به من داد. مادرش بیمار بود و شیرنداشت، لذا برای شیردادن به او ناچار به گرفتن دایه شدیم. بدون تحقیق زنی را برای دایگی او اجیر کرده و به تربیت او گماشتیم تا حدود دو سال او را شیرداد. بعد معلوم گردید که آن زن ناصبی و از خوارج و از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و دو سال شیر ناپاک به او داده است. نجس و حرام مجهول هم تأثیر خود را می‌گذارد.» آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام «کیانوری» که رئیس حزب توده شد.^۱

علامه محمدباقر مجلسی رحمته الله فرزند علامه محمدتقی مجلسی رحمته الله، وقتی که هفت ساله بود، هر روز با پدر خود به مسجد می‌رفت. يك شبی در صحن مسجد بازی می‌کرد. سقایی مشك آبی داشت. مشك آب خود را در صحن مسجد گذاشت و به نماز رفت. این بچه هفت ساله، يك سوزن در مشك آب آن سقا زد و آب از مشك فوران کرد. این كودك هم لذت می‌برد و وقتی که سقا آمد، دید که مشك سوراخ شده و آبی در مشك نیست، گفت: چه کسی این کار را کرده؟ گفتند: پسر علامه مجلسی.

۱. حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۴۱.

این قضیه به گوش علامه مجلسی اول رسید. خیلی از این قضیه ناراحت شد. آمد خانه پیش خانمش؛ به خانمش گفت که من آن چه باید قبل از انعقاد نطفه مراعات کنم، مراعات کردم؛ آن چه در وقت انعقاد نطفه دستور بود، عمل کردم و از نظر غذا مواظب بودم و این کاری که بچه کرده است، تقصیر تو باید باشد. فکر کن بین چه کاری کردی؟ اتفاقاً زن به یادش آمد، گفت که بله تقصیر من است. من وقتی که باردار بودم به خانه‌ی همسایه رفتم. در موقع بازگشت در دالان خانه‌ی همسایه، یک درخت انار بود و من خیال کردم که این انار ترش است و چون باردار بودم، تمایل به ترشی پیدا کردم؛ لذا برای همین سوزنم را از زیر گلویم در آوردم و به انار زدم و انار را مکیدم و دیدم انار شیرین است و انار را رها کردم و به صاحب منزل نگفتم. آن آب انار غصبی، اثر گذاشت روی بچه و بچه در سن هفت سالگی سوزن را فرو کرد در مشك سقا!

بانوی مجتهده مرحوم نصرت امین در این باره می‌گوید:

پدر و مادری که عمر خورا با لهو و لعب و فساد اخلاق و الکل و مشروبات دیگر می‌گذرانند و پروایی از غذای حلال و حرام ندارند، اخلاق آنها در طفل تأثیر کلی دارد؛ زیرا که روحیه‌ی طفل بسیار مناسب روحیه‌ی پدر و مادر است.^۱

۶. آموزش احکام اسلامی

تربیت دینی از وظایف مهم والدین است و باید نسبت به آن توجه کرده و آموزه‌ها و آداب اسلامی را به فرزندان خود یاد بدهند. از همسر شهید

۱. محمدی صیفا، مشق عشق، ص ۶۷.

۲. همایونی، زندگانی بانوی ایرانی، ص ۲۴۳.

مطهری رحمته الله نقل شده است:

ما اوایلی که به تهران آمده بودیم، خانه‌ای در خیابان ری، کوچه‌ی دردار داشتیم و چون در داخل منزل حمام نبود، ایشان (شهید مطهری) روز جمعه به من می‌گفتند: خانم! من امروز غذا درست می‌کنم و شما این دختر خانم‌ها را به حمام ببرید و به ایشان غسل جمعه را یاد بدهید. این‌ها باید روش غسل و یا احکام مبتلابه‌شان را بدانند. در آینده ممکن است ما نباشیم و نتوانند سؤال کنند و دچار مشکل شوند.^۱

نکته‌ای که در تربیت دینی و مذهبی کودکان باید توجه داشت، آن است که در تربیت از افراط و تفریط باید پرهیز کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: جوان بودم و در عبادت کوشش بسیار می‌کردم. پدرم به من فرمود: کمتر از این مقدار عبادت که از تو می‌بینم، به جای آور؛ زیرا خداوند وقتی بنده‌ای را دوست دارد، با عبادت کم از او راضی می‌شود.^۲

۷. دقت در گزینش مربی شایسته برای فرزند

وظیفه‌ی تربیت فرزند در سال‌های نخستین زندگی بر عهده‌ی مادر است؛ ولی پس از طی مراحل نخستین رشد، نیاز به مربی، به ویژه در زمینه‌ی پرورش عمیق الهی و معنوی احساس می‌شود. از آن‌جا که ویژگی‌های مربی نیز چون مادر در شکل‌دهی شخصیت کودک مؤثر است، لازم است والدین به ویژه مادر در تعیین مربی فرزند خود، دقت و حساسیت لازم را داشته باشند.

همان‌گونه که مادر مریم او را تحت حمایت الهی قرار داد، خداوند نیز به نیکویی مریم را پرورش داد و آن‌گاه زکریا را به عنوان مربی و سرپرست او معرفی نمود.^۳

۱. محمدی صیفا، مشق عشق، ص ۸۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ح ۹۵، ص ۵۵.

۳. حسین‌خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، ص ۱۱۷.

فاطمه، مادر سید رضی و سید مرتضی که هر دو از دانشمندان بزرگ شیعه هستند، بانویی پاک دامن و زاهد بود که روزهای گرم را روزه می‌گرفت و در تاریکی شب‌ها به عبادت خداوند می‌پرداخت.

مرحوم شیخ مفید رحمته الله علیه که از بزرگ‌ترین علمای شیعه است و تمام متأخرین از او استفاده کرده‌اند، شبی در عالم رؤیا دید که حضرت فاطمه علیها السلام دست امام حسن علیه السلام و امام حسین علیهما السلام را گرفته، وارد مسجد شدند و به شیخ مفید فرمودند: فرزندانم را بپذیر و به آن‌ها فقه بیاموز!

شیخ مفید از خواب بیدار می‌شود و شگفت زده با خود فکر می‌کند که موضوع چیست؟! هنگامی درس فرا می‌رسد و شیخ مثل هر روز به محل تدریس می‌رود. در آغاز درس، خانمی به همراه دو فرزندش وارد مسجد می‌شوند و به نزدیک شیخ مفید می‌روند. مادر به استاد می‌گوید: فرزندانم را بپذیر و به آن‌ها فقه بیاموز! شیخ مفید که راز خوابش را فهمیده بود، مشغول تعلیم آن دو که کسی جز سید رضی و سید مرتضی نبودند، شد و سرانجام آن دو بزرگوار، از علمای بزرگ شیعه شدند که هر دو، آثار بزرگ علمی، فقهی و تفسیری مفیدی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

همه این ارزش‌ها، مرهون ایمان، اخلاص و پاکی مادرشان فاطمه بود. سید رضی، خود درباره مادرش می‌گوید: «اگر همه مادران، به خوبی، پاکی و وظیفه‌شناسی او بودند، فرزندانشان به پدر نیازی نداشتند.»^۱

فاطمه کوهستانی، همسر حاج شیخ مهدی کوهستانی بهشهری [و مادر

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی^[۱]، بانویی با ایمان و پاک دامن و مادری خردمند و باکفایت بود. قناعت و ساده زیستی همراه با کیاست و تدبیر از صفات این بانوی صالح به شمار می آمد. از جهت معیشتی، وضعیت مناسبی نداشت اما بسیار سخاوت مند بود و به فقرا و مستمندان رسیدگی می کرد و در برآوردن حوائج آنان می کوشید. به خاندان عصمت و طهارت به ویژه سیدالشهدا علیه السلام علاقه ی وافر داشت و هفتگی در منزل، مراسم روضه و عزا برپا می کرد. از آن جا که وی زنی لایق و مسئولیت شناس بود، با از دست دادن همسر دانشمند خود، ضعف و سستی به خود راه نداد، بلکه به خوبی از عهده ی مسئولیت خطیر تربیت تنها یادگارش برآمد و در رشد فکری و تعالی روحی او اهتمام ورزید. مادر، پس از اتمام دوره مکتب خانه ی محمد، فرزندش را جهت تحصیل علوم دینی به حوزه فرستاد و به ادامه دادن راه پدرش تشویقش کرد. اسباب و مقدمات تحصیل فرزندش را خود مهیا می ساخت و زحمات و دشواری ها را بر خود هموار می کرد تا طلبه نوجوانش فقدان پدر را احساس نکند و با خیالی آسوده، راه پیشرفت و ترقی را بییماید. خود، ساده زندگی می کرد و لباس کرباس برتن می نمود و در پاسخ آنان که به وی اعتراض می کردند که چرا از لباس بهتری استفاده نمی کنی و بیشتر به خود نمی رسی، می گفت: فرزندم مشغول تحصیل است، باید طوری زندگی کنم که بتوانم مخارج تحصیل او را فراهم کنم. آن مادر فداکار، آن قدر در جهت تحصیل و رشد علمی فرزندش اهتمام ورزید که یک بار ناچار شد مقداری از زمین های مزروعی خود را بفروشد و

هزینه‌ی زندگی‌اش را تأمین کند. هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد که دیگران مخارج زندگی و تحصیل فرزندش را به عهده بگیرند. معمولاً هزینه و مخارج زندگی‌اش را علاوه برداشتن مقداری زمین کشاورزی از طریق هنردستی، مثل کلاه‌بافی و غیره اداره می‌کرد.

از جمله قضایایی که نشان دهنده‌ی علوّ همت و روح بلند آن زن شایسته است. آن‌که وقتی به او خبر دادند یکی از تجار خیرخواه، عده‌ای از مؤمنین را تشویق نمود که برای مخارج زندگی پسرش اعانه‌ای جمع‌آوری کنند و برایش به نجف بفرستند، از این خبر برآشفت و به آن تاجر پیغام فرستاد که: «شیخ محمد مقتی نیست تا برای او جیره جمع کنید! پسرم احتیاج به این پول‌ها ندارد، خودم هزینه‌اش را تأمین می‌کنم.» وقتی این سخن به پدر مرحوم آیت‌الله برهانی رسید، از همت بلند آن مادر شگفت زده شد و گفت: «به راستی که او زنی بلند همت و مردآفرین است.»^۱

۸. تقویت روحیه‌ی انقلابی و جهادی فرزندان

زنان مردآفرین، هم خود روحیه‌ی انقلابی و مبارزه دارند و هم فرزندان خود را چنین تربیت می‌کنند. تاریخ انقلاب (چه پیش از آن و چه پس از آن)، سرشار از شیرزنانی است که هم دوش شوهرانشان در مبارزه حضور داشتند. درباره‌ی زندگی مادر معظم رهبری علیه‌السلام آمده است:

بانو خدیجه، زنی شجاع بود و این خصلت در همه‌ی امور زندگی او نمود داشت. این ویژگی در زمان مبارزه‌ی پسرانش با حکومت پهلوی، بارها، چه در

۱. کوهستانی، برقله پارسایی، ص ۱۵-۱۶.

برخورد با مأموران و چه در ملاقات با پسران زندانی اش بروز داشت.^۱ می‌گویند در این موارد دیده نشده که زبان التماس به کار برد و در برابر اهانت یا درشت‌گویی‌های مأموران کوتاه بیاید. کسی یاد ندارد بانو خدیجه در میان خانواده یا نشست‌های خویشاوندی از زندان رفتن فرزندان خود شکوه کرده باشد. او در برابر اظهار ترخم دیگران می‌ایستاد و به آنان گوشزد می‌کرد که این اقدام دل‌سوزی ندارد. مبارزه کرده، در راه خدا زندان رفته؛ اگر افتخار نمی‌کنید، به ترحم شما هم نیازی نیست. «هر بار از زندان می‌آمدم بیرون، می‌شنیدم که مادرم برخورد هایش این طوری بوده، مقدار زیادی از خستگی من در می‌آمد.» خانم میردامادی وقتی برای دیدار پسرانش به زندان می‌رفت، مادرانه حرف نمی‌زد و از رنجی که می‌کشید واگویی نمی‌کرد. آنان را به کوتاه آمدن در فعالیت‌های سیاسی تشویق نمی‌نمود. کلمه‌ای نمی‌گفت که روحیه پسرانش را بلرزاند. با مأموران زندان در بیرون یا درون اتاق ملاقات بی‌اعتنا رفتار می‌کرد و زبانش تند و تیز بود. پسر کوچکش، سید محمد حسن، می‌گوید: «شیری که مادرمان به ما داد با نفرت از پهلوی عجین بود.»^۲

وَ اخِرُ عَوَانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱. بهبودی، شرح اسم، ص ۱۹-۲۰.

۲. همان، ص ۱۹-۲۰.

فهرست منابع

الف. فارسی و عربی

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ۱. آیت اللهی، زهرا و دیگران؛ **اخلاق خانواده**؛ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲.
- ۲. ابراهیم هلال، ابراهیم؛ **من بطولات المرأة فی القرآن الکریم**؛ مصر: مکتبه النهضه المصریه، ۱۴۰۶ق.
- ۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ **شرح نهج البلاغه**؛ قم: مکتب اسماعیلیه، [بی تا].
- ۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ **الخصال**؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۷.
- ۵. _____؛ **امالی**؛ نجف: المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۹ق.
- ۶. _____؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
- ۷. ابن شاذان القمی، ابوالفضل؛ **الفضائل**؛ قم: رضی، ۱۳۶۳.
- ۸. ابن هشام، ابو محمد عبد الملک؛ **السیره النبویه**؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
- ۹. امیری سوادکوهی، محمد قوام الدین؛ **ایازی از ملکوت** (شرح حال آیت الله ابوالحسن ایازی)؛ قم: سلسله، ۱۳۸۷.
- ۱۰. امین، محسن؛ **اعیان الشیعه**؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
- ۱۱. ایمانی، محسن؛ **بررسی ابعاد تربیتی و روان شناختی دوران عقد**؛ تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
- ۱۲. بانکی پور فرد، امیرحسین؛ **عیش و معاش** (زندگی گوارا در پرتو اقتصاد

- اسلامی)؛ اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۳.
۱۳. بستان، حسین؛ **اسلام و تفاوت‌های جنسیتی**؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸-۱۳۹۱.
۱۴. بهبودی، هدایت‌الله؛ **شرح اسم** (زندگی‌نامه آیت‌الله خامنه‌ای)؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۲.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم؛ **نهج الفصاحه**؛ تهران: علمی، [بی‌تا].
۱۶. تیممی آمدی، عبدالواحد؛ **غررالحکم و دررالکلم**؛ ترجمه محمد رحمتی؛ قم: صبح پیروزی، ۱۳۹۲.
۱۷. جبل عاملی، احمد؛ یادگاران (۱۰): **کتاب زین الدین**؛ تهران: روایت فتح، ۱۳۸۶.
۱۸. جعفریان، حبیبه؛ **زندگی سید محمد حسین طباطبایی**؛ تهران: روایت فتح، ۱۳۹۰.
۱۹. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم؛ **گلشن ابران**؛ زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم؛ قم: نشر معروف، ۱۳۸۲.
۲۰. جوادی، محمدرضا؛ **فیلسوف شرق**؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۱. حایری مازندرانی، مهدی؛ **شجره طوبی**؛ قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۸.
۲۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعه**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق (۱۳۷۴ش).
۲۳. حسن‌زاده، صادق؛ **اسوه عارفان**؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها درباره عارف کامل علامه سید علی آقا قاضی تبریزی؛ قم: آل‌علی، ۱۳۷۹.
۲۴. حسین‌خانی، هادی؛ **تربیت الگویی زنان در قرآن**؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

۲۵. حسین زاده، علی؛ **مهارت‌های سازگاری**؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
۲۶. حسینی بهشتی، سید محمد؛ **ولایت، رهبری، روحانیت**؛ تهران: بقیه، ۱۳۸۶.
۲۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ **تاج العروس من جواهر القاموس**؛ تحقیق علی هلالی و علی سیری؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ **روح مجرد (یادنامه سیدهاشم موسوی حداد)**؛ مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۷ ق.
۲۹. _____؛ **مهرتابان (یادنامه علامه طباطبایی)**؛ مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۳۱ ق.
۳۰. حسینی، سید علی اکبر؛ **اخلاق در خانواده**؛ قم: قدسیان، ۱۳۸۹.
۳۱. حسینی، نعمت الله؛ **مردان علم در میدان عمل**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۲. خامنه‌ای، سید علی؛ **مطلع عشق** (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان)؛ گردآورنده محمد جواد حاج علی اکبری؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۳. خویی، سید ابوالقاسم؛ **صراط النجاة فی اجوبة الاستفتاءات**؛ تهران: دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. دشتی، محمد؛ **نهج الحیاه**؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرمؤمنان علی، ۱۳۷۳.
۳۵. دهخدا، علی اکبر؛ **لغت‌نامه**؛ تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا؛ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. دیلمی، شیخ حسن؛ **ارشاد القلوب الی الصواب**؛ قم: شریف رضی، ۱۴۱۲.

۳۷. راوندی، قطب الدین؛ **الدعوات**؛ قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ق.
۳۸. راوندی، سید فضل الله؛ **النوادر**؛ قم: دارالکتاب، [بی تا].
۳۹. رجایی، غلام علی؛ **برداشت هایی از سیره امام خمینی**؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۴۰. رخشاد، محمد حسین؛ **در محضر آیت الله بهجت**؛ قم: مؤسسه فرهنگی سما، ۱۳۸۷.
۴۱. زمخشری، محمود؛ **الکشاف عن حقائق التنزیل**؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۹۸۷م.
۴۲. **زن و بازیابی هویت حقیقی** (گزیده بیانات حضرت آیت الله خامنه ای)؛ به کوشش محسن کربلایی نظرو جمعی از محققین؛ تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۳. سبحانی نیا، محمدرضا و سعیدرضا علی عسگری؛ **مهر و قهر** (گلچینی از لطافت ها و صلابت ها در زندگی امام خمینی)؛ اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ ۱۲، ۱۳۷۹.
۴۴. ستوده، امیررضا؛ **پایه پای آفتاب** (گفته ها و ناگفته ها از زندگی امام خمینی؛ تهران): نشر پنجره، ۱۳۹۱.
۴۵. شاکر برخوردار، فرید؛ **آداب الطلاب** (سلسله مباحث اخلاقی و حوزوی آیت الله مجتهدی تهرانی)؛ تهران: انتشارات لاهوت، ج ۱، ۱۳۸۵.
۴۶. شورای سردبیری؛ **حاج آقا مجتبی**؛ تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی، ۱۳۹۲.
۴۷. شورای نظارت بر نشر آثار استاد مطهری؛ **استاد مطهری از نگاه خانواده**؛

- تهران: صدرا، ۱۳۹۱.
۴۸. شیری، زهره؛ **مهارت حل تعارض** (برای همسران)؛ تهران: سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی، ۱۳۸۷.
۴۹. طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن؛ **پاسخ به شبهات وهابیت**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، تابستان ۱۳۸۶.
۵۰. طباطبایی، محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مکارم الاخلاق**؛ قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۵۲. _____؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۳.
۵۳. طبری، محمد بن جریر؛ **تاریخ الامم و الملوک**؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۵۴. عاکف، سعید؛ **ساکنان مُلک اعظم (۲)**؛ شهید عبدالحسین برونسی؛ تهران: ملک اعظم، ۱۳۸۷.
۵۵. عالم‌زاده نوری، محمد؛ **راه و رسم طلبگی**؛ قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۷.
۵۶. _____؛ **لباس روحانیت**؛ چراها و بایدها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۵۷. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشتهاردی؛ **آموزه‌های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه**؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸-۱۳۹۰.
۵۸. عمید، حسن؛ **فرهنگ فارسی عمید**؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.

۵۹. قرائتی، محسن؛ **تفسیر نور**؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۶۰. قمی، شیخ عباس؛ **سفینه البحار**؛ تهران: دار الاسوه، ۱۴۱۶ق.
۶۱. _____؛ **منتهی الآمال**؛ تحقیق علی نظری منفرد؛ قم: جلوه کمال، ۱۴۲۱ق.
۶۲. کرمانشاهی، احسان و محمد علی گو؛ **مجمع ملوکوتیان** (گزیده‌ای از خاطرات چهل شهید شاخص روحانیت در یک صد سال اخیر)؛ قم: دارالهدی، ۱۳۹۰.
۶۳. کلینی، شیخ یعقوب؛ **الکافی**؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۴. کوهستانی، عبدالکریم؛ **برقله پارسایی** (شرح حال آیت الله شیخ محمد کوهستانی)، تهران: انتشارات ادباء، چاپ ۷، ۱۳۹۲.
۶۵. گلی زواره، غلام‌رضا؛ **سرای اهل صفا**؛ تهران: مکتب القرآن، ۱۳۸۰.
۶۶. متقی‌هندی، علاء‌الدین؛ **کنز العمال**؛ بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ق.
۶۷. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الأنوار**؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۶۸. محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۶۹. محمدی صیفار، مهدی؛ **مشق عشق** (۱۵۱ خاطره از سیره خانوادگی بزرگان دین)؛ قم: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.
۷۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ **به سوی خودسازی**؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۷۱. معاونت تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ **خانواده پویا**؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
۷۲. مقدسیان، محمد و محمد مهدی محمدی؛ **آداب معاشرت**؛ قم: زمزم

- هدایت، ۱۳۸۸.
۷۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ **صحیفه امام**؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۷۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ **صحیفه نور**؛ تهران: سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۷۵. مهدوی، ابوالحسن؛ **اسوه بندگی** (زندگی‌نامه مرحوم آیت‌الله سید بهاء‌الدین مهدوی)؛ اصفهان: نسیم رحمت، ۱۳۹۲.
۷۶. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ **یاد و یادگار** (خاطراتی از دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با همسر مکرّمه حضرت امام)؛ تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.
۷۷. مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم‌السلام؛ **فریادگر توحید** (عارف کامل حضرت آیت‌الله بهجت)؛ قم: انتشارات انصاری، چ ۱۵، ۱۳۸۸.
۷۸. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛ **خاطرات و حکایت‌ها**؛ تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱ ش.
۷۹. مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس؛ **الهیة**؛ تهران: شمس‌الشموس، ۱۳۸۴.
۸۰. نراقی، محمد مهدی؛ **جامع السعادات**؛ بیروت: اعلمی، بی‌تا، چاپ چهارم.
۸۱. نظری، مرتضی؛ **آن مرد آسمانی** (خاطره‌هایی از زندگی فیلسوف بزرگ قرن آیت‌الله علامه طباطبایی)؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۸۲. نوری، حسین بن محمد تقی؛ **مستدرک الوسائل**؛ طهران: المکتبه الاسلامیه، مکتبه العلمیه، ۱۳۸۲ ق.

۸۳. واحد انتشارات هنارس؛ **شیخ خرابات** (حضرت آیت الله علامه حسن زاده آملی)؛ قم: هنارس، ۱۳۹۰.
۸۴. وافی، علی؛ **نسیم هدایت** (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)؛ قم: انتشارات شفق، ۱۳۸۸.
۸۵. وجدانی، مصطفی؛ **سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی**؛ تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۷.
۸۶. همایونی، علویه؛ **زندگانی بانوی ایرانی**؛ اصفهان: گل بهار، ۱۳۸۲.

ب. مقالات و سایت‌ها

۸۹. «کاوشی در نقش مادری و همسری حضرت فاطمه»؛ مجله اشارات ایام، شماره ۱۵۰، بهار ۱۳۹۲.
۹۰. «گفت‌وگو با خانم نجمه سادات طباطبایی»؛ مجله‌ی زن روز، شماره ۸۹۲، آبان ۱۳۶۱.
۹۱. «مهرافروخته؛ روایتی تازه از زندگی و شخصیت علامه طباطبایی»؛ معارف؛ شماره ۷۲، دی ۱۳۸۸.
۹۲. «نسیم بهشت از کرانه عشق دوران کودکی و زندگی خانوادگی شهیدآیت الله قدوسی»؛ مجله پیام زن، شماره ۱۲۶، شهریور ۱۳۸۱.
۹۳. «نکته‌هایی از زندگی حضرت آیت‌الله مدنی»؛ ماهنامه امتداد، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۷.
۹۴. «نگاهی به سلوک و ساده‌زیستی مقام معظم رهبری»؛ خبرگزاری تسنیم، ۱۳/۳/۱۳۹۳.

۹۵. اخوی، ابراهیم؛ «امان از من»؛ مجله آشنا، شماره ۱۹۴، سال ۱۳۹۵.
۹۶. «یادمان شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۱۸، ۱۳۸۶.
۹۷. «یادمان شهید آیت‌الله علی قدوسی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۳۸، دی ۱۳۸۷.
۹۸. «یادمان شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۳۲، تیر ۱۳۸۷.
۹۹. «یادمان شهید سید علی اندرزگو»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۲۴، آبان ۱۳۸۶.
۱۰۰. «یادمان شهید مهدی شاه‌آبادی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۶۲، دی ۱۳۸۹.
۱۰۱. «یادمان شهید نواب صفوی»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۲، دی ۱۳۸۴.
۱۰۲. «یادمان هفتم تیر سالروز شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش»؛ ماهنامه شاهد یاران؛ انتشارات شاهد، شماره ۸، تیر ۱۳۸۵.
۱۰۳. «خانواده و وظایف مبلغان دینی» عبدالکریم تبریزی؛ مجله مبلغان، شماره ۵۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.
۱۰۴. «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی» علی حسین زاده؛ مجله معرفت اخلاقی؛ شماره ۴، سال ۱، ۱۳۷۹.
۱۰۵. «نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر»؛ مجله معرفت اخلاقی،

شماره ۲، سال ۱، بهار ۱۳۸۹.

۱۰۶. «داستان‌هایی از زندگی فقیه محقق مقدس اردبیلی»؛ سید محمدعلی

حسینی یزدی؛ مجله پیام حوزه، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۵.

۱۰۷. «نگاهی گذرا به زندگی بزرگان؛ مرحوم محمدتقی فلسفی»؛ سیدمحمدرضا

حسینی؛ مجله معارف اسلامی، شماره ۴۵، سال ۱۳۷۹.

۱۰۸. «نقش الگوهای نمادین و غیر کلامی در ارتباط همسران»؛ سید علی اکبر

حسینی؛ سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی، شماره ۱۱۰، مدیریت تربیتی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۰۹. «حریم نامحرمان»؛ سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی، شماره ۴۴،

مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۱۰. «بازشناسی مرزهای ارتباطی با خانواده همسر»؛ عباس رضانی فرانی؛

روزنامه خراسان، ۱۳۹۱/۲/۱۲.

۱۱۱. «تبیین مبارزات انقلابی شهید مطهری در عرصه خاطره‌ها»؛ مرتضی

شیروودی؛ مجله رواق اندیشه، شماره ۴۰، فروردین ۱۳۸۴.

۱۱۲. «خانواده و رسانه (۳): ماهواره»؛ کاظم علی محمدی؛ سایت مدیریت

مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه.

۱۱۳. «حریم نامحرمان (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)» معاونت تربیتی

- فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ قم: آموزشی و پژوهشی

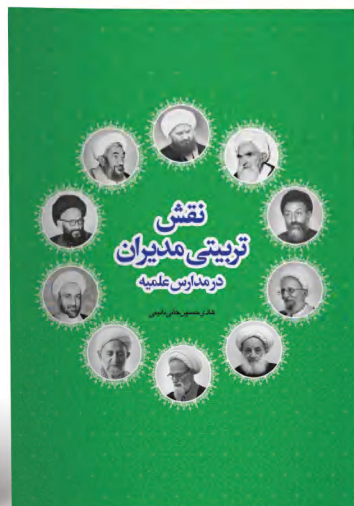
امام خمینی، شماره ۴۴.

۱۱۴. «خانه، کانون مهر و محبت (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم:

- آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۴۵.
۱۱۵. «عوامل تقویت محبت میان همسران (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۴۰.
۱۱۶. «مدارا در خانواده (سلسله گفتارهای تربیتی و اخلاقی)»؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۳۷.
۱۱۷. نشریه خانه خوبان؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پیش شماره ۲، شماره ۱، ۶، ۷، ۱۹، ۲۶، ۵۱.
۱۱۸. «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»؛ محمد میانجی؛ مجله مبلغان، شماره ۲۳، آذر ۱۳۸۰، ص ۳۹-۴۹.
۱۱۹. www.akhlagh.net.
۱۲۰. www.akhlagh.tahzib-howzeh.ir.
۱۲۱. www.farhangsite.ir.
۱۲۲. www.farsi.khamenei.ir.
۱۲۳. www.hajimad.mihanblog.com.
۱۲۴. www.hawzahnews.com.
۱۲۵. www.masomiye-qom.kowsarblog.ir.
۱۲۶. www.mesbahyazdi.ir.
۱۲۷. www.mortezamotahari.com.
۱۲۸. www.motahari.ir.
۱۲۹. www.motaleat.tahzib-howzeh.com.
۱۳۰. www.motaleat.tahzib-howzeh.ir.
۱۳۱. www.nahad.kashanu.ac.ir.
۱۳۲. www.navideshahed.com.
۱۳۳. www.quran.al-shia.org.
۱۳۴. www.rahbordi.ir.
۱۳۵. www.sabernews.com.

۱۳۶. www.v0.bahjat.ir
۱۳۷. www.aghatehrani.ir
۱۳۸. www.andisheqom.com
۱۳۹. www.bahjat.ir
۱۴۰. www.fardanews.com
۱۴۱. www.farsnews.com
۱۴۲. www.ghasednews.com
۱۴۳. www.ghbook.ir
۱۴۴. www.gholleha.ir
۱۴۵. www.hawzah.net
۱۴۶. www.imam-khomeini.ir
۱۴۷. www.noorhadith.ir
۱۴۸. www.noorlib.ir
۱۴۹. www.rajanews.com
۱۵۰. www.rasanews.ir
۱۵۱. www.tasnimnews.com
۱۵۲. www.tebyan.net
۱۵۳. www.isfahan.ir
۱۵۴. www.motahari.ir
۱۵۵. www.rasekhoon.net
۱۵۶. www.tasnimnews.com
۱۵۷. www.vajehyab.com
۱۵۸. www.ghadeer.org
۱۵۹. www.talabegi.com

تازه‌های نشر:



بخشی از آثار منتشر شده:

